

X2  
H  
993

-/2: D 24

872-A

B 1,031,203

Hafiz

# SPOKEN DARI

## PRELIMINARY EDITION



DEPARTMENT OF STATE

Digitized by Google

Original from  
UNIVERSITY OF MICHIGAN





۱۰۸  
۱۰۹  
۱۱۰  
۱۱۱  
۱۱۲  
۱۱۳  
۱۱۴  
۱۱۵  
۱۱۶  
۱۱۷  
۱۱۸  
۱۱۹  
۱۲۰  
۱۲۱  
۱۲۲  
۱۲۳  
۱۲۴

- ۱۰۸ - فارم
- ۱۰۹ - مگانیزه
- ۱۱۰ - تراکتور
- ۱۱۱ - پلاستیک
- ۱۱۲ - تیاتر
- ۱۱۳ - درام - درامه
- ۱۱۴ - کمیدی
- ۱۱۵ - تراژدی
- ۱۱۶ - فانتزی
- ۱۱۷ - کارتون - کاریکاتور
- ۱۱۸ - تابلو
- ۱۱۹ - فوتو
- ۱۲۰ - مدرن
- ۱۲۱ - آدرس
- ۱۲۲ - ایروگرام
- ۱۲۳ - تیوری
- ۱۲۴ - کلاسک

۹۱- داکتر	۷۴- پارسل
۹۲- انجنیر	۷۵- پست
۹۳- نوس (نوسنگ)	۷۶- پروکاست
۹۴- سکرت	۷۷- راپورتر
۹۵- تاپست	۷۸- ژورنالست (ژورنالیزم)
۹۶- پلستر	۷۹- آژانس
۹۷- کانکرت	۸۰- دروچر
۹۸- مفازہ	۸۱- پیلوت
۹۹- ماساز	۸۲- بالون
۱۰۰- کلینیک	۸۳- پراشوت
۱۰۱- پولی کلینیک	۸۴- ہم (ہمب)
۱۰۲- رادار	۸۵- انفلوانزا
۱۰۳- ترافیک	۸۶- ملاریا
۱۰۴- اکس ری	۸۷- واکسینیشن
۱۰۵- اکادمی	۸۸- پتلون
۱۰۶- پولی تخنیک	۸۹- واسکت
۱۰۷- سمبول	۹۰- نکتائی

۳۸ - سپورت	۵۶ - واترپمپ
۳۹ - تم	۵۷ - هارن
۴۰ - استید یوم	۵۸ - جیب
۴۱ - اولمپیک	۵۹ - لاری
۴۲ - پروگرام	۶۰ - کلچ
۴۳ - ریفری	۶۱ - گیر
۴۴ - فستیوال	۶۲ - بریک
۴۵ - مدال	۶۳ - اشترنگ (استیرنگ)
۴۶ - جمناستیک	۶۴ - ماشین
۴۷ - جنیزیم	۶۵ - بس
۴۸ - والیبال	۶۶ - اسکالرشپ
۴۹ - فتهال	۶۷ - فیلوشپ
۵۰ - باسکتبال	۶۸ - ماینس
۵۱ - هاکی	۶۹ - بورس
۵۲ - بوکس (بوکسنگ)	۷۰ - لیسہ
۵۳ - وپسل	۷۱ - وپسکی
۵۴ - تلویزیون	۷۲ - الکھول
۵۵ - سوچ	۷۳ - لیمو

بعضی از کلمات فرس که در زبان های دری و پشتو استعمال میشود -

- |                                    |               |
|------------------------------------|---------------|
| ۱- دیپلومات                        | ۲۰- بانك      |
| ۲- آتشف (هوائی - نظامی - مطبوعاتی) | ۲۱- كريدت     |
| ۳- رژيم                            | ۲۲- سيمينار   |
| ۴- كابينه                          | ۲۳- لكچر      |
| ۵- سناتور                          | ۲۴- د موكراسی |
| ۶- بودجه                           | ۲۵- د پكتاتور |
| ۷- استراتژی                        | ۲۶- فاشيست    |
| ۸- كميت                            | ۲۷- كميت      |
| ۹- رفراندم                         | ۲۸- كميسيون   |
| ۱۰- ويتو                           | ۲۹- كميشن     |
| ۱۱- سيستم                          | ۳۰- د پتانیت  |
| ۱۲- ميتود                          | ۳۱- انرژي     |
| ۱۳- مارشال                         | ۳۲- كالوري    |
| ۱۴- جنرال                          | ۳۳- ويتامين   |
| ۱۵- شارژر افير                     | ۳۴- تابلیت    |
| ۱۶- قونسل                          | ۳۵- ميكروب    |
| ۱۷- كنفرانس                        | ۳۶- كركتر     |
| ۱۸- امپراطور                       | ۳۷- د سپلين   |
| ۱۹- چك                             |               |

۳۸- سپورت	۵۶- واترپمپ
۳۹- تم	۵۷- هارن
۴۰- استید یوم	۵۸- جیب
۴۱- اولمپیک	۵۹- لاری
۴۲- پروگرام	۶۰- کلچ
۴۳- رهبری	۶۱- گیر
۴۴- فستیوال	۶۲- بریک
۴۵- مدال	۶۳- اشترنگ (استیرنگ)
۴۶- جمناستیک	۶۴- ماشین
۴۷- جنیزیم	۶۵- بس
۴۸- والیبال	۶۶- اسکالرشپ
۴۹- فتنال	۶۷- فیلوشپ
۵۰- باسکتبال	۶۸- ماینس
۵۱- هاکی	۶۹- بورس
۵۲- بوکس (بوکسنگ)	۷۰- لیمه
۵۳- وپسل	۷۱- ویسکی
۵۴- تلویزیون	۷۲- الکھول
۵۵- سوچ	۷۳- لیمو



بعضی از کلمات فری که در زبان های دری و پشتو استعمال میشود -

۱- دیپلمات	۲۰- بانك
۲- آتشف (هوایی - نظامی - مطبوعاتی)	۲۱- کربدت
۳- رژیم	۲۲- سیمینار
۴- کابینه	۲۳- لکچر
۵- سناتور	۲۴- دموکراسی
۶- بودجه	۲۵- دیکتاتور
۷- استراتژی	۲۶- فاشیست
۸- کمیته	۲۷- کمیته
۹- رفراندم	۲۸- کمیسیون
۱۰- ویتو	۲۹- کمیشن
۱۱- سیستم	۳۰- دپتانت
۱۲- میتود	۳۱- انرژی
۱۳- مارشال	۳۲- کالوری
۱۴- جنرال	۳۳- ویتامین
۱۵- شارژر افیر	۳۴- تابلت
۱۶- قونسل	۳۵- میکروب
۱۷- کنفرانس	۳۶- کرکتر
۱۸- امپراطور	۳۷- دسپلین
۱۹- چک	

۳۸ - سپورت	۵۶ - واترپمپ
۳۹ - تيم	۵۷ - هارن
۴۰ - استيد يوم	۵۸ - جيب
۴۱ - اولمپيك	۵۹ - لارى
۴۲ - پروگرام	۶۰ - كلچ
۴۳ - ريفرى	۶۱ - گير
۴۴ - فستيوال	۶۲ - بريك
۴۵ - مدال	۶۳ - اشترنگ (استيونگ)
۴۶ - جمناستيك	۶۴ - ماشين
۴۷ - جمنيزيم	۶۵ - بس
۴۸ - واليهال	۶۶ - اسكالرشپ
۴۹ - فتهال	۶۷ - فيلوشپ
۵۰ - باسكتبال	۶۸ - ساينس
۵۱ - هاكى	۶۹ - بورس
۵۲ - بوكس (بوكننگ)	۷۰ - ليهه
۵۳ - ويسل	۷۱ - ويسكى
۵۴ - تلوزيون	۷۲ - الكهول
۵۵ - سوچ	۷۳ - ليهو

بعضی از کلمات فری که در زبان های دری و پشتو استعمال میشود -

- |                |                                       |
|----------------|---------------------------------------|
| ۲۰ - بانك      | ۱ - دیپلمات                           |
| ۲۱ - كریدت     | ۲ - آتشه ( هوایی - نظامی - مطبوعاتی ) |
| ۲۲ - سیمینار   | ۳ - رژیم                              |
| ۲۳ - لكچر      | ۴ - كابینه                            |
| ۲۴ - د موكراسی | ۵ - سناتور                            |
| ۲۵ - د یكتاتور | ۶ - بودجه                             |
| ۲۶ - فاشیست    | ۷ - استراتژی                          |
| ۲۷ - كمیته     | ۸ - كمیته                             |
| ۲۸ - كمیسیون   | ۹ - رفراندم                           |
| ۲۹ - كمیشن     | ۱۰ - ویتو                             |
| ۳۰ - د پتانیت  | ۱۱ - سیستم                            |
| ۳۱ - انرژی     | ۱۲ - میتود                            |
| ۳۲ - كالوری    | ۱۳ - مارشال                           |
| ۳۳ - ویتامین   | ۱۴ - جنرال                            |
| ۳۴ - تابلیت    | ۱۵ - شارژر افیر                       |
| ۳۵ - میکروب    | ۱۶ - قونسل                            |
| ۳۶ - كركتر     | ۱۷ - كنفرانس                          |
| ۳۷ - د سپلین   | ۱۸ - امپراطور                         |
|                | ۱۹ - چك                               |

۳۸- سپورت	۵۶- واترپمپ
۳۹- تيم	۵۷- هارن
۴۰- استيد يوم	۵۸- جيب
۴۱- اولمپيك	۵۹- لارى
۴۲- پروگرام	۶۰- كليج
۴۳- ريفرى	۶۱- گير
۴۴- فستيوال	۶۲- بريك
۴۵- مدال	۶۳- اشترنگ (استيرنگ)
۴۶- جمناستيك	۶۴- ماشين
۴۷- جمنيزيم	۶۵- بس
۴۸- واليهال	۶۶- اسكالرشپ
۴۹- فتهال	۶۷- فيلوشپ
۵۰- باسكتبال	۶۸- ساينس
۵۱- هاكى	۶۹- بورس
۵۲- بوكس (بوكننگ)	۷۰- ليسه
۵۳- ويسل	۷۱- ويسكى
۵۴- تلوزيون	۷۲- الكهول
۵۵- سوچ	۷۳- ليمو

بعضی از کلمات فرہی کہ در زبان های دری و پشتو استعمال میشود -

- |                                    |               |
|------------------------------------|---------------|
| ۱- دیلومات                         | ۲۰- بانك      |
| ۲- آتشف (هوائی - نظامی - مطبوعاتی) | ۲۱- کریدت     |
| ۳- رژیم                            | ۲۲- سیمینار   |
| ۴- کابینه                          | ۲۳- لکچر      |
| ۵- سناتور                          | ۲۴- د موکراسی |
| ۶- بودجه                           | ۲۵- د یکتاتور |
| ۷- استراتژی                        | ۲۶- فاشیست    |
| ۸- کمیته                           | ۲۷- کمیته     |
| ۹- رفراندم                         | ۲۸- کمیسیون   |
| ۱۰- ویتو                           | ۲۹- کمیشن     |
| ۱۱- سیستم                          | ۳۰- د پتانٹ   |
| ۱۲- میتود                          | ۳۱- انرژی     |
| ۱۳- مارشال                         | ۳۲- کالوری    |
| ۱۴- جنرال                          | ۳۳- ویتامین   |
| ۱۵- شارژر افیر                     | ۳۴- تابلت     |
| ۱۶- قونسل                          | ۳۵- میکروب    |
| ۱۷- کنفرانس                        | ۳۶- کرکتر     |
| ۱۸- امپراطور                       | ۳۷- د سپاہین  |
| ۱۹- چک                             |               |

مای فروش لاجورد افغانستان به اروپای فریبس، خصوصاً بازارهای آلمان و لندن. ای سنگ عموماً بعد از استخراج و سورت بندی به شکل اولی و طبیعی مادر میشه.

لاجورد نسبت زیبایی و رنگش مورد پسند همه مردم اس و بصورت عموم ده ساختن اشیای زینتی و فیشن مثل انگشتر، گوشواره، تکمآستین، گلنکاشی، سنگ یرمیزی و خاکستردانی و همچنان گرد و خاکه لاجورد با ذرات طلا و غیره ده میناتوری های قلی ده کتابهای تاریخی بکاررفته و هم ده صنعت رنگسازی ستفاده میشه.

#### سوالات -

- ۱- لاجورد چی قسم رنگ داره؟
- معدن لاجورد بکدام ولایت وجود داره؟
- ۲- لاجورد به کدام کشورها صادر میشه؟
- ۳- چرا سنگ لاجورد به افغانستان بسیار مهم اس؟
- ۴- مردم لاجورده بری چی استفاده میکنن؟
- ۵- به علاوه افغانستان دیگه کدام کشورها لاجورد داره؟
- ۶- لاجورد قیمت ثابت بین الطلی داره؟

## لاجورد

یکی از پیدائوار مهم افغانستان لاجورد اس. ای سنگ رنگ کبود داشته و از سنگ های زینتی و بی نظیر بشمار میره. هر سال از درك فروش ای سنگ طاید زیادی به بودجه دولت میریزه. علاوه بر فروش به بازار های خارج به خود کشور هم بسیار خریدار داره.

معادن و ذخایر لاجورد ده ولایت بدخشان اس. رگ های لاجورد بصورت غیرمنظم و پراکنده وجود داره. قرار مطالعات جبالوجیکی، ای رگها ده اعناق معدن بصورت مجموعی یک معدن اساسی تشکیل داده که همه ساله از آن استخراج و بهره برداری صورت میگیره.

لاجورد افغانستان ده بازارهای داخل و خارج کدام قیمت استندرد یا قیمت ثابت بین المللی مثل طلا و غیره نداره، زیرا ای سنگ قیمتی به جز ده افغانستان و یکی دو کشور دیگه، به دیگه کشور ها پیدانمیشه و از پیدائوار مخصوص دو یا سه کشور محدود اس. بنابراین قیمت گذاری و فروش مربوط به ای کشورها اس.

لاجورد از نقطه نظر جنسیت ده بازارهای تجارتی به چندین درجه تقسیم شده. لاجورد درجه اول، درجه دوم، درجه سوم و غیره. بعضی وقت لاجورد درجه اول از ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ دالر فی کیلو بفروش میرسه. بزرگترین و کلانترین بازار

سوالات

- ۱- موضوع قبلو ره لطفا تشریح کنین .
- ۲- لطفا راجع به فامیل امریکائی چیزی بگوئین .
- ۳- فرق‌های که بین فامیل های افغان و امریکائی وجود داره لطفا مقایسه کنین .

ضرب المثل‌های دری

- نجاری کار شادی نیس
- قول مرد بکیس
- قدر طافیت را کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید
- اول طعام بعد کلام
- بوی شیر از دهنش می آید
- به مرگ بگور تا به تب راضی شود
- بسیار سفرها بد تا پخته شود خامی
- برگ سبز است تحفه درویش



پسر کلان مسئولیت فامیله بعهده میگیره بدین صورت مادر، دیگبرادر  
 ها و خواهران باید از او پیروی کنن.  
 مثلیکه قبلا گفتم پدر رئیس فامیل اس بناء تمام اختیارات فامیل بدست  
 اوست و مادر ها توسط اطفال بسیار احترام میشن.

کلمات زیر عین معنوره داره

فامیل - خانواده

اتحاد - یگانگی

اقارب - قوم خویش

بصورت عموم - عموماً

ترتیب - تهیه

محکم - استوار

اساس - بنیاد

حیات - زندگی

عاید - درآمد

درحقیقت - حقیقتاً

بچه - پسر

بناء - بنا برین

رسم و رواج - طادات

حویلی - خانه

سوالات

- ۱- موضوع قبل‌ره لطفا تشریح کنین .
- ۲- لطفا راجع به فامیل امریکائی چیزی بگوئین .
- ۳- فرق‌های که بین فامیل‌های افغان و امریکائی وجود داره لطفا مقایسه کنین .

ضرب‌المثل‌های دری

- نجاری کار شادی نیس
- قول مرد یکی س
- قدر طافیت را کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید
- اول طعام بعد کلام
- بوی شیر از دهنش می‌آید
- به مرگ بگور تا به تب راضی شود
- بسیار سفر باید تا پخته شود خامی
- برگ سبز است تحفه درویش

پسر کلان مسئولیت فامیله بعهده میگیره بدین صورت مادر، دیگه برادر  
 ها و خواهران باید از او پیروی کنن.  
 مثلیکه قبلا گفتم پدر رئیس فامیل اس بناء تمام اختیارات فامیل بدست  
 اوست و مادر ها توسط اطفال بسیار احترام میشن.

کلمات زیر عین معنی ره داره

فامیل - خانواده

اتحاد - یگانگی

اقارب - قوم و خویش

بصورت عموم - عموماً

ترتیب - تهیه

محکم - استوار

اساس - بنیاد

حیات - زندگی

عاید - درآمد

در حقیقت - حقیقتاً

بچه - پسر

بناء - بنا برین

رسم و رواج - عادات

حویلی - خانه

## فامیل افغان

مثل دیگره جوامع آسیائی ده افغانستان هم فامیل توسط رئیس خانواده  
پدر اداره میشه . پدر تمام فعالیت های فامیله به دست گرفته و همه  
زه کنترل میکنه .

فامیل افغان یک سمبول اتحاد و یگانگیه . پدر، مادر، بچه ها و دخترهائی  
هنوز عروسی نکردهن همه یکجا زندگی میکنن . بعضی وقت بعد از عروسی هم با فامیل  
ایشان ده یک حویلی زندگی میکنن .

رسم و رواج های عروسی های گران قیمت قرار فرمان نهم هفت شورای انقلابی  
منو قرارداد شده ، بنا برین دخترها و بچه ها میتانن با هر کسیکه دلشان بخایه  
عروسی کنن . عروسی فامیل هاره با هم نزدیک ساخته ، اعتماد و بنیاد خانوادگی ره  
حکم و استوار نگه میداره . فامیل ها بری اعضای خود غذا ، مسکن و کار تهیه میکنن .  
مسئولیت مهم عموماً بدوش جوانان و مرد هاس . زن ها بصورت عموم به کار  
مای خانه مشغول بوده و بعضاً ده مکاتب ، شفاخانه ها و ادارات حکومتی کار میکنن  
مگر در حیات اقتصادی رول با نقش خوده بازی میکنه . ده بعضی فامیل ها ، خانم  
ها به سوزن دوزی ، کارهای خیاطی و قالبین بافی مشغول بوده و باید قابل ملاحظه  
به فامیل خود میارن .

بچه افغان در حقیقت از سن ۱۲-۱۳ به کار کردن شروع میکنه . در خیاب پدر

۶- نام قدیم بلخ چی بود ؟

۷- لشکرگاه پایتخت زمستانی کدام دوره بود ؟

۸- به کدام سال های قبل از میلاد افغانستان تحت سلطنت داریوش اول آمد ؟

۹- به کدام وقت قسمت های زیاد افغانستان تحت نفوذ فرهنگ و تمدن یونان

آمد ؟

۱۰- مرکز تیموریان کدام شهر بود ؟

۱۱- افغانستان به کدام دوره مرکز تجارت بود ؟

۱۲- چی وقت اسلام به افغانستان ظهور کرد ؟

۱۳- ده وقت ظهور اسلام افغانستان بنام چی یاد میشد ؟

۱۴- مساحت افغانستان چقدر ؟

۱۵- اکثر دریا های افغانستان از کدام کوه سرچشمه میگیره ؟

۱۶- بعضی از کشورهای محاط به خشک ره نامگیرین ؟

۱۷- بعضی از دریا های مشهور افغانستان نامگیرین ؟

۱۸- دریای آمو ده کجا واقع ؟

۱۹- جنگ اول افغان و انگلیس ده زمان کدام پادشاه صورت گرفت ؟

۲۰- ده وقت کدام پادشاه قسمت های شرقی افغانستان به دولت انگلیس تعلق گرفت ؟

۲۱- کدام پادشاه استقلال افغانستان از انگلیسها گرفت ؟

های فروش لاجورد افغانستان به اروپای غربی، خصوصاً بازارهای آلمان و لندن. ای سنگ عموماً بعد از استخراج و سورت بندی به شکل اولی و طبیعی صادر میشود.

لاجورد نسبت زیبایی و رنگش مورد پسند همه مردم امر و بصورت عموم در ساختن اشیای زینتی و فیشن مثل انگشتر، گوشواره، تکمآستین، گلنکاشی، سنگ سرمیزی و خاکستردانی و همچنان گرد و خاکه لاجورد با ذرات طلا و غیره در میناتورهای قلی در کتابهای تاریخی بهکاررفته و هم در صنعت رنگسازی استفاده میشود.

#### سوالات -

- ۱- لاجورد چی قسم رنگ داره؟
- معادن لاجورد بهکدام ولایت وجود داره؟
- ۲- لاجورد به کدام کشورها صادر میشه؟
- ۳- چرا سنگ لاجورد به افغانستان بسیار مهم امر؟
- ۴- مردم لاجورده بری چی استفاده میکنن؟
- ۵- بر علاوه افغانستان دیگه کدام کشورها لاجورد داره؟
- ۶- لاجورد قیمت ثابت بین الطلی داره؟

## لاجورد

یکی از پیدائش مهم افغانستان لاجورد اس. ای سنگ رنگ کبود داشته و از سنگ های زینتی و بی نظیر بشمار میره. هر سال از درك فروش ای سنگ طاید زیادی به بودجه دولت میریزه. علاوه بر فروشش به بازار های خارج به خود کشور هم بسیار خریدار داره.

معادن و ذخایر لاجورد ده ولایت بدخشان اس. رگ های لاجورد بصورت غیرمنظم و پراکنده وجود داره. قرار مطالعات جیالوجیکی، ای رگها ده اعناق معدن بصورت مجموعی يك معدن اساسی تشکیل داده که همه ساله از آن استخراج و بهره برداری صورت میگیره.

لاجورد افغانستان ده بازارهای داخل و خارج کدام قیمت استاندارد با قیمت ثابت بین المللی مثل طلا و غیره نداره، زیرا ای سنگ قیمتی به جز ده افغانستان و یکی دو کشور دیگه، به دیگه کشور ها پیدانمیشه و از پیدائش مخصوص دو یا سه کشور محدود اس. بنابراین قیمت گذاری و فروشش مربوط به ای کشورها اس.

لاجورد از نقطه نظر جنسیت ده بازارهای تجارتی به چندین درجه تقسیم شده. لاجورد درجه اول، درجه دوم، درجه سوم و غیره. بعضی وقت لاجورد درجه اول از ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ دالر فی کیلو بفروش میرسه. بزرگترین و کلانترین بازار

سوالات

- ۱- موضوع قبلی ره لطفا تشریح کنین .
- ۲- لطفا راجع به فامیل امریکائی چیزی بگوئین .
- ۳- فرق های که بین فامیل های افغان و امریکائی وجود داره لطفا مقایسه کنین .

ضرب المثل های دری

- نجاری کار شادی نیس
- قول مرد یکی س
- قدر طافیت را کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید
- اول طعام بعد کلام
- بوی شیر از دهنش می آید
- به مرگ بگیر تا به تب راضی شود
- بسیار سفر باید تا پخته شود خامی
- برگ سبز است تحفه درویش



پسر کلان مسئولیت فامیله بعهدہ میگیره بدین صورت مادر، دیکهبرادر  
 ها و خواهران باید از او پیروی کنن.  
 مثلیکه قبلا گفتم پدر رئیس فامیل اس بناء تمام اختیارات فامیل بدست  
 اوست و مادر ها توسط اطفال بسیار احترام میشن.

کلمات زیر عین معنوره داره

فامیل - خانواده

اتحاد - یگانگی

اقارب - قوم و خویش

بصورت عموم - عموماً

ترتیب - تهیه

محکم - استوار

اساس - بنیاد

حیات - زندگی

طاید - درآمد

در حقیقت - حقیقتاً

بچه - پسر

بناء - بنا برین

رسم و رواج - عادات

حویلی - خانه

## فامیل افغان

مثل دیگر جوامع آسیائی ده افغانستان هم فامیل توسط رئیس خانواده  
نی پدر اداره میشه . پدر تمام فعالیت های فامیله به دست گرفته و همه  
زه کنترل میکنه .

فامیل افغان يك سمبول اتحاد و یگانگی س. پدر، مادر، بچه ها و دخترهایی  
هنوز عروسی نگندن همه یکجای زندگی میکنن . بعضی وقت بعد از عروسی هم با فامیل  
ایشان ده يك حویلی زندگی میکنن .

رسم و رواج های عروسی های گران قیمت قرار فرمان نمره هفت شورای انقلابی  
منو قرارداد شده ، بنا برین دخترها و بچه ها میتانن با هر کسیکه دلشان بخایه  
عروسی کنن . عروسی فامیل هاره با هم نزدیک ساخته ، اعتماد و بنیاد خانوادگی ره  
محکم و استوار نگه میداره . فامیل ها بری اعضای خود غذا ، مسکن و کار تهیه میکنن .  
مسئولیت مهم عموما بدوش جوانان و مرد هاس . زن ها بصورت عموم به کار  
های خانه مشغول بوده و بعضا ده مکاتب ، شفاخانه ها و ادارات حکومتی کار میکنن  
هرکس ده حیات اقتصادی رول یا نقش خوده بازی میکنه . ده بعضی فامیل ها ، خانم  
ها به سوزن دوزی ، کارهای خیاطی و قالبین بافی مشغول بوده و باید قابل ملاحظه  
به فامیل خود میارن .

بچه افغان در حقیقت از سن ۱۲-۱۳ به کار کردن شروع میکنه . درغیاب پدر

- ۶- نام قدیم بلخ چی بود ؟
- ۷- لشکرگاه پایتخت زمستانی کدام دوره بود ؟
- ۸- به کدام سال های قبل از میلاد افغانستان تحت سلطنت داریوش اول آمد ؟
- ۹- به کدام وقت قسمت های زیاد افغانستان تحت نفوذ فرهنگ و تمدن یونان آمد ؟
- ۱۰- مرکز تیموریان کدام شهر بود ؟
- ۱۱- افغانستان به کدام دوره مرکز تجارت بود ؟
- ۱۲- چی وقت اسلام به افغانستان ظهور کرد ؟
- ۱۳- ده وقت ظهور اسلام افغانستان بنام چی یاد میشد ؟
- ۱۴- مساحت افغانستان چقدر ؟
- ۱۵- اکثر دریا های افغانستان از کدام کوه سرچشمه میگیره ؟
- ۱۶- بعضی از کشورهای محاط به خشک ره نامگیرین ؟
- ۱۷- بعضی از دریا های مشهور افغانستان نامگیرین ؟
- ۱۸- دریای آمو ده کجا واقع ؟
- ۱۹- جنگ اول افغان و انگلیس ده زمان کدام پادشاه صورت گرفت ؟
- ۲۰- ده وقت کدام پادشاه قسمت های شرقی افغانستان به دولت انگلیس تعلق گرفت ؟
- ۲۱- کدام پادشاه استقلال افغانستان از انگلیسها گرفت ؟

بنیاد بنیادی تعلیم و تربیه بود که همه نتیجه بد رار و داود خان به وعده های که به مردم افغانستان داده بود وفانگه و به سیستم فیودالی و خاندانی دوباره پرداخت و مردم افغانه ناراض ساخت.

حکومت داودی بسیار دوام ننگ. بعد از چهار سال و نه ماه توسط اردوی افغان

مقوط دادمشد. شورای انقلاب ملی در ۷ ماه ثور ۱۳۵۷ مطابق ۲۷ اپریل

۱۹۷۷، نور محمد ترهکی ره که رهبر حزب خلق بود بحیث رئیس شورای انقلابی و

سدر اعظم انتخاب کد و نام جمهوری افغانستان به جمهوری دیموکراتیک افغانستان تبدیل کد.

( نوت - قسمت زیاد موضوع فوق از کتاب سالنامه افغانستان ۴۷-۱۳۴۸

اقتباس شده . تاریخ طبع - اول حمل ۱۳۴۹ )

xxxxxx

سوالات -

- ۱- نام قدیم افغانستان چی بود ؟
- ۲- آریایی ها ده کجا زندگی میکنن ؟
- ۳- کدام راه تجارتی ده تاریخ بنام راه ابریشم یاد میشه ؟
- ۴- کدام آثار تاریخی ده افغانستان از عصر بودائی ها نماندگی میکنه ؟
- ۵- یکی از پایتخت های کوشانی ها چی نام داشت ؟

امان‌الا به عصری ساختن افغانستان اقدام کرد به‌ای وقت امان‌الا میخواست که هرچه زودتر با آوردن ریفارم و تغییرات اجتماعی افغانستان مترقی‌سازد. مگر در عملی ساختن پلانیهایش موفق نشد و مردم به قبول ای قسم تغییرات آماده نبودن بنا از امان‌الا مخالفت‌کنان تا آنکه یک‌دسته مرتجعین از موقع استفاده‌کننده امان‌الا ره مجبور ساختن که افغانستان ترک‌بسته. عوض امان‌الا یک‌کفر بنام حبیب‌الا مشهور به بچسقاو پادشاه شد. تاریخ ایروز سال ۱۹۲۹ بود.

امان‌الا به ایتالیا رفت و تا آخر عمرش ده اونجه زندگی کرد.

حبیب‌الا ۹ ماه پادشاه بود. تا آنکه نادرشاه بچه سقاوه ازین‌برود

خودش پادشاه شد. (۱۹۲۹ - ۱۹۳۳)

بعداز کشته‌شدن نادرشاه، پسرش محمد ظاهرشاه پادشاه شد. نامبرده

سیاست بیطرفی داشت و مدت چهل‌سال پادشاه بود.

در ۱۷ جولای سال ۱۹۷۳ صفحه دیگری در تاریخ افغانستان ورق

زده شد. رئیس‌جمهور محمد داود توسط یک کودتای نظامی سیستم شاهی‌ره وقتیکه

پسر کاکایش (ظاهرشاه) برای معالجه به ایتالیا رفت. به جمهوری تبدیل کرد. موصوف

در سیاست خارجی خود بیطرف بود. با ممالک شرق و غرب رابطه خوب داشت و

از ممالک مترقی کمک‌های خارجی میگرفت.

از جمله کارهای داود خان وضع پلان هفت‌ساله، اصلاحات ارضی و

رفقارم بنيادی تعليم و تربيه بود که همه نتيجه بد دار و داود خان به وعده های که به مردم افغانستان داده بود وفا نکرد و به سيستم فيودالی و خاندانی دوباره پرداخت و مردم افغانه ناراض ساخت.

حکومت داودی بسيار دوام ننگ. بعد از چهار سال و نه ماه توسط اردوی افغان

سقوط داده شد. شورای انقلاب ملی در ۷ ماه شور ۱۳۵۷ مطابق ۲۷ اپريل ۱۹۷۸، نور محمد ترهکی ره که رهبر حزب خلق بود بحیث رئيس شورای انقلابی و صدراعظم انتخاب کرد و نام جمهوری افغانستان به جمهوری ديموکراتیک افغانستان تبدیل کرد.

( نوت - قسمت زياد موضوع فوق از کتاب سالنامه افغانستان ۴۷-۱۳۴۸ اقتباس شده . تاريخ طبع - اول حمل ۱۳۴۹ )

xxxxxx

سوالات -

۱- نام قدیم افغانستان چی بود؟

۲- آشنایان ده کجا زندگی میکنند؟

۳- جارتی ده تاریخ بنام راه ابریشم یاد همیشه؟

۴- بی ده افغانستان از عصر بودائی ها نمایندگی میکنه؟

۵- کوشانی ها چی نام داشت؟

امان‌الا به عصری ساختن افغانستان اقدام کرد به‌ای وقت امان‌الا میخواست که هرچه زودتر با آوردن رفیقا و تغییرات اجتماعی افغانستان مترقی‌سازد. مگر در عملی ساختن پلانیهایش موفق نشد و مردم به قبول ای قسم تغییرات آماد نبودن بنا بر امان‌الا مخالفتکن تا آنکه یکدسته مترجمین از موقع استفاده کرده امان‌الا ره مجبور ساختن که افغانستانه ترکبته. عوض امان‌الا یکفر بنام حبیب‌الا مشهور به بچستاو پادشاهشد. تاریخ ایروز سال ۱۹۲۹ بود.

امان‌الا به ایتالیا رفت و تا آخر عمرش ده اونجه زندگی کرد.

حبیب‌الا ۹ ماه پادشاه بود. تا آنکه نادرشاه بچه سقاوه ازین‌برود

خودش پادشاهشد. (۱۹۲۹ - ۱۹۳۳)

بعداز کشتهشدن نادرشاه، پسرش محمد ظاهرشاه پادشاهشد. نامبرده

سیاست بیطرفی داشت و مدت چهل‌سال پادشاه بود.

در ۱۷ جولای سال ۱۹۷۳ صفحه دیگری در تاریخ افغانستان ورق

زد شد. رئیس‌جمهور محمد داود توسط یک کودتای نظامی - اهن‌ره وقتیکه

پسر کاکایش (ظاهرشاه) برای معالجه به ایتالیا رفت بود به

در سیاست خارجی خود بیطرف بود. با ممالک شرق

از ممالک مترقی کمک‌های خارجی میگرفت.

از جمله کارهای داود خان وضع پلان هفت‌سا

احمدشاهبابا امپراطوری افغان رو به تجزیه‌گذاری و اولاده او نتوانستن  
افغانستانه اداره‌کنن .

بعداز ابدالی ها دوره محمدزائی ها شروع میشه که اولین پادشاه  
ای دوره امیر دوست محمدخان اس و دهه‌ای وقت اس که جنگ اول افغان  
و انگلیس شروع میشه (۱۸۳۹ - ۱۸۴۲ میلادی) . . . . .  
شیرعلی خان پسر امیر دوست محمدخان از ۱۸۶۳ - ۱۸۷۸  
پادشاه بود . شیرعلی روابط سیاسی خوبی با روس ها قایم‌کد و از ای  
سیاست انگلیس ها بد بردن و بنا برین جنگ دوم افغان و انگلیس شروع شد .  
انگلیسها در کابل و میوند بسیار تلفات دیدن و در نتیجه انگلیسها به  
تخلیه افغانستان راضی شدن .

یعقوب خان بعداز شیرعلی پادشاه شد و دوره ای بسیار کوتاه  
بود . وقتیکه امیر عبدالرحمن خان پادشاه شد حکومت افغانستان به  
کابل تمرکز داد . عبدالرحمن در مدت بیست و یک سال حکمرانی با دولت  
انگلیس روابط خوب داشت و درین وقت بود که قسمت های شرقی سرحدات  
طبیعی افغانستان به دولت برطانوی واگذارگردید .

امیرحبیب الا جانشین عبدالرحمن خان از سالهای ۱۶۰۱ - ۱۱۱۱  
حکومت بسیار آرام و بی‌جنگال داشت و در جنگ عمومی اول بیطرف ماند .  
وقتیکه حبیب الا کشته شد یکی از پسرانش بنام امان‌الا به تخت سلطنت  
نشست . امان‌الا یک پادشاه بسیار روشنفکر و وطن‌پرست بود . وقتیکه او  
پادشاه شده بیچ آرام نگرفت و جنگ سوم افغان و انگلیس شروع‌کد . امان‌الا  
استقلال افغانستانه حاصل‌کد و تا ابد افغانستانه از شر انگلیسها نجات‌دار .



به نیم قاره هند بهتر معرفی ساخت. یعنی تمدن اسلامی هند مرهون مرهون مساعی شاهان غوری سر. بعد از اینکه آخرین پادشاه غوریان بدست عساکر مغل کشته شد یک قسمت بزرگ افغانستان تحت حکمرانی امپراطوری مغل درآمد. مگر بعد از مدت بسیار کم تیمور لنگ به افغانستان حمله آورد و بعد از تصرف ویرانی ها و خرابه های که توسط چنگیز ظالم مانده بود آنهاره مجددا اعمار کرد. مرکز تیموریان شهر هرات بود. بعد از دوره تیموری ها، دولت های صفوی فارس و باهر از ضعف شاهان تیموری استفاده کرده قسمت های افغانستان شمالی و غربی به صفوی ها و قسمت های شرقی بدولت باهری هند تعلق گرفت. باهر در کابل یک حکومت تشکیل داد و فتوحات خود از اینجا بطرف هند شروع کرد . . . . .

بعد از دوره باهر دوره سوری ها شروع میشه. شیر شاه سوری به کشور هند اعلام پادشاهی کرد، مگر درین وقت نفوذ افغانها آهسته آهسته در هند ضعیف شد و صفوی ها از ای ضعف استفاده کرده بعضی از ولایات را گرفتند.

بعد از سقوط دوره سوری ها، دوره هوتکی ها میایه. تحت رهبری میرویس نیکه در قندهار دست صفوی ها از خاک افغانستان کوتاه شد و هوتکی ها یک قسمت فارسه اشغال کردن.

وقتیکه دوره هوتکی ها تمام شد. ابدالی ها تحت رهبری احمد شامبابا (ابدالی) یا (درانی) پادشاهی ره گرفتند. احمد شاه بابامدت ۲۵ سال پادشاه بود و دولت امروزی افغانستانه تاسپر کرد. بعد از مرگ

گردید. که ای راه تجارتي در تاريخ بنام راه ابريشم ياد ميشه .  
 افغانستان بين قرن اول الی هفتم عيسوی يك مركز فرهنگ و ترويج  
 بودائی بود . مفره ها و نقاشی های زیبا که به شیوه مخصوصی در دره  
 بامیان وجود داره از عصر طلائی تمدن بودائی در سرزمین افغانستان  
 نمایندگی میکنه . دو مجسمه بودا یکی به ارتفاع ۱۷۵ فت و دیگری به  
 ارتفاع ۱۱۵ فت بعد از گذشتن زیادتري از هزارسال هنوز قابل دیدن  
 و ستایش اس . با رویکار آمدن ای دوره ( Greco-Buddhist Art )  
 صنایع ظریفه بودائی و یونانی در افغانستان بسیار پیشرفت کد .

### ظهور اسلام

سالهای ۲۴۱-۱۶۲ برای افغانستان يك دوره پراز تشنج بود .  
 انکشاف صنعت بودائی و یونانی از یکطرف و پیشرفت اسلام بخاک افغان  
 از طرف دیگر اوضاع افغانستان برهم و درهم ساخت . بعد از شکست  
 دو امپراطوری بزرگ روم و فارس ، اسلام با افغانستان راه پیدا کد . افسر  
 مشهور افغانی طاهر هراتی و یعقوب لیث زابلی علیه خلیفه اسلامی  
 قیام کدن . طاهر هراتی بغداد و بعضی کشورهای عربی ره اشغال کد  
 و سپهر خراسان مرکز امپراطوری اسلام گردید . . . . .  
 • بعد از ای دوره غزنویان شروع میشه (سال های ۱۱۸۶-۱۶۲)  
 غزنویان غزنی ره پایتخت تابهستانی و بست (لشکرگاه) ره پایتخت زمستانی  
 خود انتخاب کدن . شاه مشهور این دوره سلطان محمود بود .  
 بعد از غزنویان ، غوریان هرات بسراقتدار آمدن شهر غزنی ره از

از غزنویان گرفته تخریب و ویران کدن و ای سلسله تمدن اسلامی ره

خاصی بودن کهبیم دریای کسپین و دریاچه گنگا (هند) مسکن داشتن .  
 کلمه آریانا از (آریا) اشتقاق یافته . محل‌رهایش مردمان شجاع  
 و نجیب معنی‌میده . بلخ یکی از شهرهای بسیارمشهور آریاییهای باستان  
 بوده . و نام قدیمش بکتیریا (پابخدی) می‌باشد . لهذا اولین شهر بزرگ  
 و تاریخی افغانستان سر که هزاران سال قبل پادشاهان آریایی  
 بشمارمیرفت .

در دوره نهضت اسلام بلخ (بخدی) لقب ام‌البلاد یعنی مادر  
 شهر هاره بخودگرفت . در دوره اسلام سرزمین افغانستان بنام خراسان  
 یاد میشد و بالاخره نام افغانستان در قرن نهم وسعت یافت . امروز نام  
 ملی و رسمی ای کشور تاریخی افغانستان می‌باشد .

باشندگان افغانستان از ۱۵۰۰-۶۰۰ قبل از میلاد ( B.C . ) به  
 زراعت و مالداری مشغول بودن و به همی وقت افغانستان چهارراه آسیا  
 بود .

از ۶۰۰ تا ۳۳۰ قبل از میلاد افغانستان تحت سلطنت داریوش  
 اول آمد . بعد از شکست داریوش سوم اسکندر داخل خاک افغانستان  
 شد . از ۳۲۷ تا ۴۸ میلادی اسکندر تهاجمات خوده از نزدیکی بلخ  
 شروع کرد . با آمدن سکندر قسمت های زیاد افغانستان تحت نفوذ فرهنگ  
 و تمدن یونانی قرارگرفت .

از سالهای ۴۸ تا ۲۴۲ میلادی دوره کوشانی ها شروع شد . یکی از  
 پایتخت های کوشانی ها کاپیسا یا بگرام امروزی بود . افغانستان بهای  
 وقت مرکز تجارت و روابط اقتصادی بین ممالک چین ، هند و امپراطوری روم

## تاریخ و جغرافیای افغانستان بصورت مختصر

۱- جغرافیه .

افغانستان يك کشور محاط به خشکه بوده در آسیای مرکزی واقع شده و پایتختش شهر کابل اس. افغانستان تقریبا ۷۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد نفوسش تقریبا ۱۷ ملیون اس .

بشتر از نصف افغانستانه کوه ها و ارتفاعات تشکیل داده کوه هندوکش که از شمال شرق بطرف جنوب غرب امتداد دارد افغانستانه بدو حصه شمالی و جنوبی تقسیم میکنه. اکثر دریاهاى افغانستان از ای کوه ها سرچشمه میگيره .

قسمت های شمال هندوکشه زمین های هموار و حاصلخیز

احتوا نموده که برای زراعت بسیار مساعد اس.

قسمت های جنوب هندوکش معمولا کوهسار بوده و با درختان

و جنگلات انبوه پوشیده شده .

در درس های پیشتر راجع به حدود اربعه ، پیداوار ، واردات

صادرات و آب و هوای کشور خواندیم درینجه ضرورنیس که تکرارکنیم .

۲- تاریخ :

نام قدیم افغانستان (آریانا) بود . ای نام در کتاب (اوستا)

آمده و به همین منطقه آسیای مرکزی اطلاق میشه. آریایی ها مردمان

از روزنامه انیس

۱۳۵۶

## فسخ نامزدی

مزارشریف:

دختر جوانی که در طفولیت با (همرای) پسری نامزد شده بود به محکمه ابتدائی ولسوالی چاربولک مراجعه کرد (رفت) و از محکمه خواست (پرسان کند) که نامزدی شه فسخ کنه .

یک منبع محکمه گفت : پیغله فاطمه بنت (دختر) خدایار که با محمد اسحق ولد (پسر) رجب که از طفولیت نامزد شده بود به نسبت عدم موافقه و مراجعه دختر به محکمه طبق قانون ازدواج نامزدی شان شرعاً فسخ گردید .

دختر حالی شانزده ساله و پسر هفده (هفته) ساله س و باهم خویشاوندی دارن .

ای نامزدی در طفولیت از طرف پدر و مادر دختر و پسر صورت گرفته بود .

سوالات

- ۱- فاطمه بکدام محکمه مراجعه کرد و چرا ؟
- ۲- نام ولسوالی چیست و بکدام ولایت واقع است ؟
- ۳- لطفاً ای قضیه تشریح بتین .

مراکز و ولایات

<u>مراکز</u>	<u>ولایات</u>	<u>مراکز</u>	<u>ولایات</u>
مزار شریف	۱۶- بلخ	کابل	۱- کابل
بامیان	۱۷- بامیان	غزنی	۲- غزنی
فیض آباد	۱۸- بدخشان	جاریکار	۳- پروان
چخچران	۱۹- فورات	جلال آباد	۴- ننگرهار
قلمنو	۲۰- بادغیسات	کندهار	۵- کندهار
لشکرگاه	۲۱- هلمند	بغلان	۶- بغلان
بره کی برک	۲۲- لوگر	گردیز	۷- پکتیا
مہترلام	۲۳- لغمان	هرات	۸- هرات
فراه	۲۴- فراه	تیمین کوت	۹- ارزگان
ایمک	۲۵- سمنگان	میمنه	۱۰- فاریاب
زرنج	۲۶- نمریز	شهرخان	۱۱- جوزجان
اسدآباد	۲۷- کترها	میدان شار	۱۲- وردک
محمود راقی	۲۸- کاپیسا	کندز	۱۳- کندز
		قلات	۱۴- زابل
		تالکان	۱۵- تخار

نمونه خطی نامه قبلی :

دوکت بسیار عزیزم کریم جان !

سلام و احترامات صمیمانه ام ! به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی  
 ات را از خداوند پاک (ج) آرزو دارم .  
 من بعضی خداوند با تمام فایر صحت کامل دارم . روز شنبه ۱۲ جوزا  
 بخیر بجا بل رسیدیم . همه ما شکر خوب هستیم ، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده  
 کابل شهر بسیار مقبول است . خانه ما در شهر نو واقع شده ، هوای نسبتاً  
 کلان میباشد . حوض شنا ، درختها و کردهای گل دارد . به سینما پارک هم  
 بسیار نزدیک است . . . . .

... زیاده از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میگویم .  
 لطفاً از عودات خود برایم بنویس و هم سلام و احترامات مرا برار هم

دوستان تقدیم کنم . با احترام  
 محمد

يك نامه دوستانه.

دوست بسیار عزیزم کریم جان!

سلام و احترامات صمیمانه ام را به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی

ت را از خداوند پاک (ج) آرزو دارم. (میکنم)

من بفضل خداوند با تمام فامیل صحت کامل داریم. روز سه شنبه ۲ اجوزاً

خبر بگاہل رسیدیم. همما شکر خوب هستیم، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده

تاهل شهر بسیار مقبول است. خانها در شهرنو واقع شده، حویلی نسبتاً

کلان میباشد. حوض شنا، درختها و کردهای گل دارد. به سینما پارک هم

بسیار نزدیک اس. ....

... زیاده از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میسپارم.

لطفاً از احوالات خود برایم بنویس و هم سلام و احترامات مرا برای همه

دوستان تقدیم کن. با احترام.

حفیظ x

نوت - لطفاً نامه بالا را با تغییر نام و جای به قلم خود نوشته کنین.



مکالمه

۳۵

- سلام حقیقت جان!
- سلام عطیه جان!
- ماطل (معطل) پس استی؟
- آن ماطل پس میاشم.
- کجا میری؟
- کارته پروان. خودت کجا میری؟
- مهم شهرآرا میرم. خو دیگه چطوراستی؟
- بدنم میگذره. (مثل همیشه)
- اینه موتر آمد. . . . بسیار دیر شده که ندیدیم. کجاستی؟
- کارومصرفیت ها ره ای وقت ها زیاد شده (اس)
- خو. کارته پروان چی میکنی؟
- میخایم یکی از رفیق‌های ما که تازه از خارج آمده بیایم.
- ببخشی. . . ما اینجا باید تا شوم. باز انشالا می‌بینیم.
- البته. با ما ان خدا.
- خدا حافظ.

يك نامه دوستانه.

دوست بسیار عزیزم کریم جان!

سلام و احترامات صمیمانه ام را به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی

ت را از خداوند بآرزودارم. (ج) (میکنم)

من بفضل خداوند با تمام فامیل صحت کامل دارم. روز سه شنبه ۲ اجوزاً

خبر بگاہل رسیدیم. همما شکر خوب هستیم، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده

تاهل شهر بسیار مقبول است. خانها در شهرنو واقع شده، حویلی نسبتاً

کلان میباشد. حوض شنا، درختها و کردهای گل دارد. به سینا پارک هم

بسیار نزدیک اس. ....

... زیاده از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میسپارم.

لطفاً از احوالات خود برایم بنویس و هم سلام و احترامات مرا برای همه

دوستان تقدیم کن. با احترام.

حفیظ x

نوت - لطفاً نامه بالاره با تخییر نام و جای به قلم خود نوشته کنین.

مکالمه

۳۵

- سلام حفیظ جان!
- سلام عطیه جان!
- ماطل (معطل) پس استی؟
- آن ماطل پس میباشم.
- کجا میری؟
- کارته پروان. خودت کجا میری؟
- مهم شهرآرا میروم. خو ریگه چطوراستی؟
- بدنیهس میگذره. (مثل همیشه)
- اینه موتر آتد. . . . بسیار دیر شده که ندیدیم. کجاستی؟
- کارومصرفیت ها ره ای وقت ها زیاد شده (اس)
- خو. کارته پروان چی میکنی؟
- میخایم یکی از رفیق های مه که تازه از خارج آتده بینیم.
- ببخشی. . . مه اینجه باید تاشوم. باز انشالا می بینیم.
- البته. باطمان خدا.
- خدا حافظ.

يك نامه دوستانه.

دوست بسیار عزیزم کریم جان!

سلام و احترامات صمیمانه ام را به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی

ت را از خداوند بآرزو دارم. (ج) (میکنم)

من بفضل خداوند با تمام فامیل صحت کامل داریم. روز سه شنبه ۲ اجوزاً

خبر بگاہل رسیدیم. همما شکر خوب هستیم، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده

کابل شهر بسیار مقبول است. خانها در شهرنو واقع شده، حویلی نسبتاً

کلان میباشد. حوض شنا، درختها و گردهای گل دارد. به سینما پارک هم

بسیار نزدیک اس. ....

... زیاده از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میسپارم.

لطفاً از احوالات خود برایم بنویس و هم سلام و احترامات مرا برای همه

دوستان تقدیم کن. با احترام.

حفیظ x

نوت - لطفاً نامه بالا را با تغییر نام و جای به قلم خود نوشته کنین.

مکالمه

۳۵

- سلام حفیظ جان!
- سلام عطیه جان!
- ماطل (معطل) پس استی؟
- آن ماطل پس میاشم.
- کجا میری؟
- کارته پروان. خودت کجا میری؟
- مهم شهرآرا میرم. خو دیگه چطوراستی؟
- بدنس میگذره. (مثل همیشه)
- اینه موتر آه. . . . بسیار دیر شده که ندیدیم. کجاستی؟
- کارومصرفیت ها ره ای وقت ها زیاد شده (اس)
- خو. کارته پروان چی میکنی؟
- میخایم یکی از رفیق‌های مه که تازه از خارج آمده بینیم.
- ببخشی. . . مه اینجه باید تاشوم. باز انشالا می بینیم.
- البته. با مان خدا.
- خدا حافظ.

پاك نامه دوستانه .

دوست بسیار عزیزم کریم جان!

سلام و احترامات صمیمانه ام را به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی  
ت را از خداوند پاك (ج) آرزو دارم. (میکنم)  
من بفضل خداوند با تمام فامیل صحت کامل داریم. روز سه شنبه ۲ اجوزاً  
خبر بگاہل رسیدیم. همما شکر خوب هستیم، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده  
اہل شهر بسیار مقبول است. خانما در شهرنو واقع شده، حویلی نسبتاً  
لان میباشد. حوض شنا، درختها و گردهای گل دارد. به سینما پارک هم  
بسیار نزدیک اس. ....

... زیاده از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میسپارم.  
لطفاً از احوالات خود برایم بنویس و هم سلام و احترامات مرا برای همه  
دوستان تقدیم کن. با احترام.

حفیظ x

نوت - لطفاً نامه بالاره با تغییر نام و جای به قلم خود نوشته کنین.

مکالمه

۳۵

- سلام حقیقت جان!
- سلام عطیه جان!
- ماطل (معطل) پس استی؟
- آن ماطل پس میاشم.
- کجا میری؟
- کارته پروان. خودت کجایم؟
- مهم شهرآرا میوم. خو دیگه چطوره استی؟
- بدنس میگذره. (مثل همیشه)
- اینه موتر آمد. . . . بسیار دیر شده که ندیدیم. کجاستی؟
- کارومصرفیت ها ره ای وقت ها زیاد شده (اس)
- خو. کارته پروان چی میکنی؟
- میخایم یکی از رفیقهای ما که تازه از خارج آمده بینیم.
- ببخشی. . . ما اینجه باید تا شوم. باز انشالا می بینیم.
- البته. با مان خدا.
- خدا حافظ.

پاك نامه دوستانه .

دوست بسیار عزیزم کریم جان!

سلام و احترامات صمیمانه ام را به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی  
ت را از خداوند پاك (ج) آرزو دارم. (میکنم)  
من بفضل خداوند با تمام فامیل صحت کامل دارم. روز سه شنبه ۲ اجوزاً  
خبر بگاہل رسیدیم. همما شکر خوب هستیم، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده  
اہل شهر بسیار مقبول است. خانما در شهرنو واقع شده، حویلی نسبتاً  
لان میباشد. حوض شنا، درختها و گردهای گل دارد. به سینما پارک هم  
بسیار نزدیک اس. ....

... زیاده از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میسپارم.  
لطفاً از احوالات خود برایم بنویس و هم سلام و احترامات مرا برای همه  
دوستان تقدیم کن. با احترام.

حفیظ x

نوت - لطفاً نامه بالا را با تغییر نام و جای به قلم خود نوشته کنین.



مسئله

۲۵

- سلام حفیظ جان!
- سلام عطیه جان!
- ماطل (معطل) بس استی؟
- آن ماطل بس میاشم.
- کجا مری؟
- کارته پروان. خودت کجا مری؟
- مهم شهرآرا مرم. خو ریگه چطوراستی؟
- بدنهر میگذره. (مثل همیشه)
- اینه موتر آتد. . . . بسیار دیر شده که ندیدیم. کجاستی؟
- کارومصرفیت ها ره ای وقت ها زیاد شده (اس)
- خو. کارته پروان چی میکنی؟
- میخایم یکی از رفیق‌های ما که تازه از خارج آمده بینیم.
- بخشش. . . ما اینجه باید تا شوم. باز انشالا می بینیم.
- البته. باطمان خدا.
- خدا حافظ.

پاك نامه دوستانه.

دوست بسیار عزیزم کریم جان!

سلام و احترامات صمیمانه ام را به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی  
ت را از خداوند پاك (ج) آرزو دارم. (میکنم)  
من بفضل خداوند با تمام فامیل صحت کامل داریم. روز سه شنبه ۲ اجوزاً  
خبر بگابل رسیدیم. همما شکر خوب هستیم، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده  
آبل شهر بسیار مقبول است. خانها در شهرنو واقع شده، حویلی نسبتاً  
لان میباشد. حوض شنا، درختها و کردهای گل دارد. به سینا پارک هم  
بسیار نزدیک اس.....

... زیاده از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میسپارم.  
لطفاً از احوالات خود برایم بنویس و هم سلام و احترامات مرا برای همه  
دوستان تقدیم کن. با احترام.

حفیظ ×

نوت - لطفاً نامه بالا را با تغییر نام و جای به قلم خود نوشته کنین.

مسکالمه

۲۵

- سلام حفیظ جان!
- سلام عطیه جان!
- ماطل (مماطل) برس استی؟
- آن ماطل برس میباشم.
- کجا موری؟
- کارته پروان. خودت کجا موری؟
- مهم شهرآرا موم. خو دیگه چطوراستی؟
- بدنس میگدره. (مثل همیشه)
- اینه موتر آه. . . . بسیار دیر شده که ندیدیم. کجاستی؟
- کارومصرفیت ها ره ای وقت ها زیاد شده (اس)
- خو. کارته پروان چی میکنی؟
- میخایم یکی از رفیق‌های ما که تازه از خارج آمده بیایم.
- ببخشی. . . ما اینجه باید تا شوم. باز انشالا می بیایم.
- البته. باطمان خدا.
- خدا حافظ.

پاك نامه دوستانه.

دوست بسیار عزیزم کریم جان!

سلام و احترامات صمیمانه ام را به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی  
ت را از خداوند پاك (ج) آرزو دارم. (میکنم)  
من بفضل خداوند با تمام فامیل صحت کامل دارم. روز سه شنبه ۲ اجوزاً  
خبر بنگاهل رسیدیم. همما شکر خوب هستیم، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده  
اہل شهر بسیار مقبول است. خانما در شهرنو واقع شده، حویلی نسبتاً  
لان میباشد. حوض شنا، درختها و کدهای گل دارد. به سینما پارک هم  
بسیار نزدیک اس.....

... زیاده از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میسپارم.  
لطفاً از احوالات خود برابهنویس و هم سلام و احترامات مرا برای همه  
دوستان تقدیم کن. با احترام.

حفیظ x

نوت - لطفاً نامه بالاره با تغییر نام و جای به قلم خود نوشته کنین.

مسکالمه

۲۵

- سلام حفیظ جان!
- سلام عطیه جان!
- ماطل (مطل) بس استی؟
- آن ماطل بس میاشم.
- کجا موری؟
- کارته پروان. خودت کجا موری؟
- مهم شهرآرا موم. خو دیگه چطوراستی؟
- بدنس میگذره. (مثل همیشه)
- اینه موتر آده. . . . بسیار دیر شده که ندیدیم. کجاستی؟
- کارومصرفیت ها ره ای وقت ها زیاد شده (اس)
- خو. کارته پروان چی میکنی؟
- میخایم یکی از رفیق‌های ما که تازه از خارج آده بینیم.
- ببخش. . . ما اینجه باید تا شوم. باز انشالا می بینیم.
- البته. باطمان خدا.
- خدا حافظ.

يك نامه دوستانه.

دوست بسیار عزیزم کریم جان!

سلام و احترامات صمیمانه ام را به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی  
ت را از خداوند بآ (ج) آرزو دارم. (میکنم)  
من بفضل خداوند با تمام فامیل صحت کامل داریم. روز سه شنبه ۲۱ جوزا  
خبر بگابل رسیدیم. همما شکر خوب هستیم، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده  
اهل شهر بسیار مقبول است. خانما در شهرنو واقع شده، حویلی نسبتاً  
لان میباشد. حوض شنا، درختها و گردهای گل دارد. به سینت پارک هم  
بسیار نزدیک اس. ....

... زیاده از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میسپارم.  
لطفاً از احوالات خود برابهنویس و هم سلام و احترامات مرا برای همه  
دوستان تقدیم کن. با احترام.

حفیظ x

نوت - لطفاً نامه بالا را با تغییر نام و جای به قلم خود نوشته کنین.

مسکلمه

۲۵

- سلام حفيظ جان!
- سلام عطيه جان!
- ماطل (معطل) بس استی؟
- آن ماطل بس میاشم.
- کجا موری؟
- کارته پروان. خودت کجا موری؟
- مهم شهرآرا موم. خو دیکه چطوراستی؟
- بد نیس میگذره. (مثل همیشه)
- اینه موتر آده. . . . بسیار دیر شده که ندیدیم. کجاستی؟
- کارومصرفیت ها ره ای وقت ها زیاد شده (اس)
- خو. کارته پروان چی میکنی؟
- میخایم یکی از رفیق‌های ما که تازه از خارج آمده بینیم.
- ببخشی. . . ما اینجه باید تا شوم. باز انشالا می بینیم.
- البته. با طمان خدا.
- خدا حافظ.

پاك نامه دوستانه.

دوست بسیار عزیزم کریم جان!

سلام و احترامات صمیمانه ام را به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی  
ت را از خداوند پاك (ج) آرزو دارم. (میکنم)  
من بفضل خداوند با تمام فامیل صحت کامل داریم. روز سه شنبه ۲ اجوزاً  
خبر بگاہل رسیدیم. همما شکر خوب هستیم، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده  
اہل شهر بسیار مقبول است. خانما در شہرنو واقع شده، حویلی نسبتاً  
لان میباشد. حوض شنا، درختها و کڑہای گل دارد. بہ سینما پارک ہم  
سیار نزدیک اس.....

... زیادہ از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میسپارم.  
لطفاً از احوالات خود برایم بنویس و ہم سلام و احترامات مرا برای همه  
دوستان تقدیم کن. با احترام.

× حفیظ

نوٹ - لطفاً نامہ بالا رہ با تغییر نام و جای بہ قلم خود نوشتہ کنین.



مسالكه

۲۵

- سلام حفيظ جان!
- سلام عطيه جان!
- ماطل (مماطل) بس استي؟
- آن ماطل بس مياشم.
- كجا ميري؟
- كارته پروان. خودت كجا ميري؟
- مهم شهرآرا موم. خو ديگه چطوراستي؟
- بدنيس ميگذره. (مثل هميش)
- اينه موتر آتد. . . . بسيار دير شده كه نديديم. كجاستي؟
- كارو مصروفيت ها ره اي وقت ها زياد شده (اس)
- خو. كارته پروان چي ميكني؟
- ميخايم يكي از رفيق هاي مه كه تازه از خارج آتده بينيم.
- ببخشي. . مه اينجه بايد تاشوم. باز انشالا مي بينيم.
- البته. با طمان خدا.
- خدا حافظ.

پاك نامه دوستانه.

دوست بسیار عزیزم کریم جان!

سلام و احترامات صمیمانه ام را به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی  
ت را از خداوند پاك (ج) آرزو دارم. (میکنم)  
من بفضل خداوند با تمام فامیل صحت کامل داریم. روز سه شنبه ۲ اجوزاً  
خبر بگاہل رسیدیم. همما شکر خوب هستیم، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده  
اہل شهر بسیار مقبول است. خانما در شهرنو واقع شده، حویلی نسبتاً  
لان میباشد. حوض شنا، درختها و کدهای گل دارد. به سینما پارک هم  
بسیار نزدیک اس.....

... زیاده از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میسپارم.  
لطفاً از احوالات خود برایم بنویس و هم سلام و احترامات مرا برای همه  
دوستان تقدیم کن. با احترام.

حفیظ x

نوت - لطفاً نامه بالاره با تغییر نام و جای به قلم خود نوشته کنین.

مسئله

۲۵

- سلام حفیظ جان!
- سلام عطیه جان!
- ماطل (معطل) پس استی؟
- آن ماطل پس میاشم.
- کجا میری؟
- کارته پروان. خودت کجا میری؟
- مهم شهرآرا میرم. خو ریگه چطوراستی؟
- بدنیه میگذره. (مثل همیشه)
- اینه موتر آمد. . . . بسیار دیر شده که ندیدیم. کجاستی؟
- کارومصرفیت ها ره ای وقت ها زیاد شده (اس)
- خو. کارته پروان چی میکنی؟
- میخایم یکی از رفیق‌های ما که تازه از خارج آمده بینیم.
- ببخشی. . . ما اینجه باید تاشوم. باز انشالا می بینیم.
- البته. باطمان خدا.
- خدا حافظ.

يك نامه دوستانه.

دوست بسیار عزیزم کریم جان!

سلام و احترامات صمیمانه ام را به خدمت تقدیم نموده، صحت و سلامتی  
ت را از خداوند پاک (ج) آرزو دارم. (میکنم)  
من بفضل خداوند با تمام فامیل صحت کامل داریم. روز سه شنبه ۲ اجوزاً  
خبر بگابل رسیدیم. همما شکر خوب هستیم، مگر هنوز خستگی راه رفع نشده  
اهل شهر بسیار مقبول است. خانما در شهرنو واقع شده، حویلی نسبتاً  
لان میباشد. حوض شنا، درختها و گردهای گل دارد. به سینما پارک هم  
بسیار نزدیک اس.....

... زیاده از این وقت را نگرفته و ترا بخداوند متعال (ج) میسپارم.  
لطفاً از احوالات خود برایم بنویس و هم سلام و احترامات مرا برای همه  
دوستان تقدیم کن. با احترام.

حفیظ x

نوت - لطفاً نامه بالا را با تغییر نام و جای به قلم خود نوشته کنین.

مسئله

۲۵

- سلام حفیظ جان!
- سلام عطیه جان!
- ماطل (معطل) پس استی؟
- آن ماطل پس میاشم.
- کجا میری؟
- کارته پروان. خودت کجا میری؟
- مهم شهرآرا میوم. خو دیگه چطوره استی؟
- بدنیه میگذره. (مثل همیشه)
- اینه موتر آمد. . . . بسیار دیر شده که ندیدیم. کجاستی؟
- کار و مصروفیت ها ده ای وقت ها زیاد شده (اس)
- خو. کارته پروان چی میکنی؟
- میخایم یکی از رفیق های ما که تازه از خارج آمده بینیم.
- ببخشی. . . ما اینجه باید تاشوم. باز انشالا می بینیم.
- البته. باطمان خدا.
- خدا حافظ.

مکالمه

۳۴

مسافر- تکسی! تکسی! مره به پوسته‌خانه میری!

تکسی‌ران- بفرمائین... شما از کجاستین؟

مسافر- مه از امریکاستم.

تکسی‌ران- کابل خوش تان مایه؟

مسافر- آن، بدشار نیس. آب و هوایش بسیار مفید اس.

تکسی‌ران- بسیار خوب دری‌گپ‌میزنین. ده کجا یادگرفتین؟

مسافر- لطف میکنین، ده امریکا یادگرفتم. بسیار دری نمیدانم مگر کم کم  
گپ زدیمیتانم.

تکسی‌ران- نی راستی بسیار خوب گپ میزنین.

مسافر- تشکر. لطف میکنین.

تکسی‌ران- (اینه) رسیدیم... ای تعمیر پوسته‌خانه‌س.

مسافر- خو، بسیار خوب، چند شد؟

تکسی‌ران- بیست افغانی (صاحب).

مسافر- اینمه... تشکر، بامان خدا.

تکسی‌ران- خدا حافظ.

ناصر - حالی جای نی، مگر از ايجه تا ايجه هوتل انترکانتي ننتل مبروم.

ظاهر - اونجه چی میکنی؟

ناصر - میکن که ظاهر هویدا کنسرت داره (میته).

ظاهر - راستی؟ مه نمیفامیدم (نمیفهمیدم)، خوام مبروم.

ناصر - بسیار خوب.

### سوالات -

۱- کی جنتری نو خرید؟

۲- ناصر به رخصتی ش کجامیره؟

۳- ظاهر چرا به پیمان رفتن وقت نداره؟

۴- ظاهر به گمرک چی میکنه؟

۵- به هوتل انترکانتي ننتل چی گپ اسر؟

مکالمه

۳۳

طاہر۔ - ای جنتری نوه کی خریدی؟

ناصر۔ - هفته گذشته.

طاہر۔ - امروز چندم اس؟ (امروز چندم ماس؟)

ناصر۔ - ششم دلو اس.

طاہر۔ - به ای رخصتی کجامیری؟

ناصر۔ - جای نی.

طاہر۔ - بیاکه سبا پنخان بریم.

ناصر۔ - سبا نی، خو دیگه سبا همراهت میوم.

طاہر۔ - دیگه سبا یک دقیقه هم مه وقت ندارم.

ناصر۔ - چرا؟

طاہر۔ - چراکه دیگه سبا گمک میوم.

ناصر۔ - گمک چی میکنی؟

طاہر۔ - ماهگذشته برادرم چیزی مال از تهران واردک (ه) میوم که اوره بیمارم.

ناصر۔ - خوب میشه خی دیگه دفعه میوم.

طاہر۔ - حالی کجامیری؟



مکالمه

۳۲

عمر - یعقوب! اسال ده کردهایت چی کاشتی؟

یعقوب - بکنده زردک، بادنجان رومی، طرسرخک و گلی، تو چی کاشتی؟

عمر - مه تاحالی چیزی نکاشتم. دل همیشه که یک کی گاهو، بادنجان رومی

و بکنده بامیه بکارم. بادنجان رومی بسیار خوب چیز اس.

یعقوب - آن، پارسال ما هیچ از بازار نخریدیم. بادنجان رومی ره کل

فامیل ما خوش دارن. خداکنه که اسال بسیار باران شوه. تاحالی

هیچ اثر باران نهنر، وگره کل بتهما خشک میشه (میسوزه).

عمر - راست میگی. انشالا خدا مهربان اس. حالی بسیار وقت داریم.

یعقوب - آن، توکل بخدا. بهینیم که چی میشه.

سوالات -

۱- عمر از یعقوب چی پرسان که؟

۲- یعقوب به کردهایت چی کاشت؟

۳- فامیل کی بادنجان رومی ره بسیار خوش داره؟

۴- باران به زمین چی فایده داره؟

## مکالمه

۲۱

- چرا سرفه میکنی (تختخ) میکنی؟
- يك كسى ريزش گد هم.
- چند روز اس که ريزش گدی ؟
- دو سه روز ميشه.
- بايد پيش داکتر بری.
- د پروز پيش داکتر رفتم.
- چي گفت ؟ دوا داد ؟
- بلى ، دوا داد .
- احتياط کوا! خوده گرم ناگامکو. نشنيدى که ميگن " ريزش مادر امراض اس"
- آن (بلى) بايد استراحت کنم.
- خوب نظريهس. بهترين دوا برى ريزش استراحت اس.
- بلى (راست ميگى)

سوالات -

- ۱- شما گاهی ريزش گد بين؟
- ۲- وقتیکه ريزش میکنى چي میکنى؟

مکالمه

۳۰

پهښخدمت - سلامالیکم. چی حال دارین؟

خریدار - خوب استم تشکر تو چطوره استی؟

پهښخدمت - چی نوش جان میکنین؟

خریدار - چی داری؟

پهښخدمت - همه چیز داریم، قابلی، پلو، شورپا، کوفته و کباب چی میخائین؟

خریدار - یک خوراک قابلی و یک خوراک سالن برم بیمار.

پهښخدمت - چی مینوشین؟ (بری نوشیدنی چی میخائین؟)

خریدار - قهوه داری؟

پهښخدمت - نی، بده بختانه امروز قهوه نداریم.

خریدار - جای چطوره؟

پهښخدمت - بلی، جای داریم.

خریدار - بسیار خوب یک چای (چاینک چای) بیمار.

پهښخدمت - بچشم. (بعد از اینکه نان خورد مشد)

خریدار - چند شد؟

پهښخدمت - بیست افغانی.

خریدار - اینه مه. نان بسیار خوب بود.

پهښخدمت - تشکر.

قوانین ترافیکه مراعات نکد .

از اشاره سرخ گذشت .

۱۷- کریم به چوکی شسته .

عزیز به چوکی نوسینه .

نجیب کجا سر؟

به اتاق خود شسته اخبارمیخانه .

چرا اینجه ایستاد استی؟

ماتل (معطل) بس استم .

بس (سرویس) کی میایه؟

فکر میکنم که ۱۵ دقیقه بعد میایه .

- ۱۴- میتانی که امروز او ره بهینی؟ بلی . میتانم .  
 میتانی که امروز او ره تلفون کنی؟ آن . میتانم (که او ره تلفون کنم)  
 میتانی که امروز خانه ما بیایی؟ آن (بلی) میتانم .

- ۱۵- میتانستم که دیشو شماره بهینم . میتانست / نمیتانست  
 میتانستم که دیروز شماره بهینم .  
 میتانستم که پرسروز شماره بهینم .

- ۱۶- نزدیک بود که او ره صداکم .  
 نزدیک بود که او ره تلفون کنم .  
 نزدیک بود که خانمان بیایم .  
 نزدیک بود که تعادم کم .

- کریم دیروز تعادم کم .  
 موترش به تعادم ازین رفت .  
 او به شفاخانه بستری شد .

او بی احتیاطی کم .

خبرس وارخطانشو.

وارخطانشو! خبرس.

طرف راست برو.

۱۲ - (به) کدام طرف برم.

پیش برو!

طرف راست برو!

پهشتر برو!

طرف چپ برو!

پس برو.

بدست راست برو!

پوستخانه بهطرف راست اس.

بدست چپ برو!

شفاخانه بهطرف راست اس.

روبرو برو!

سفارت بهطرف راست سرک اس.

دست راست دوربخو!

دست چپ دوربخو.

۱۳ - ای تکه ره اندازه کو!

برش يك متر اس.

برش چقهس؟

درازیش سه متر اس.

درازیش چقهس؟

عرضش دو متر اس.

عرضش چقهس؟

طولش پنج متر اس.

طولش چقه س؟

۱- ای اوه (آبرا) نخو که بوی میده.

ای اوه نخو که گنده شده.

چرا چشمهایت سرخ شده؟

چشم هایته نال!

فکر میکنم که به چشم‌هایم خاک رفته.

نال که چشم درد میشی!

بشوی ش!

سبا خانه خات بودم.

۱- سبا کجا خات بودی؟

شاهولی خانه خات بود.

شاهولی کجا خات بود؟

مجم ده بازار خات بود.

روکی کجا خات بود؟

۱۱- چیغ نزن!

غالمفال نکو!

صدای ته بلند نکو!

وارخطانباش. (نشو)!

Original from  
UNIVERSITY OF MICHIGAN  
وارخطاننشو! خیرس.

- ۱- صادرات افغانستان خوب شده ميره.
- موتريان (در بزرگ) موتره تيز اى كده ميره.
- حوصله مه تنگ شده ميره.
- كافات هوا زياد شده ميره.
- موتر مه خراب شده ميره.
- پرسيلاميكه كه درى مشكل شده ميره.
- ويتنى ميكه كه درى دلچسپ شده ميره.
- كتبه ميكه كه درى آسان شده ميره.
- البرت ميكه كه درى پاكى مشكل شده ميره.
- دگرمن صاحب ميكه كه درى بسيار مشكل شده ميره.
- لرى هم ميكه كه درى پاكى دلچسپ شده ميره.
- لاكن دكسى جان ميكه كه درى روزبهروز آسان و دلچسپ شده ميره.
- نفوس كابل روزبهروز زياد شده ميره.
- موتراى امرىكائى روزبهروز قيمت شده ميره.
- قالينهاى افغانى هم روزبهروز مشهور شده ميره.
- قيمت ها سال بهسال بالا رفته ميره.



دست نکو که داغ اس.

دست نکو که اوگارمیشی .

دستدکو که برق میگیریت .

۶- بان که بیبیم . بانین که بیبیم .

بان که بیایه . بانین که بیایه .

بان که نان بخره . بانین که نان بخوره .

بان که نان خوده بخوره . بانین که نان خوده بخوره .

بان که خوب پختهشوه . بانین که خوب پختهشوه .

بان که دری گپ بزنه . بانین که دری گپ بزنه .

۷- بانش که بیبینه . اوره بان که بیبینه .

بانش که بیایه .

بانش که نان بخوره .

بانش که گپ بزنه .

بانش که موتر ای کنه .

۲- ضرور نهس که ای کارهکنی .

ضرور نهس که سوداخریدن بری .

ضرور نهس که اونجه بسیار وقت بهانی .

ضرور نهس که بسیار تکرارکنی .

۴- بهی !

از خو نخیزانش.                      از خو بهدار نکش.

چندبجه از خو خیستی ؟              بجه از خو خیستم .

چندبجه خوشدی ؟                      یک بجه خوشدم .

او خو بهخیزانش که ناوقت شده .

بسیار خوگدی . (شدی)

بسات خو بری مه بس (کافی) نهس .

۵- دست نزن .                      دست نکو .

دست نزن که اوگرمیشی .

دست نزن که برق میگیریت .

درس سوم  
جملات و تعریفات

Attached question with ne: wasn't bad was it? ۱- بد نبود نی؟

Please eat why don't you? بفرمائین نی؟

You know don't you? میدان نی؟

بلی میدانم شما میدانین نی؟

بلی هوشیار اس. او بسیار هوشیار اس نی؟

نی پول ندارم پول داری نی؟

نی او ره ندیدم. او ره دیدی نی؟

ریزمیکم رومی ره ریزه کو نی؟

۲- لطفا برقه روشن کنین!

لطفا برقه گل کنین!

لطفا چراغه روشن کنین!

ای اتاق بسیار تاریک اس.

تاریکی خوشم نی آیه.

از تاریکی مترسم.

۲- ضرور نهس که ای کارهکنی .

ضرور نهس که سوداخریدن بری .

ضرور نهس که اونجه بسیار وقت بهانی .

ضرور نهس که بسیار تکرارکنی .

۴- بخی !

از خو نخیزانش.                      از خو بیدار نکش.

چندبجه از خو خیستی ؟              بجه از خو خیستم .

چندبجه خوشدی ؟                      یک بجه خوشدم .

او خو بخیزانش که ناوقت شده .

بسیار خوگدی . (شدی)

بسات خو بری مه بس (کافی) نهس .

۵- دست نزن .                      دست نکو .

دست نزن که اوگامیشی .

دست نزن که برق میگیریت .

درس سیام  
جملات و تمرینات

Attached question with ne: wasn't bad was it? ۱- بد نبود نی؟

Please eat why don't you? بفرمائین نی؟

You know don't you? میدان نی؟

بلی میدانم شما میدانین نی؟

بلی هوشیار اس. او بسیار هوشیار اس نی؟

نی پول ندارم پول داری نی؟

نی او ره ندیدم. او ره دیدی نی؟

ریزه میکم روس ره ریزه کو نی؟

۲- لطفا برقه روشن کنین!

لطفا برقه گل کنین!

لطفا چراغه روشن کنین!

ای اتاق بسیار تاریک اس.

تاریکی خوشمنی آیه.

از تاریکی میترسم.

SPOKEN DARI

tight	tæng		تنگ
to smell	bo:y ddn		بو دادن
to rub	malidæn		مالیدن
present stem	mal	مال	
to shout, scream	chish zædæn		بیخ زدن
voice	sæda		صدا
to get nervous, panic	warkhæta		ارخطاشدن
length	dærazi/tol		رازی - طول
width	bær /ærz		عرض - ر
to turn, turn around	dæwr khndæn		برخوردن
to measure, take a measurement	ændazæ kdn		اندازه‌گدن
piece of cloth, fabric	tikæ /parchæ		تکه - پارچه
to collide	tæsadum kdn		صادم‌گدن
to go out of existence	æz bæyn rftn		زمن‌رفتن
lamp, light	cheragh		چراغ
to confine to bed	bestæri shdn		مستری‌شدن
to be careless	be:ehteyati kdn		بی‌احتیاطی
law	qanoon		قانون
pl.	qæwaneen		قوانین
to take into consideration	marahat kdn		مراحت‌گدن

## SPOKEN DARI

---

calender	jæntæri	جنتری
custom, custom house	gumruk	گمرک
property	mall	مال
useful	mufeed	مفید
late, long time	de:r	دیر
fresh, just	tazæ	تازه
to cut, chop	rezæ kdn	ریزه کدن
to light, turn on	roshæn kdn	روشن کدن
to put out, turn off	gul kdn	گل کدن
soil, land	khak	خاک
to be afraid	tærsidæn	ترسیدن
fear, present stem	tærs	ترس
to be necessary, needed	zæ:rur[æt] budæn	ضرورت (ت) بودن
to get up, stand up	khistæn	خیزستن
present stem	khiz	خیز
get up! stand up!	bikhe [cloq]	بخو (بخیز)
to wake some one up	khizandæn	خیزاندن
present stem	khizan	خیزان

## SPOKEN DARI

---

to rest, relax	esterahæt kdn	متراحت گدن
to keep	niga kdn	انگدن
respect, regard	ehteram	نترام
pl.	ehteramat	احترامات
sincere	sæmimanæ	بیمانه
service	khidmæt	خدمت
to present	tæqdeem næmudæn	دیم نمودن
health	sælamæti	لامتی
Almighty God	khudawænde mutæhal	دداوند متعال
complete	kamel	امل
where are you going? [colloq.]	bækhæyr	خبر؟
fatigue	khæstægi	ستگی
to be removed, cured	ræfæ shudæn	بچندن
swimming pool	æwze shina	موض شنا حوض آب بازی
tree	dæræxt	درخت
news	æhwalat	احوالات
respectfully	ba ehteram	با احترام



# SPOKEN DARI

## Lesson 30

waiter	peshkhedmæt	پیشخدمت (گارسون)
customer	moshtæri/khæridar	مشتری - خریدار
yards [of land]	kurda	کردها
to grow, plant	kashtæn	کاشتن
present stem	kar	کار
tomato	badenjani rumi	بادنجان روسی
radish	moli sorkhæk	ملی سرخک
cauliflower	gulpi	گلی
lettuce	kaho	کاهو
okra	bamiyæ	بامیه
literary ork, trace	æsær	اثر
bushes, plants	butæha	بته‌ها
trusting to God	tæwækæl bæsuda	توکل به خدا
disease	mæræz	مرض
pl. æmræz	æmræz	مریض
to cough	tukh tukh kdn [surfæ]	تخ تخ کدن (سرفه)
to catch cold	rezish kdn	ریزش کدن
dear, name	æziz	عزیز

شاهکوکو میگه که شوهرش عجب خان همیشه پک آرزو داشت و ای آرزو به جز از تعلیم وتریه به چههاش چیزی دیگری نبود. شاهکوکو میگه که به چهها همه تعلیم یافته شدن و می تانن به وطن شان کمک کنن و اگر پدر شان حالی زنده میبود، بسیار خوش میشد.

سوالات :

- ۱- عجب خان چطور آدم بود؟
- ۲- سراج و تیمور از هم چی فرق دارن؟
- ۳- شاهکوکو راجع به به چهها چی فکر میکنه؟
- ۴- شوهر شاهکوکو جان چی آرزو داشت؟
- ۵- به عقیده بشر کی می تانه بهتر به جامعه خود کمک کنه؟
- ۶- شط با بشر هم عقیده ستین؟

آدم بسیار ثروتمند، چالاک، خراج و در عین زمان بسیار عصبانی بود. نامبرده  
 گاهی هم قمار میزد. عجب خان وقتی که مرد، کل پول هایش بدست سه  
 پسرش و زنش افتاد. عجب خان هیچ دختر نداشت. گرچه خودش يك آدم  
 بسیار خودخواه و بی سواد بود، مگر به اهمیت تعلیم و تربیه خوب میدانست  
 از ای خاطر سه بچه خود به مکتب مانده بود.

بچه کلان عجب خان که نامش سراج الدین اس، مثل پدرش چالاک و  
 بسیار هوشیار اس. سراج که فعلا به صنف یازدهم يك شاگرد بسیار کوششی  
 و زحمت کش اس. میخواه که يك روز يك آدم بسیار مفید به جامعه خود  
 باشد. به مادر خود شاه کوکو جان بسیار کمک میکند و هر کس او را دوست دارد.  
 برعکس، بچه دومش که تیمورشاه نام دارد، يك بچه بسیار شوخ و مکتب گریز  
 بوده، ده کوچه و بازار هیچ کس از او خوش نیست و به مادر خود هم کمک  
 نمیکند. شاه کوکو جان راجع به تیمور بسیار نگران اس.

دیگه بچهش، بشیر احمد نام دارد. بشیر تقریبا مثل برادر کلانش، سراج،  
 بچه بسیار لایق و باهوش اس ده مکتب همیشه نمرات خوب میگردد و فکر میکند  
 که در آینده داکتر شود. به عقیده بشیر داکترها خوبتر میتانن به محیط  
 و جامعه خود کمک کنن.

۳- کریم به امریکا تحصیل کرده.

کریم به رشته زراعت تحصیل کرده.

قسیم به رشته انجینیری تحصیل کرده.

روف به انگلستان تحصیل کرده.

روف تحصیل یافته انگلستان اس.

عنایت به آلمان تحصیل کرده

عنایت تحصیل یافته آلمان اس.

کریم به کجا تحصیل کرده؟

روف به کجا تحصیل کرده؟

عنایت به کجا تحصیل کرده؟

کریم تحصیل یافته کجاس؟

روف تحصیل یافته کجاس؟

عنایت تحصیل یافته کجاس؟

۴- شاه کوکو جان نام یك زن اس. ای زن چند سال پیر شوی خوده  
بهاثر یك مریضی از دست داد و بیوه شد. شوی شاه کوکو جان یك

تمرینات اضافی :

- ۱- دیرشده که ندیدیم .  
دیرشده که تلفون نکدیم .  
دیرشده که همرایش گپ نزدیم .  
دیرشده که از خانه خط ننگرفتم .  
دیرشده که قمارنزدیم .
- بسیار وقت شده  
یا  
بسیار وقت اس

- ۲- کریم تعلیم یافته امریکاس .  
رحیم تعلیم یافته آلمان اس .  
شفیق تعلیم یافته انگلستان اس .  
عثمان تعلیم یافته ترکیهس .  
حمید تعلیم یافته شوروی س .

کریم تعلیم یافته کجاس؟

حمید تعلیم یافته کجاس؟

عثمان تعلیم یافته کجاس؟

شفیق تعلیم یافته کجاس؟

- ۴- پادشاه به دزد چی گفت ؟
- ۵- صاحب خانه به نوکرش چی گفت ؟
- ۶- دزد چند شوه ده او قره تیرکد ؟
- ۷- دزد کی ره می پالید ؟
- ۸- دزد چیره میخواست پیش پادشاه بهره ؟
- ۹- کی همراهی دزد پیش پادشاه رفت ؟
- ۱۰- پادشاه به حاتم چی گفت ؟
- ۱۱- راجع به حاتم شط چی فکر میکنین ؟
- ۱۲- لطفا ای قصه ره به رفیق خود بگوئین ؟
- ۱۳- از ای قصه چی نتیجه میگیرین ؟

++++

### ضرب المثل‌های دری

در بیابان کفش کهنه نعمت اس  
ماه‌ره که هروقت از او (آب) بگیری تازمس  
هند و نیستم که جزیه‌تم (بد هم)

مهستم مه میتانم که همینجه سر خوده بری، بتم. زیرا که تو مهمانمستی. لاکن  
 مبارا پادشاه باورنگنه که ای سرمسر و باز بری پول نته. پسر مه همراهیت  
 پیس پادشاه میوم که او بغامه (بفهمد) مه حاتم استم. باز ده اونجه سرمه  
 بری، میتم.

ای دزد حیران شد و به مهمان نوازی حاتم تعجب کرد. کوشش کرد که  
 حاتم همراهیش پیش پادشاه نره اما حاتم ده رفتن اصرار کرد.

وقتیکه پیش پادشاه آمدن و پادشاه دید که حاتم خودش همراهی دزد  
 آمده بسیار تعجب کرد. باز به دزد پول داد و بری حاتم گفت. راستی تو  
 از مه کده مهمان نوازتر استی. چرا که مه هر چیز به مهمان خود میتم. اما سر  
 خوده نمیتم.

پادشاه به مهمان نوازی حاتم انگشت زیر دندان گرفت و او ره بسیار  
 نوازش کرد.

+++++++ +

سولات :

- ۱- حاتم از کجا بود؟
- ۲- پادشاه یک روز به وزیر خود چن گفت؟
- ۳- پادشاه کی ره پیس خود خاست؟

نوکر خوده برسان کند که نان مانده یا نی، نوکر گفت: نی صاحب، تاجائیکه  
بری مه معلوم اس نان خشک اس، اما قضع خلاص شده. صاحب خانه گفت: برو  
یک گوسفنده حالان کو! نوکر گفت: رمه ده کومس. صاحب خانه به نوکر خود  
امرکد که اسپه بکن و زود یک کمی گوشت بری مهمان پخته کو! نوکر گفت: صاحب!  
اسپ تان بسیار قیمت اس و بخاطر یک پاو گوشت نباید اوره بکشین.  
صاحب خانه گفت: برو چیزی که میم همو (عشان اوره) بگو! نوکر امر بادار  
خوده بجا (ی) کند.

صبح، او دزد به صاحب خانه گفت: مه دیگه میوم. از صاحب خانه  
تشکرکد. صاحب خانه گفت: نی تا چند شو دیگه اگه نباشی نمیشه.  
دزد سه شوه ده اونجه تیرکد. باز پیش خود فکرکد که چون صاحب خانه  
یک آدم (شخص) بسیار خوب اس ممکن حاتم بری پیداکنه. پس به  
صاحب خانه گفت: مه دیگه میوم اگه حاتم بری مه پیداکنی بسیار خوب  
میشه. صاحب خانه گفت: حاتم چی میکنی؟

دزد گفت: مه سر حاتم بری پادشاه میوم که بری مه پیسه بته.  
صاحب خانه گفت: بسیار خوب حاتم بری پیدا میکنم، بیا که بریم.  
وقتیکه از قریه دور شدن، دزد ای شخصه گفت:  
حاتم ده کجاس؟ و ما و شما از قریه بسیار دور شدیم. ای شخص گفت: حاتم



— بری ما خو یک قصه بگو؟

— مه هیچ قصه یازندارم، شما از معلمتان پرسانکنین.

— معلم ما بعضی وقت (یگان وقت) میگو، مگر ما میخائیم که از شما بشنویم.

— خو، از خاخریکه شما خوب بره، استین، بریتان یک قصه گک کوچک میگو، خی

خوب گوشکنین.

### حاتم طائی

بود نبود یک پادشاه بود، پادشاه ما و شما خدا بود. ای پادشاه

به مهمان نوازی بسیار مشهور بود. یک روز به وزیر خود گفت که: ده دنیا از

مه کده کسی مهمان نوازتر اس؟ وزیرش گفت: بلی، تاجائیکه بری مه معلوم اس ده

بلی یک آدم بنام حاتم اس که نسبت به شما مهمان نوازتر اس. پادشاه

بسیار قهر شد و گفت: تا مه ای شخصه نکشم، نمیانم.

دیگر روز پادشاه یک دزده پین خود خاست و بری س گفت: اگه سر

حاتمه بیاری بری ت بسیار پول میتم! دزد گفت: بسیار خوب و لرف قریه طی

حرکتکد.

وقتیکه دزد به قریه طی رسید، بسیار ناوقت شده بود و هر کس

نان شوه خورد، بود. دزده یک شخص به خانه خود برد. صاحب خانه

کالای او همیشه روغنی س. آشپز

ای کاسه از او (آب) پر اس. جایجوش

ای مشک از او پر اس. گیلان

۱- فرض کو که تو یک ملاستی، راجع به دین به مردم چه تبلیغ میکنی؟

فرض کو که تو داکتر استی، چطور میتانی که از مریض هایت خوبتر  
خبرگیری کنی؟

فرض کو که تو یک ملیونر استی، با ایقه پول چه میکنی؟

فرض کو که تو رئیس جمهور افغانستان استی، چه باید بکنی که افغانستان  
ترقی بکنه؟

فرض کو که مامور پولیس استی، چه باید بکنی که از جنایات جلوگیری شوه؟

فرض کو که تو شاروال یک شار استی، چه بکنی که مردم از تو راضی باشن؟

فرض کو که تو رئیس المپیک افغانستان استی، چطور میتانی که نام  
افغانستان به جهان سپورت بلند ببری؟

۱۱- کریمه ده ای روزها مریبنی؟ آن یگان وقت می بینم.

جرا یگان وقت خانه ما نمی آئی؟ بیخشین که ده ان وقت ها بسیار کار  
دارم انشالا میلیم نانه خود ماس.

۳- به بالشت تکیه کو!

چرا به بالشت تکیه نمیکنی؟

بهمه تکیه نکو!

به دیوال (ر) تکیه کو!

بهمه تکیه نکو که بسیار گرنگ استی.

ان بسیار گرنگ اس.

بالاکده نمیتانم. (ورداشته نمیتانم)

بالانکو که اوگارمیشی! (نه وردار که اوگارمیشی)

بالانکو که گرنگ اس! (نه وردار که گرنگ اس)

زورت نمیرسه. زورش نمیرسه.

او بسیار زور آدم اس. بابہ کریم بسیار زور آدم اس.

از زورم بالاس. از زورش بالاس.

۴- حفیظ کاسه شورواره چه کد. عتایه

کریم کوزه اوه چه کد. اگریم

او آشپز بسیار چتل اس همیشه سر کالای خود روغنه چه میکنه.

ای نان بسیار مزه میته .

بسیار دیرشده که ای تاو (ر) نان مزه دار نخوردیم .

۱- چرا دیر آمدی؟ ناوقت

دیر اس؟ ناوقت اس؟

راستی دیرشده؟

آن بری سینما رفتن بسیار دیرشده .

تو همیشه ناوقت میائی .

او همیشه ناوقت میایه .

راهش (راه اش) بسیار دور اس .

بخیالم که به سینما (رفتن) ناوقت شده .

بخیالم که او ره دیدیم .

بخیالم که او راست میغه .

بخیالم که ای نان گنده شده .

۱- بیاکه بریم .

بیاکه میله بریم .

بیاکه بازار بریم .

بیاکه سینما بریم .

بیاکه سرما ناوقت میشه .

بیاکه بری دیدن بلقیس جان شفاخانه بریم .

بیاکه سودا خریدن بریم .

۱۱- ای تخم ها خراب شده .

ای تخم ها گنده شده .

ای ماسر (ماست) ترش گده (اس)

ای غذا بسیار تند اس .

ای نان بسیار شور اس .

بسیار نمک داره .

بسیار نمک انداختی .

نمکش زیاد شده .

او هیچ ری نمیزنه . اونا

۴- بیرون نرو که باران میاره .

بیرون نرو که ترمیشی .

بیرون نرو که بسیار سرد اس .

بیرون نرو که مریض میشی . ناجور

۵- احتیاط کو که مریض میشی . احتیاط کو که مریض نشی!

احتیاط کو که ناجور میشی . احتیاط کو که کالایت چتل میشه

احتیاط کو که راه ره گمنکی .

احتیاط کو که خوده او گار (افگار) نکنی .

باید بسیار احتیاط کنی .

۶- کریم! لطفا حلیمه ره آزار ننتی!

مه؟

آن تو .

او تعلیم یافته‌س.

او شوخ اس.

او ثروتمند اس.

او دیوانه‌س.

او بسیار چالاک اس.

او بسیار تیز اس.

او بسیار هوشیار اس.

او بسیار خراج اس.

۲- او هیچ وقت پیسه جمع‌گده نمیتانه. مه

او هیچ وقت پیسه پس انداز گده نمیتانه. ما

او بسیار یک آدم خراج اس. جان

” (یک آدم بسیار خراج اس)

او هر چیزی به شکم خود میزنه. نجیب

او همیشه بفکر شکمش اس.

او هیچ غم نداره. توریالی

درس بیست و نهم

جملات و تمرینات

۱- قشنگ مالوم (معلوم) میشی . کریمه

مقبول معلوم میشی . او

خسته معلوم میشی . شما

مانده معلوم میشی . بسیار

خوش معلوم میشی . نجیبه

خوشحال معلوم میشی . او

خواکود معلوم میشی .  
پولدار معلوم میشی . برادرت

دق معلوم میشی .

خفه معلوم میشی .

عصبانی معلوم میشی .

۲- او یتیم اس .

او بیوهس . (بیوهزن اس)

او قمارباز اس .



Rule of the thumb measurements are still commonly in use in Afghanistan.  
They are as follows:

يك بلسټ /yæg belist/ : The span from the tip of the outstretched  
thumb to the tip of the little finger.

يك قدم /yæk[g] qædæm/: a step

يك قولاج /yæg qulach/: the distance between the outstretched arms.

يك گام /yæk gam/ : a leap

يك سراى /yæk særoy/: about twelve miles

For more exact measurements, the Western systems are being adopted  
and are pronounced as follows:

سانټي يا سانټوميټر /santi or santimeter/

انچ /ench/

فت /fo:t/

متر /meter/

کيلو متر /kilometer/

ميل /meal/

SPOKEN DARI

---

power, powerful	zoor	زور
oil, grease, fat	roghæn	روغن
to suppose	færz kdn	رض کردن
to preach	tæblighkdn	بلیغ کردن
food [old term for food]	qætegh	طعام
to slaughter, kill	ælal kdn	لال کردن (مذھبی)
herd	γænæ	رہ
crimes	jenayat	جنایات (م. جنایت)
to progress, develop	tæræqi kdn	ترقی کردن
to avoid	jelæw giri kdn	جلوگیری کردن
satisfy, agree	razi bdn, kdn	راضی بودن
بعضی وقت	yæganwæqt	یگان وقت
story	qesæ	قصہ
village	qæryæ	قریہ
to insist	esrar kdn	اصرار کردن

## SPOKEN DARI

---

to annoy	azar ddn	آزار دادن
to be enough	kafi bdn	کافی بودن
spoiled, rotten	gændæ	گنده
chance, opportunity, alternative	charæ	چاره
yogurt	mas[t]	ماس
sour	tursh	ترش
to throw	ændakhtæn	انداختن
prestem	ændaz	انداز
to be late	de:r shdn	دیر شدن
I think [into my imagination]	bæ kheyalem	بخیالم
pillow	balesht	بالشت
absolutely	mutlæqæn	مطلقا
to overturn, spill	chæpæ kdn	چپه کردن
bowl, pot	kasæ	کاسه
to lean	tækeyæ kdn	تکیه کردن
heavy [colloq.]	geræng	گرنگ

# SPOKEN DARI

## Lesson 29

happy, content	khushal	خوشحال
sleepy	khæw alood	حوالور
nervous, mad	æsabani	عصابى
orphan	yæteem	یتیم
widow	be:wæ	بیوه
gambler	qemarbaz	نمارباز
educated	tæ'leem yaftæ	تعلیم یافته
teaser, funny, naughty mischievous	shokh	شوخی
wealthy	dæwlætman'd	ثروتمند — دولت مند
clever, fast	chalak	چالاک
fast, sharp	te:z	تیز
big spender	khæraj	خراج
to collect, save, add	jæm' kdn	جمع کردن
to care [colloq.]	ræy zdn	ریزدن
مریض	najor	ناجور
to hurt [colloq.]	æwgar kdn	اوگار کردن

احمد خطه تکه تکه کند .

اصفر ده جنگ کالای خوده تکه تکه کند .

صادق به تصادم موتر خوده تکه تکه کند .

خربوزه از دستم افتاد تکه تکه شد .

چواز دست ظاهر افتاد و تکه تکه شد ؟

عینک کی تکه تکه شد ؟

کی خطه تکه تکه کند ؟

کی ده جنگ کالای خوده تکه تکه کند ؟

+++++

ضرب الضل های دری

سالی که نیکوست از بهارش بهداست

بک بام و دو هوا

بک کشمش و چهل قلندر

آبه ندیده موزه ره کشیدن

آب اگر صد قطره گردد باز باهم آشناست

زیبایی در سادگی س

۱۰- قسیم عینک میپوشه .

عینک هایش نمره نیس .

عینک هایش عادی س .

عینک هایش بری افتو (آفتاب) اس .

کی عینک میپوشه ؟

چی قسم عینک میپوشه ؟

عینک هایش عادی س یا نمره ؟

۱۱- سگ کریم پشک همسایه ره کشت .

بچه همسایه سگ کریمه کشت .

همسایه رحیم گفت اگه سگت به خانه ما بیایه میکشمش .

کی رئیس جمهور کنیدی ره کشت ؟

کی سگ کریمه کشت ؟

همسایه رحیم چی گفت ؟

۱۲- گیلایر از دست ظاهر افتاد تکه تکه شد .

عینک کریم از جیبش افتاد تکه تکه شد .

کی ده مرکز کلتوری کار میکنه؟ عمر

مرکز کلتوری امریکا ده کجا واقعس؟ شهرنو

کی به فرهنگ و ادبیات غرب (غربی) بسیار علاقه داره؟ زرمینه

کی به فرهنگ و ادبیات شرق بسیار علاقه داره؟ کریمه

شما به ادبیات انگلیس علاقه دارین؟

از کتابهای سکسپیر چند کتابه نام‌گیرین؟

۱ - سارا محصل اس.

سارا جان محصل ادبیات اس.

سارا به فاکولته ادبیات تحصیل میکنه.

سارا به فاکولته ادبیات پوهنتون کابل تحصیل میکنه.

او میگه که به ادبیات دری بسیار علاقه داره.

کی به فاکولته ادبیات تحصیل میکنه؟

سارا جان به کدام ادبیات بسیار دلچسپی داره؟

شما ده فاکولته چی تحصیل کدین؟

رشته تحصیل شما چی بود؟

۷- کریم یک آدم بسیار صادق اس.

رحیم یک آدم بسیار مهربان اس.

قسیم یک آدم بسیار فهمیده اس.

وسیمه یک دختر بسیار شریف اس.

انیده یک دختر بسیار اعتمادی اس.

کی یک آدم بسیار صادق اس؟

کی یک آدم بسیار مهربان اس؟

کی یک آدم بسیار فهمیده اس؟

کی یک دختر بسیار شریف اس؟

مرکز فرهنگي

۸- عمر ده مرکز کلتوري کارمینه.

لوویس مدیر مرکز کلتوري اس.

امریکا ده افغانستان مرکز کلتوري داره.

مرکز کلتوري امریکا ده شارنو اس.

مرکز کلتوري امریکا نزدیک سفارت ایران اس.

زرمینه به فرهنگ و ادبیات غرب بسیار علاقه داره. دلچسپی

کریمه به فرهنگ و ادبیات شرقی (شرقی) بسیار علاقه داره.



۵ - معطل باش.

یک دقیقه صبرکو.

معطل تان باشم یانی؟

دیروز تقریباً بیست دقیقه معطل سرویس بودم.

لطفاً بری چند دقیقه معطل باشین!

معطل چیستی؟ معطل سرویس ریستم.

معطل کیستی؟ معطل شماستم.

معطلم باش!

معطلش باش! بسیار خوب مه معطلش میاشم.

۶ - رحیم باید قلم مره می آورد مگر، یادش رفت. از یادش رفت

قسیم باید مره تلفون میکند مگر، یادش رفت. فراموش کرد

رحیمه یادش رفت که ساعت خوده کولبکنه.

خدیه باید به فتهجه از خو می خیست مگر یادش رفت که ساعت خوده کولبکنه.

یادش رفت که شماره بگویه.

۳- رحیم چشم‌درد اس.

کریم پای‌درد اس.

غنی شکم‌درد اس.

ستار سردرد اس.

بصیر گون‌درد اس.

علی کمر‌درد اس.

نسیمه دندان‌درد اس.

کی چشم‌درد اس؟ رحیم . . .

کی دندان‌درد اس؟ نسیمه . . .

کی کمر‌درد اس؟ علی . . .

کی گون‌درد اس؟ بصیر . . .

۴- لطفا باز بگوئین . دوباره

لطفا باز بخوانین . (بخانین)

لطفا باز بیائین .

لطفا باز نوشته‌کنین .

تمرینات انخافی .

۱- کریم سځ ډاره .  
 ډاره

رحیم پشک ډاره .

قسیم حوصله ډاره .

نجیب جاینک ډاره .

او نوکر ډاره .

جاینک جای ډاره .

عزیز خاله ډاره .

باغ درخت ډاره .

پغمان میدان هوائی ډاره .

واسع عینک ډاره .

۲- کی سځ ډاره؟  
 کریم . . .

کی حوصله ډاره؟  
 قسیم . . .

کجا میدان هوائی ډاره؟  
 پغمان . . .

کی عینک ډاره؟  
 واسع . . .

بشیر — آن (بلو) کم کم میخوره مگر فکرمیکنم که بایش شکسته .

عزیزه — اوه . بشک بیداره . بابت چی گفت ؟

بشیر — هیچ . چی بگویم کل شان رق استن خصوصا بیدارک ریزیم .

سوالات —

۱- کی میخواست تینسر کنه ؟

۲- کاکای کی از خارج میایه ؟

۳- وضعیت پشک چطور بود ؟

۴- سگه خوس داری یا پشکه ؟

۵- شما به ادبیات علاقه (دلچسپی) دارین ؟

۶- نزدیکترین میدان هوایی بخانه شما کدام اس ؟

۷- کی فکرمیکنه که پای پشک شکسته ؟

۸- کی بیدارک ریزه داره ؟

i- سگ از کی بود ؟

### ضرب المثل های دری

قیمت بی همتا نیست ارزان بی طلت نیست

گوش شیطان کر

پول زیاد گشتانندن خوب نیس.

خاطر داره.

### مکالمه

عزیزه - بشیرجان! وقت داری که صبا ینک کمی تینس کنیم؟

بشیر - نی ولا . کاشکی وقت میداشتم.

عزیزه - جن میکنی؟

بشیر - صبا باید میدان هوائی برم که کاکایم از خان میایه.

عزیزه - راستی؟ مه نمیفامیدم. جنی وقت از میدان پس میائی؟

بشیر - نمیفامم. اگه پینس از ینج بجه آدمم باز خانه تان میایم.

عزیزه - بسیار خوب مه ما اُلت (معائل) مییاشم. بسیار وقت شده که تینس نکدیم.

بشیر - فکر میکنم که تینس یار مام (مه هم) رفته.

عزیزه - خو دیده شوه (موبینیم). راستی پشتک چطوراس؟

بشیر - وضعیت ش بسیار خراب اس. اگه تو نم آمدی سنگ همسایه پشتک

ماره میکشت و تکه تکه میکند. خوب اند که تو به وقت رسیدی.

عزیزه - (پشتک) حالی چیزی میخوره؟

صبا وقت داری که یتکم تینس کنیم!

بلی .

تو بسیار خوب تینس میکنی .

تشکر، تینس خودت هم بدنیس .

بسر اس مانده شدیم .

۱۵- وضعیت او بسیار خراب اس . بد

وضع تر بسیار خراب اس .

وضعیت دنیا بسیار خراب اس .

وضعیت اقتصادی او بسیار خراب اس .

او دمرای رفقای خود خوب وضعیت نمیکند .

۱۶- او همیشه همرای خود جاگو میگرداند . کتی

او کتی خود تفنگچه میگرداند .

او دمرای خود بسیار پول میگرداند .

او بسیار خطرناک اس .

باید احتیاط کنی .

- ۱۲- کریم از درخت افتاد و پایش شکست . شکستن  
 قاسم از دیوال افتاد و دستش شکست .  
 عینک موسی از دستش افتاد و شکست .  
 جان محمد از بایسکل افتاد و کمرش شکست .  
 وقتیکه تام به اسب سوار میشد افتاد و پایش شکست .

- ۱۳- کریم پای خوده شکستاند . شکستاندن  
 قاسم دست خوده شکستاند .  
 موسی عینک خوده شکستاند .  
 جان محمد کمر خوده شکستاند .  
 تام جنگ کد و بینی خوده شکستاند .  
 کریم ده بازی فوتبال کلک خوده شکستاند .

- ۱۴- عزیزه! وقت داری که ینکمی پنگ پانگ کنیم ؟  
 بلی ( کریم جان ) وقت دارم .

کدامش (بسیار) خوشت می‌آید ؟  
کدامش بسیار خوشت می‌آید ؟  
مزار شریف بسیار خوشم می‌آید .  
هردویش بسیار خوشم می‌آید .  
هیچ کدامش خوشم نمی‌آید .  
هیچ کدامش .  
کلتش خوشم می‌آید .  
کلتش .

۱۱- مهربانی‌کده خانه ما تشریف بیارین .  
لطفا

بسیار تشکر، انشالا می‌آیم .  
مهربانی‌کده او ره بگوئین که خانه ما بیایه .  
باشم، می‌گمنش .

مهربانی‌کده سلام موه برش بگوئین .  
بسیار خوب می‌گمنش .

مهربانی‌کده (او-ه.مو) کتابه خو بتی ! اینه‌گی !



مړه سگ بسیار خوشم می آیه. لاکن نگاه کنش بسیار مشکل اس.

تو سگ داری؟ آن دارم.

چی قسمی س؟ سگ تازی س.

کریم جان. تو گاهی شتر سوار شدی؟

نه مه بسیار میترسم.

تو چطور؟

بلی. مه چندین دفعه سوار شدیم لاکن یک دفعه از شتر افتادم

نزدیک بود که پایم بشکند.

راستی؟

آن (بلی) هیچ یادم نمیره. هیچ از یادم نمیره

شتر ازکی بود؟

از همسایه ما (بود).

۱- کابل خوشت می آیه یا کندهار؟ کندهار

مزار (مزار شریف) خوشت می آیه یا کابل؟ مزار

نیویارک خوشت می آیه یا پاریس؟ نیویارک

سقو ده مشك او (آب) میاره .

مشك از پوست بز ساخته میشه .

۱- او ده خانه خود يك نوكر داره .

كل گارهاره نوكر میكنه .

نوكر او همیشه از بازار سودا میاره .

او همیشه به نوكر خود اعتماد میكنه .

نوكر او يك آدم اعتمادی س .

او بسیار صادق اس .

(صداقت بهترین سیاست اس)

كاكای کریم يك آدم بسیار باحوصله س .

پرخوصله

او بسیار حوصله داره .

صبر

۱- کریم ! جن پشك قشنگی داری !

از مه نیس ازعمه م اس .

نامش چیست ؟ نامش ماشی س .

جن نام قشنگی ؛ ماشی ماشی ماشی !

افغانستان خط آهن داره؟

نی، فعلا نداره شاید ره آینده داشته باشه.

ای جای بسیار مزه دار اس.

ای چایک هیچ جای نداره.

ای چایک خالی س.

چایک از جای پراس.

جای سبز میخوری یا جای سیاه؟

جای سیاه.

ره کابل (مردم) عموماً - ای سیاه میخورن.

افغانستان چایه از چین (جمهوریت مردم چین) و هند وارد میانه.

۷- او سقو (سقاو) اس.

سقو بوری مردم او (آب) میاره.

حبیب الا بچه سقو ره افغانستان نه ماه پادشاهی کرد.

او از شمالی بود. (ولایت پروان بنام شمالی یار میانه)

او بچه یک سقو بود.

منولتا .

عکاس بسیار خوشموی آیه . عکاسی ره بسیار خوش دارم .

۵- کامره او ساخت جاپان اس . کامرهش .

کامره کریم خالی س ، فیلم نداره .

عزیز خوب عکس میگیره .

گرچه او شوقی س مگر ، عکس های خوب میگیره .

او نو شروع کده .

ای عکس کیس؟

ای عکس از کیس؟

ای عکس بسیار قشنگ اس .

ای عکسه کی گرفته؟

ایره مه گرفتیم .

بسیار خوب عکاس استی .

۶- چیلور آمدی؟ به ریل آمدم .

او به تاريخ و فرهنگ کشور بسیار خوب بلداس.

۳- عمه داری؟ بلی یت عمه دارم.

خاله چطور؟ آن خاله هم دارم.

تو چطور؟ مه یت خاله دارم. مگر عمه ندارم.

کاکا داری؟ آن ..

ماما داری؟ بلی ...

بیبی - مادرکلان - پدرکلان - خوشو - خسر - خسریره - خیاشنه

۴- او عکاس اس. رحیم ..

کریم هم عکاس اس.

اشرف دکان عکاسی داره. خسروش هم

او بسیار خوب عکاس اس.

کامره داری؟ کامره عکاسی داری؟

آن، مه یت کامره جاپانی دارم.

چه قسمی س؟

درس بیست و هشتم

جملات و تمرینات

۱- دری بلد استی؟ دری ره بلد استی؟

ای ره بلد استی؟

او ره بلد استی؟

به کابل بلد استی؟

اینجه ره بلد استی؟

۲- آن (بلی) یکمی بلد استم. خوب

کم بلد استم. بسیار کم

بسیار خوب بلد استم. یکمی

آن، بسیار خوب بلد استم. غفور

نی، واشنگتنه بسیار خوب بلد نیستم. کابل

کریم چطور، کریم ده اینجه بلد استی؟ شاید

نمیفام، شاید بلد باشه. نمیدانم

از خودش پرسان کوهه نمیفام. از رحیم...

SPOKEN DARI

rain	ril	ریل
orthern	shæmali	شمالی
rust	e'temad	اعتماډ
rustworthy	e'temadi	اعتماډی
to keep [colloq.], look	negah kdn	نگاه کډن
little brother [diminutive noun]	bradæræk	برادرک
tiny, small, little	rizæ	ریزه
to forget	yade kæsi ræftæn	یاد کسی رفتن
pieces and pieces	tekæ tekæ	تکه تکه
tree	dæræxt	درخت
glasses	æynæk	عینک
waist	kæmæɾ	کمر
to break [causitive]	shekæstandæn	شکستاندن
present stem	shekænan	شکنان
companion	æmra	همراه
airport	mæydani æwayi	میدان هوایی
again	baɯ	باز

## SPOKEN DARI

---

situation, condition, manner	wæziyæt		وضعیت
old man, father	babæ		ابہ
honest	sadeq		بارق
honesty	sædaqæt		بداقت
to kill	kushtæn		کشتن
present stem	kush	کس	
patience	æwselæ		بوصلہ
dog	sæg		سگ
cat	pishæk		پشک
to break	shekæstæn		شکستن
present stem	shekæn	شکن	
to ride, mount	suwar shdn		سوارشدن
to fall down	oftadæn		افتادن
a sheep or goat skin tanned or not, especially for carrying water	mæshk		مشک
to wait	mæ'tel, matel bdn		معلول بودن
to understand	famidæn		فہمیدن
present stem	fam	فہم	



## SPOKEN DARI

---

### Lesson 28

to be familiar, to know	bælæd bdn	بلد بودن
culture	færhæng	فرهنگ – کلتور
literature	ædæbeyat	ادبیات
paternal aunt	'mæ, æmæ	عمه
maternal aunt	khalæ	خاله
railroad	khæte ahæn	خط آهن
picture	'ks, æks	عکس (گرفتن)
photography	'kasi, ækasi	عکاسی (کردن)
to carry	gæštandæn	گشتاندن
present stem	gærdan	گردان
empty	khali	خالی
amateur	shæwqi	شوقی
tea pot	chaynæk	چاینک
water carrier	sæqæw	سقاو (سقاو)
servant	nokær	نوکر

اولتر از همه ای کاره باید خلاص کنیم.

فعلا وقت ندارم.

فعلا نی.

حالی نی.

فعلا چیزی گفته نمیتانم.

۱- کریم مهمانهای خوده تا دروازه همراهی کد.

مه رحیمه تا خانهش همراهی کدم.

مه او ره همراهی کدم. مه همرايش رفتم

از همکاري شما بسیار تشکر.

ما همکاراستیم.

... یکی از همکاران ماس.

۱- مه به شما اطمینان میتم.

مه به شما اطمینان کامل دارم.

بشما اطمینان میتم که روابط ما دوستانه و صمیمی باقی میمانه.

۱۵- اگه خاست خدا باشه امسال اروپا ميروم. انشالا

اگه خاست خدا باشه ريگه سال افغانستان ميروم.

اگه خدا بخايه امسال اروپا ميروم.

اگه خدا بخايه ريگه سال افغانستان ميروم.

اگه خدا بخايه ريگه سال به امريکاي جنوبي سفر ميکنم.

اگه خاست خدا باشه کجا سفر ميکنين؟

اگه خدا بخايه کدام سال افغانستان ميرين؟

۱۶- مه فعلا به ارلنگتن زندگي ميکنم. کابل

مه به ارلنگتن دوستان زياد دارم. بصير

چاره هاي ارلنگتن قيوريزي شده. مزار شريف

اهالي ارلنگتن بسيار خوش استن. مردم - ساکنان

اولا باهم بسيار صميمي استن. ليلي ومجنون . . . بودن

مه هم دوستان صميمي بسيار دارم. شما

۱۷- اولتر از همه ميخايم از شما تشکرکنم.

۱۳- ای نان بسیار مفید اس. منبر

ای قسم آب و هوا به صحت شما بسیار مفید اس.

ای دوا بشما بسیار مفید خات بود.

سپورت و ورزش به صحتش مفید واقع شد.

ورزش کو که به صحت مفید اس.

ورزش به صحتش مفید ثابت شد.

کریم روزی دو دفعه ورزش میکنه. دو مرتبه

۱۴- کریم به کمک شما احتیاج داره. ضرورت

شما هم ازهیچ نوع کمک دریغ نمیکنین.

او ازهر نوع کمک دریغ نکد. نمیکنه

رحیم یک قلب بسیار مهربان داره و ازهیچ نوع کمک بری رفیق خود دریغ نمیکنه.

احتیاجات شهرما بسیار اس. ضروریات

کریم گفت که سفرش فراموش ناشدن س. سفر فراموش ناشدن س

معنون شدم.

۲-۱ کاریکه شما کدین، ازهرحیث قابلتوصیف اس.

کاری که شما کدین، ازهرحیث قابلتقدیر اس.

جائی که شما رفتین، ازهرحیث قابلدیدن اس.

قابل دیدن      دیدن

قابل خوردن      خوردن

قابل تقدیر      تقدیر

قابل آشامیدن      آشامیدن (نوشیدن)

قابل گفتن      گفتن

قابل قبول      قبول

قابل فهم      فهم

قابل تنفس      تنفس

قابل احتراق      احتراق

ای هوا قابل تنفس نیس.

ای آب قابل آشامیدن نیس.      نوشیدن - خوردن

ای موضوع قابل فهم نیس.

کار شما قابل تقدیر اس.

۱- اجازه نیست.

کریم او را اجازه دار که داخل شود. ماند

رحیم او را اجازه دار که کتاب سه ببیند.

پروفسور محصله اجازه دار که سوال پرسان بکند.

داکتر زرمینه را اجازه نداد که سگرت بکشد. نماند

سگرت کشیدن اجازه نیست.

بدون اجازه داخل شدن ممنوع است.

۱- اجازه است که برادر من به شما معرفی کنم ؟ بفرمائید.

میخایم که برادر من به شما معرفی کنم. مدیر صاحب

میخایم که شماره به والی صاحب معرفی کنم. رئیس

میخایم که... ره به جلالتماب شما معرفی کنم.

۱۱- ای یک وادی نهایت سرسبز است. بسیار سبز

ای یک نظریه نهایت عالی است. بسیار خوب - بسیار عالی

از هر حیث نظریه شما قناعتبخش است. مفید

شما روی هم رفته نظریه عالی دارید. عموماً

- ۷- مه انتظار کریمه دارم. شما  
 مه انتظار مدیر صاحب دارم. رحیم  
 مه به کریم انتظار میکشم. او  
 مه به مدیر صاحب انتظار میکشم. رئیس  
 +++  
 مه منتظر کریم استم. بلقیس  
 مه منتظر مدیر صاحب استم. پروفسر  
 مه مائل (معطل) کریم استم. سرویس (بس)  
 مه مائل مدیر صاحب استم. برادر  
 مه به انتظار کریم استم. خط  
 مه به انتظار مدیر صاحب استم. دکتر

- ۸- اجازه س؟ بفرمائین.  
 اجازه س (که) داخل شوم؟ بفرمائین.  
 اجازه س (که) کتاب تانه ببینم؟ صد اجازه، چرانی.  
 اجازه س که یک سوال پرسان کنم؟ بفرمائین.  
 اجازه س که یک سگرت بکشم؟ نی، خواهش میکنم. (لطفاً)

کی ینک موتر جیپ داره؟

کی موتر لاری داره؟

۴- کارتر از سادات پذیرائی کد . یا کارتر ساداته پذیرائی کد .

بریژنف از تره کی پذیرائی کد .

بریژنف خودش ده میدان هوائی مسکو از تره کی پذیرائی کد .

کارتر خودش به میدان هوائی اندروز از سادات پذیرائی کد .

۵- کی از سادات پذیرائی کد ؟ کارتر . . .

کی از تره کی پذیرائی کد ؟ بریژنف . . .

ده کجا از تره کی پذیرائی کد ؟ ده . . .

به کجا از سادات پذیرائی کد ؟ به . . .

۶- سادات توسط کارتر پذیرائی شد .

تره کی توسط بریژنف پذیرائی شد .

کی توسط کارتر پذیرائی شد ؟

کی توسط بریژنف پذیرائی شد ؟



تمرینات -

- ۱ - کریم یک تیزرفتار داره گادی  
 کریم یک موتر تیزرفتار داره. عطیاره  
 کریم یک موتر جیب داره. تراکتور  
 کریم یک لاری داره. سرویس (بس)

۲ - غنی مدیر قلم مخصوص اس.

- غنی مدیر قلم مخصوص وزارت خارجه اس.  
 رحیم به مدیریت قلم مخصوص کارمیکنه.  
 اشرف مامور حکومت اس. رحمن مامور حکومت نیس  
 شریف به سفارت کارمیکنه. اکبر به وزارت کارمیکنه.  
 شریف مامور سفارت اس. قدیر مامور وزارت اس.

۳ - غنی چی کارمیکنه؟

- رحیم به کجا کارمیکنه؟  
 اشرف چی میکنه؟  
 شریف به کجا کارمیکنه؟

سوالات

- ۱- آقای کولدرن کی بود ؟
- ۲- کولدرن به کدام ولایت رفت ؟
- ۳- به او ولایت از طرف کی پذیرائی شد ؟
- ۴- کولدرن راجع به چه همراي والي قندهار گپ زد ؟
- ۵- ملاقات شان قناعت بخش بود يا ني ؟
- ۶- بعضی از موضوعاتی که آنها مناقشه و مذاکره کردن چه بود لطفا تشریح کنین ؟
- ۷- فرضا شما يك روزنامه نگار امریکائی بودین و با آقای کولدرن به قندهار سفر کردین، راجع به ای بازديد چه مینوشتید ؟

ضرب العثلهای دری

چاه کن زهرچاه س

آب رفته به جوی بازنگرد

مهبان چراغ خانه س

ده آینده به خدمت جلالتمهابی مشرف میشم.

والی

– افتخار میبخشین.

کولدرن

– بیش (زیادتر) از ای دیگه نمیخایم وقت شماره بگیرم و اجازه میخایم (که) از خدمت جلالتمهابی شما رخصت شوم.

والی

– ما همیشه بری ملاقات دوستان صمیمی خود وقت داریم. فعلاً بامان خدا.

کولدرن

– خدا حافظ شما والی صاحب. انشالا ده آینده نزدیک خات دیدیم.

والی

– امیداسر. بامان خدا.

(مدیر قلم مخصوص آقای کولدرنه تا موتر رهنمائی میکنه)

(نوت – اقتباس بانداک تصرف از نشرات تعلیمات پسر کور)

به حکومت افغانستان گفت کنیم.

والی

- از ای حسن نیت تان (حسن نظر تان) خیلی ممنون استم (شدم). گرچه احتیاجات فوری ما خیلی زیاد اس، مگر مهمترین اوها (آنها) عبارت اند از تهیه آب آشامیدنی محفوظ بری اهالی و قیرریزی جاده های شهر کندهار.

کولدرن

- بلو ما امریکایی ها نیز نظریه جلالتمهابی ره تائید میکنیم و به جلالتمهابی شما اطمینان میتم که ده رفع نمودن ای احتیاجات مهم و فوری ولایت کندهار از هیچگونه مساعی و همکاری (ممکنه) دریغ نختا کدیم.

والی

- بسیار تشکر آقای کولدرن. شما چند روز ده (شهر) کندهار خات ماندین؟

کولدرن

- باید صبا بطرف کابل حرکت کنم.

والی

- بجای ما (بمنزل ما) بری نان شو تشریف نو آرین؟

کولدرن

- لطف میکنین والی ما حب. بسیار زیاد تشکر. اگه خاست خدا باشه (انشالا)

امریکائی‌ها ده کندهار بدانم.

والی

– بلو . رویهمرفته کارشان بسیار (خیلی) قناعت بخش اس. بری معلومات تان میخایم عرض کنم که اگه بندارغنداب چندسال قبل تعمیر نمیشد . شاید کل باغ های میوه وادی ارغنداب که امروز سرسبزاس همه خشک میشد . همچنان بعضی دیگر پروژه‌ها (بعضی پروژه های دیگر) نیز خیلی مفید ثابت شده .

کولدرن

– ازایکه شما خوشبین استین مه بسیار خوش استم . و امیدوار استم که ای زحمت کشی افغانها با همکاری امریکائی‌ها ده بلندبردن سطح زندگی شان رول بسیار مهیوره بازیخات کند (میکنه)

والی

– البته ، مه بشما اطمینان میتم که نتایج مفیدای زحمت کشی های مردم و حکومت امریکا یک یادگار فراموش ناشدنی (حسن نیت ) ده قلب هر افغان باقیخات ماند .

کولدرن

– مراتب امتنان خوده بری ای عقیده نیک جلالتمهابی تقدیم نموده ، اجازه میخایم بعرض برسانم که آیا میتانم بدانم که **بگما احتیاجات فوری ولایت کندهار** مخصوصا شهر کندهار ازچی قبیل اس و ما چطور میتانیم به رفع کن اونا

والی

— سلامالیکم آقای کولدرن. ازدیدن شما بسیار خوش استم. بسیار ماندهباشین!

کولدرن

— لطف میکنین والی صاحب. زندهباشین. صحت جناب شما خوب اس؟

والی

— فضل خداس. امیداس کندهار خوش تان بیایه. شما خوش چانس استین  
هوای امروز بسیار خوب اس.

کولدرن

— بلی صاحب. کندهار از هرچیت قابل دیدن اس.

والی

— چقهوقت ره کندهار تشریف خات داشتین؟

کولدرن

— تنها یک روز خات ماندم.

والی

— هر کمکی که باشه مه حاضر استم آقای کولدرن.

کولدرن

— تشکر والی صاحب. میخایم (که) نظریه جلالتمهابی شماره راجع به کار

درس بیست وهفتم

یک بازدید رسمی

( آقای کولدرن مامور سفارت کبرای امریکا به کابل توسط تیزرفتار به

نایب الحکومگی ولایت کندهار میرسن و به اونجه از طرف مدیر قلم مخصوص

پذیرائی میشن . )

مدیر قلم مخصوص

— سلامالیکم . مه مدیر قلم مخصوص ولایت استم . چی حال دارین صاحب . بسیار

مانده نباشین آقای کولدرن ؟

آقای کولدرن

— زنده باشین تشکر . شما چطور استین ؟

مدیر قلم مخصوص

— خوب استم تشکر لطف میکنین . بفرمائین جلالتمهابی (والی صاحب) انتظار

شماره دارن .

( حالی مدیر قلم مخصوص آقای کولدرن به والی معرفی میکنه )

مدیر قلم مخصوص

— والی صاحب اجازه بتین که آقای کولدرن بشما معرفی کنم .

SPOKEN DARI

inhabitants, people	æhali	اهالی
asphalting, paving	qir rizi	قیریزی
سړک	jadæ	جاده
to confirm	tæyiid kdn	تائید کدن
any kind of	æich gunæ	هیچ‌گونه - هیچ‌قسم
to depart, leave	hærækæt kdn	حرکت کدن
if it be the will of God	ægæ xaste xuda bashæ	اگه خاست خدا باشم
to be honored	mushærræf shdn	مشرف شدن
friends	dostan	دوستان
for the time being	fe'læn	فعلا
sincere	sæmimi	صمیمی
to accompany	hæmrayi kdn	همراهی کدن
effort	mæsayi	مساعی
first of all	æwæltær æz æmæ	اولتر از همه
	or	یا
	æz æmæ æwæltær	از همه اولتر
embassy	sæfaræte kobra	سفارت کبرا



## SPOKEN DARI

---

forgettable	fəramush nashudæni	فراموش ناشدنی
god will	husne neyæt	حسن نیت
heart	qælb	قلب — دل
acknowledgment, thanks	emtenan	امتنان
to present, submit	tæqdim kdn	تقديم کردن
whether [conj. some times]	aya, ya	آیا — یا
needs	ehteyajat	احتیاجات
immediate	fæwri	فوری
rank, degree, time	mærtæbæ	مرتبہ
pl.	mærateb	مراتب
to withhold, refuse	dere:gh	دریغ
to be grateful	mæmnunshdn /bdn	ممنون شدن — بودن
such as	ebaræt ænd æz	عبارت انداز
drinking water	aabe ashamidæni	آب آشامیدنی
safe, guarded	mæhfuz	محفوظ
prepare, arrangement	tæheyæ	تہیہ

SPOKEN DARI

opinion, view, suggestion	nəzərəyæ	نظریه
satisfactory	gena'tbækhsh	قناعت بخش
information, knowledge	malumat	معلومات
to mention, to submit a petition	[h]ærz kdn	عرض کردن
dam	bænd	بند
garden	bagh	باغ
valley	wady	وادی
flourishing, green	sær sæbz	سرسبز
likewise	æmchunan	همچنان - عین چیز
useful, profitable	mufeed	مفید
to be useful [to show itself profitable]	mufeed sabet shudæn	مفید ثابت شدن
effort, hard work	zæmæt kæshi	زحمت کشی
surface, level	sætæ[h]e	سطح
to cooperate	æmkari[kdn]	همکاری کردن
to assure	etminan ddn	اطمینان دادن

# SPOKEN DARI

## Lesson 27

car, automobile, limousine	tezræftar	تیزرفتار
Governor's office	nayibulhokumægi	نایب الحکومگی
Private Secretariat	qælæme mæxhsus	قلم مخصوص
to be received	pæzirayi shdn	پذیرائی شدن
Excellency	jælalætmahabi	جلالتمہابی
please come in	bufærmayeen	بفرمائیں !
to wait for some one	entezare kæsi ræ dashtæn or [bæ]entezare kæse budæn	انتظار کسی رہ داشتن بمانتظار کسی بودن
your Excellency (Governor)	wale saheb	والی صاحب
to permit, allow	ejazæ ddn	اجازہ دادن
to introduce	mærefi kdn	معرفی کردن
embassy official	mamure sæfaræt	مامور سفارت
very much, too much, extremely	nehayæt	نہایت
in all respects	æz ær [h]æys	از ہر حیث (جہت)
on the whole, in general	royehæmræftæ	روی ہمرفتہ

عبارات مفید

برق روشن اس - سوچ برق چالان اس

بطور قطعی

فعلاً

احتیاط داره

به تمام معنی

وقت طلّاس

بزودی ممکنه

اهدأ - هیچ وقت

نه ای نعاو

به مه مربوط نیس

آقرین !

ولو - ولوایکه

باز فکرکو!

خراب اس - شکستهس - کارنمیکنه

( نوت - شاگردان از ای عبارات باید جملات بسازن )

حقیقتا خاله‌ش قاسمه بسیار دوست داره . قاسم چگونه؟

(در حقیقت مالک هرشی خداس)

حقیقتا شما راست می‌گین . او

در حقیقت شما راست می‌گین . اونا

حقیقته نگفت . گفته

۱۳- چای بی‌بوره خوشم نمی‌آیه . خوش داشتن

چای بدون بوره خوشم نمی‌آیه . چای شیرین

مگر قهوه (کافی) همراهی بوره خوشم می‌آیه .

همگی همراهی قاشق و پنجه نان می‌خورن .

مگر ما کتی دست نان می‌خورم .

۱۴- میله چگونه بود؟

بسیار خوب بود .

خوش گذشت؟

بلی ، بسیار خوش گذشت .

۱۰- شکور بسیار طالع‌منداس.

کریمه چطور؟

نسی هم بسیار طالع‌منداس.

لیندا چطور؟

غفور هیچ طالع نداره.

غفار چطور؟

غفور بی طالع س.

غفور کم‌بخت اس.

کریم بسیار پول باخت او طالع‌مند نیست.

رحیم بسیار پول یافت او بسیار طالع‌مند اس.

۱۱- کی بسیار طالع‌مند اس؟

شکور بسیار . . . .

چرا کریم طالع‌مند نیست؟

از خاطریکه کریم . . . .

چرا رحیم بسیار طالع‌مند اس؟

چراکه او . . . .

قاسم بسیار طالع‌دار اس چراکه دختر خاله شه مفت گرفت .

قاسم بسیار طالع‌مند اس از خاطریکه خاله‌ش دخترشه به او داد .

او از خویشای خود زن گرفت .

او از قوم‌های خود زن گرفت .

۱۲- حقیقتا قاسم یک آدم بسیار طالع‌مند اس.

۷- کریمه جان! شما بسیار زحمت کشیدین . تکلیف کشیدین

کریمه جان! شما بسیار نان پخته کدین .

باید ایقه زحمت نمیکشیدین! تکلیف نمیکشیدین

نی ، هیچ زحمت نیس . نی هیچ تکلیف نیس

۸- ننسی بسیار سیراس . بود

ننسی بسیار سیر اس (شد) دیگه خورده نمیتانه . نتانست

پال سیر شد ، دیگه خورده نتانست . اس نمیتانه

مهسیر استم ، دیگه خورده نمیتانم . بودم نتانستم

شکم کریم سیر اس ، نان نمیخوره . بود نان نخورد

۱- باز (هم) نان میخوری؟ پرسیانکو که بسیار گشنهستم .

هنوز سیرنشدی؟ نی ولا

باز هم به تلفون استی؟

باز هم گپ میزنی؟ چی کنم ، هنوز گپم خلاص نشده .

موتریکه خریدی ، باز هم قیمت اس .

نام خدا طفلكتان بسیار قشنگ اس. بچه گكتان

نام خدا دخترک بسیار مقبول دارین .

نام خدا مثل بلبل گپ میزنه .

تشکر زنده باشین .

۶- ازخانه احوال دارین؟

بلی دیروز یک خط گرفتم .

چشم تان روشن .

زنده باشین .

انشالا که خیریت اس!

بلی ، فعیل خدا همگی شان خوب استن

به دوستان سلام گفتن .

++++

از کابل احوال دارین؟

بلی ، از همه طرف خیریت اس ، میگن که  
به کابل بسیار برف میاره .

اوه . راستی؟

بلی ، نشنیدین که میگن (کابل بی زر

باشه بی برف نی )

+++

از فامیل احوال دارین؟

نی ، بسیار وقت میشه که خط ن گرفتیم

خدا کنه که خیریت باشه .

نگران نباشین خدامهربان اس .

خدا کنه .

انشالا که همه شان خوب استن .



۴- خدا بشما عمر دراز بته!

خدا عمرشه دراز داشته باشه!

عمرت دراز باشه!

مه ده عمرم ایطو چیزه ندیده بودم. مه ده زندگی م ایقسم چیزه ندیده بودم.

...مردو عمرشه بشما بخشید.

...به عمر ۷۵ سالگی مرد.

...به عمر... سالگی رسیده بود که مرد.

بیش از {سال عمرنگد . از . سال زیادتر عمرنگد .

عمر او کوتاه بود . عمرش دراز نبود .

زیاد عمرنگد .

او بندی عمری س.

او عمری بندی شد .

۵- عزیزه جان! نام خدا امروز قشنگ شدی . رحیمه

نام خدا بسیار هوشیاراستی . شما

نام خدا بسیار پدرومادر مهربان داری . اونا

تمرینات :

- ۱- مه فامیل مه بسیار دوست دارم. شما چطور؟  
 مه پدر و مادر مه بسیار دوست دارم. رحیم چطور؟  
 مه افغانستانه بسیار دوست دارم. تو چطور؟  
 مه خربوزه مزاره بسیار دوست دارم. شما چطور؟
  
- ۲- امیداس که ای نان خوش تان بیایه . فکر میکنین که . .  
 امیداس که ای نانه خوش کنین .  
 امیداس که به پسند شما واقع شوه .  
 امیداس که خوش بگذره .
  
- ۳- کریمه جان بری مهمان های خود دو قسم برنج پخته کد . وسیمه جان . .  
 قابلی ایکه کریمه جان پخته کد ، یک کمی چرب بور .  
 اولادها پلوه بسیار خوش دارن .  
 ملاها هم پلوه بسیار خوش دارن .  
 ملانصرالدین از خاطر پلو کتی همسایهش جنگ کد . کتی رفیقش

۳- به دیدن کی رفته بودن؟

۴- ننسی از کی خط گرفت؟

۵- کی خط گرفت؟

۶- مهمان‌ها پیش از نان چی خوردن؟

۷- شکور به مهمان‌هایش شراب صرف کد؟

۸- تام چوره بسیار خوش داره؟

۹- کی بسیار خوب بولانی پخته می‌کنه؟

۱۰- مهمان‌ها چند نفر بودن؟

۱۱- مهمان‌ها همراهی دست نان خوردن؟

۱۲- کی ده عمرش ایطو(ن) بولانی مزه دار نخورده بود؟

۱۳- تام همراهی قاشق و پنجه نان خورد؟

۱۴- کی همراهی چای بوره ره خوش نداره؟

۱۵- مهمان‌نوازی چطور بود؟

۱۶- کی راجع به خربوزه مزار شنیده بود؟

(ضرب المثل دری - آب که از سر گذشت چه پک نیزه چه صد نیزه)

ر - شکور خان کتی چایت بوره نوش جان نمیکنی؟ (نمیخوری)  
 کور - نی بوره خوشم نمیآیه. کریمه بوره ره خوش داره. . . چرا انگور  
 نمیگیری؟

سی - تشکر، مه دیگه خورده نمیتانم، بری مه بسیار شد.  
 ل - شکور خان نمیتانم که از ای مهمان نوازی تان چطور تشکر کنم.  
 کور - حاجت تشکر نیس (حاجت به تشکر نیس) خانه خودتان اس.  
 سی - راستی بسیار خوش گذشت. از نان و از همه چیز تشکر.  
 ریمه - لطف میکنین. هر وقت که می آئین خوش می آئین.  
 امی - باز هم از بولانی بامزه تشکر.  
 ان - شما وقتیکه خانه ما می آئین لطفا اولاد هاره کتی خود بیارین.  
 کور - خو. . . میاریمشان.  
 ال - ننسی - تامی) بامان خدا کریمه جان.  
 شکور و کریمه) بامان خدا.

+++++

سوالات -

۱- اولادهای شکور کجا رفته بودن؟

۲- بری چقه وقت؟

کتی دست نان میخوریم، چرا که به قاشق و پنجه عادت نداریم.

پال - به مه فرق نمیکند مام کتی دست نان میخورم.

ننسی - آگه هرکس کتی دست نان میخوره مه چرا کتی قاشق و پنجه نان بخورم.  
(پال و ننسی هم دست های خوده میشوین)

تام - آغا جان ( ) اجازه س که مام کتی دست نان بخورم.

پال - آن (بلو) .

ننسی - ای نان بسیار بامزه س شکور خان تو بسیار خالغ دار استی!

شکور - تشکر، بسیار زیاد تشکر.

کریمه - ننسی جان سالن بگیرین! (چرا سالن نمیگیرین؟)

ننسی - نی کریمه جان بس اس. دیگه هیچ جای نیس (نمانده) مه بسیار سیرشد م.

... مه بسیار نان خوردم... تامی تو هنوز بولانی میخوری؟

تامی - بلو مادر جان، شما میدانین که مه بولانی ره بسیار دوست دارم. مه ره

عمرم ایطو (ر) بولانی مزه دار نخورده بودم.

کریمه - تشکر... چرا میوه نوش جان نمیکنین؟

پال - میخوریم (میگیریم) تشکر... ای خربوزه بسیار بامزه س.

شکور - ناگفته نمانه که ای خربوزه تازه از مزار رسیده.

ننسی - راستی؟ ... مه راجع به خربوزه مزار بسیار شنیده بودم، مگر هیچ (وقت)

نخورده بودم. حقیقتا بسیار شیرین و بامزه س.

ننسی — بلی تشکر، همگی (همه) خوب استن. یک هفته پیش از مادرم یک  
خط گرفتم، شکر از همه طرف خیریت اس.

کریمه — خو. بسیار خوب. ببخشین که ما شراب نداریم. میخائین که پیش

از نان یک کمی چای نوش جان کنین؟

پال — بدنظریه نیس. مه یک کمی چای میخایم.

ننسی — مام (مه هم) چای میخورم که بسیار تشنه‌ستم.

شکور — کریمه جان بری شما یک نان بسیار خوب افغانی پخته‌کده، امید

اس (که) به پسند شما واقع شوه (خوشتان بیایه).

پال — چرانی. ما همیشه نان های افغانی ره بسیار خوش داریم.

ننسی — مخصوصا تام بسیار خوش داره.

تام — آن (بلی) بولانی بسیار خوشم میایه.

شکور — کریمه جان بسیار خوب بولانی پخته میکنه. تو بسیار طالع دار (مند)

استی تام!

تام — میدانم (میغام) مه همیشه طالع مند استم.

(حالی نان تیارشد و همگی به دور دسترخوان شستن)

پال — کریمه جان! شما بسیار نان پخته‌کدین. بسیار زحمت کشیدین.

کریمه — نی بابا، هیچ زحمت نیس. ما بری شما قاشق و پنجه داریم، مگر ما

درس بیست و ششم

'aul and his family have been invited to Shukur's house for dinner.

مکالمه

پال - سلامالیکم شکور جان چطور استی؟ جانت جوراس؟

شکور - شکر، شما کل تان خوب استین؟ . . . تام چطور استی؟

تام - خوب استم تشکر.

ننسی - خانمتان (زن تان) کجاس؟

شکور - کریمه جان ده آشپزخانهسر یک دقیقه بعد می آیه.

کریمه - سلامالیکم چر حال دارین؟ خوب استین؟

پال - تشکر شما چطور؟

کریمه - مام خوب استم تشکر، بسیار خوش آمدین!

ننسی - خوش باشین. اولادها کجاستن؟

کریمه - اولادها بری یکی دو روز پروان رفتن.

پال - شما ده اونجه خویشا دارین؟ (قومها)

کریمه - بلی، ما به پروان بسیار خویشا داریم.

ننسی - نام خدا چی خانه قشنگ (ی) دارین!

کریمه - تشکر (چشم های تان قشنگ اس) شما از فامیل تان احوال دارین؟

## SPOKEN DARI

---

indeed, actually	æqiqætæn	قیقئا
sugar	buræ, shækær	بره، شکر
...had a good time	khush guzæsht	خوس گزشت
but, however	mægær	مەر
daddy	agha[ jan ]	اچان
spoon	qashuq	قاشوق
fork	pænjæ	پنجه
all of...	h[æ]mægi	هس
no, no sirre	ne:baba	نابابا
melon	khærbuzæ	خبروزه



## SPOKEN DARI

### Lesson 26

قورمه	salæn	سالن
kids, children	æwlada	اولارها
life time	omr	عمر
like this, this way, such a...	ito [intowr]	ایطو (اینطور)
[God has been good to you]	name khuda	نام خدا
news, conditions	æhwal	احوال
any news from home?	æz khanæ æhwal darin	ازخانه احوال دارین؟
from all sides [directions]	æz æmæ tæræf	ازهمه طرف
I hope you like it.	omid æs bæ pisænd shema waqe shæwa	امیداس به پسند شما واقع شوه.
to take trouble	zæhmæt kæshidæn	زحمت کشیدن (خوس تان بیایه .)
to be full	sir shdn [kdn]	سیرشدن
to love	dost dashtæn	دوست داشتن
still, again	baz hæm	بازهم
lucky	taleh mænd [dar]	تالهند (دار)
relative[s]	khesha	خویشا

عبارات مفید

بالتر از همه

توجه !

یکروز و روز

حسن نظر شما

معلوم همیشه که

مثلیکه مه . . . - قسمیکه مه . . .

متیقین نیستم - یقین ندارم

منتهای کوشش خوده گدم

( شنیدن کی بود مانند دیدن )

گوش شیطان کر !

باندازه کافی خوب اس .

تاجائیکه بخاطر ما اس ( دارم )

فقط يك رقیقه

(نوت - بعضی از این عبارات شاگردان باید به جملات استعمال کنند)

به انگلیسی ترجمه کنین

- ۱ - امریکاه یٹ مملکت بسیار قوی س.
- ۲ - جمهوریت مردم چین به سال ۱۹۷۲ عضو ملل متحد شد .
- ۳ - اگه یٹ ملیون دالر داشته باشم مره اینجه نع بیینی .
- ۴ - برادر او یٹ تاجر بسیار مشهور اس.
- ۵ - او دروغوی اس.
- ۶ - مطبوعات غرب راجع به شرق میانه نوشته .
- ۷ - او یٹ آدم بسیار مزاحم اس.
- ۸ - حالی وعده کده نمیتانم .
- ۹ - افغانستان تقریبا . { فیصد پطرول خوده از ایران میگیره .  
۱۰ - ای موضوع بسیار مهم اس باید او ره میگفتی .

(ضرب المثل دری - تنبله که کار فرمودی نصیحت پدرانہ میکه)

- اگه گوشت گوسفند نیافتی عوضش گوشت گاو بیار .
- اگه عوص تو باشم دیگه هیچ او ره مزاحم نمیشم .
- اگه دری میدانستین همه چیز آسان میبود .
- اگه موتر خوده بپرین بد نخات بود .
- اگه موتر تیار میبود حالی کل ما به میله میوفتیم .
- اگه یک ملیون دالر میداشتم مره اینجه نمیدیدی .
- اگه تو ره میگفتم سرم قار میشدی .
- اگه ره دنیا صلح نمیبود چی واقع میشد ؟
- اگه تو میوفتی مام ( مه هم ) میوفتم .
- اگه دو ماه قبل میوفتین بزکشی ره سیل کده میتانستین .
- اگه موتر خوده میبردین بد نمیشد .
- اگه پشتو میدانستین بد نمیشد .
- اگه بری مام میوم .
- اگه نری مام نمیروم .
- اگه او ره میدیدی بسیار خوش میشد .

i - دروغ گفتن عادتش اس.

به دروغ گفتن عادت داره.

او يک عادت بسيار بد داره.

او به سگرت کشیدن عادت نداره.

سگرت کشیدن عادت بد اس.

۱ - سببش چيس؟

سببش چي بود؟

سببش نميدانم.

نميدانم که سببش چيس.

از اي سبب.

از چي سبب؟

هيچ سبب نداره.

۱۱ - اگه (اگر) بخانه ما تشریف بيارين بسيار خوش ميشيم.

اگه او ره ديدی سلام مره برش بگو.

۷- لطفا اوږه مزاحمنشین .

لطفا مږه مزاحم نشو .

لطفا اوږه مزاحمنشو .

او ۵-میشه مزاحم میشه .

۸- شما وعده کدین .

شما مږه وعده کدین .

شما دودفعه وعده کدین .

کاشکی وعده نمیکدین .

وعده کدین که بیاعین ، لاکن نامدین .

دیروز وعده کد مگر نامد .

او وعده کد که تاریخ افغانستانه بری مه بیاره ، لاکن ناورد .

او همیشه دروغمیکه .

او دروغگو (ی) اس .

دروغگوی حافظه نداره .

چی وقت تشریف میارین؟

دپگه جمعه.

صباشو بری نان شو بجای ما تشریف میارین؟ میایم، مگر لالفا بسیار زحمت  
نکشین.

۵- ارنست همینگوی یکی از نویسندگان مشهور امریکاس.

خلیلو یکی از نویسندگان مشهور افغانستان اس.

کاروان نام کتابی س که توسط نویسنده امریکائی جیمز مجنر نوشته شده.

ای کتابه مجنر راجح به افغانستان نوشته (کده).

جنگ و صلح نام یک کتاب اس. ای کتاب توسط نویسنده بزرگ روسی

(تولستوی) نوشته شده و یکی از کتابهای مشهور دنیاس.

۶- کاتای کریم یک تاجر بسیار مشهور اس.

او تاجر پوست قره قل و قالین اس.

او ده دنیای خارج تجارت میکنه.

او هم یک نویسنده اس.

مگر نویسنده مشهور نیس.

(بسیار) خوب آدم اس.

(بسیار) شریف آدم اس.

۲- از مهمان‌نوازی شما تشکر.

از مهمان‌نوازی شما بسیار تشکر میکنم.

از لطف شما بسیار تشکر.

ای ینک مسرت بزرگی س که اینجهمستم.

ای ینک مسرت بزرگی س که با شما میباشم.

از آمدن تان تشکر. (از تشریف آوری تان تشکر)

از کمک تان تشکر.

از جای تشکر.

۳- چه وقت به خانه ما تشریف میارین؟

چه وقت به جای ما تشریف میارین؟

کی به مملکت ما تشریف میارین؟ کشور

اگه تشریف بیارین بسیار خوش میشیم.



درس بیست و پنجم.

جملات و تمرینات

- ۱- او يك آدم بسیار مشهور اس.
- او يك آدم بسیار هوشیار اس.
- او يك آدم بسیار مہمان نواز اس.
- او يك آدم بسیار مہم اس.
- او يك آدم بسیار قوی س.
- او يك آدم بسیار پولدار اس.
- او يك آدم بسیار ضعیف اس.
- او يك آدم بسیار خوشبین اس.
- او يك آدم بسیار بزرگ اس.

- ۲- (بسیار) کلان آدم اس.
- (بسیار) هوشیار آدم اس.
- (بسیار) مشهور آدم اس.
- (بسیار) مہم آدم اس.

## SPOKEN DARI

---

to come [polite]	təʃrif awɔrdæn	تشریف آوردن
to go [polite]	təʃrif burdæn	تشریف بردن
to disturb, bother	muzahim shdn	مزاحم شدن
with	ba	با
Middle East	shærqe meyanæ	شرق میانه
one of..	yæki æz	یکی از..
Near East	shærqe nezdik	شرق نزدیک
Far East	shærqe dur	شرق دور
war, fighting	jæng	جنگ - حرب
peace	sul[æ]	صلح
writer	næwisendæ	نویسنده
pl.	næwisendægan	نویسندگان
to lie	durugh guftæn	دروغ گفتن
a liar	durugh go:y	دروغگو (ی)
to watch	sæyl kdn	سیل کردن

# SPOKEN DARI

---

## Lesson 25

strong	qæwi	قوی
weak	zæheef	ضعیف
reparation	ewæz	عوض
I were...	ægæ...bashum	اگه...باشم
custom	adæt	عادت
promise, give a promise	wæ[a]dæ ddn[kdn]	وعده دادن / کدن
in spite of, despite the fact that	æger che	اگرچه
in spite of: gær ce	gær che	گرچه
hospitality	mehman næwaz	مهمان نواز
hospitality	mehman næwazi	مهمان نوازی
businessman	tager	تاجر
ingenious, clever, smart, wise	oshiyar	هوشیار
food	gheza	غذا
assurance	muserræt	مسرت
great	buzurg	بزرگ
reason, cause	sæbæb	سبب

۱۱- افغانستان به مالک خارج چو صادر میکنه؟

۱۲- شما گاهو بزرگشوره دیدین اگه دیدین به کجا دیدین و چی وقت  
دیدین؟

۱۳- تولیدات ایالت شما چیس؟

### جملات اضافی :

اگه او زندگی میکد رئیس جمهور میشد .

اگه تو پک موتر نو میخریدی ، خوش میبودی .

تام باید به صنف خونمیشد .

اگه خانم پولدار میبودم زندگی آسانتر میشد .

شما باید بهتر میدانستین .

مه ریشو باید اپارتمان مه پاک میکدم مگر وقت نداشتم .

اگه او ره میدیدین او خوش تان نمآمد .

اگه پیش از رفتن تلفون میکدین بهتر میبود .

قدیر کریمه ره باید به میدان هوایی میبرد .

شما باید از وقت استفاده میکدین .

شما باید وقت او ره میگفتین .

او باید اینجه میبود .

باید سرش قار نمیشدی .

باید کتو او خدا حافظی میکدی .

باید هیچ وعده نمیکد .

+++++

لطفا ای سوالاته جواب بتین .

۱- افغانستان چی قسم مملکت (کشور) اسر؟

۲- تولیدات مهم افغانستان چیس؟

۳- افغانستان از طرف شمال بکدام مملکت متصل اس؟

۴- کوه مشهور افغانستان چی نام داره ؟

۵- صادرات مهم امریکا چیس؟

مواد خام

۶- امریکا از مالک خارج چی وارد میکنه؟

۷- سرحد افغانستان با جمهوریت مردم چین چقه دراز اس؟

۸- به کدام ولایات افغانستان (بیشتر) سپورت بزکشی صورت میگیره ؟

۹- واردات افغانستان چیس؟

افغانستان چهنوع (قسم) معادن داره؟

راستی او خطرناک اس؟

نی مذاق کدم.

تو ه.میشه ای قسم مذاق میکنی.

تو باید امروز کتابخانه میرفتی چرانرفتی؟

تو باید امروز رفیق خوده میدیدی چرانیدی؟

۸- باید سفیر صاحبه میدیدم.

باید او ره میخریدم.

باید بزکشی ره میدیدی، چرانیدی؟

باید او ره شفاخانه میبردی، چرانبردی؟

باید فامیل ته تلفون میکدی، چراتلفون نکدی؟

باید کتی شان به استالف میرفتی، چرانرفتی؟

باید از او پرسان میگردین.

باید او ره ده خانه تان دعوت میگردین.

باید او ره کمک میگردین، او کمک کارداشت.

چه قسم رفیق استی، باید دیدنش میرفتی.

باید از او پرسان نمیگردین. (باید او ره پرسان نمیگردین)

وتقریبا سه یا چارماه ادامه داره. بزکشی یکی از سپورت های بسیار دلچسپ، پرهیجان و خطرناکی س که تنهاده افغانستان بازی میشه. ای سپورت ریگه ده هیچ جای دنیا دیده نشده.

۶- تولیدات افغانستان بیشتر(زیادتر) به مالک (کشورها) همسایه مثل ایران پاکستان، اتحادشوروی و همچنان به هند، اروپای غربی، اروپای شرقی وغیره مالک صادر میشه.

لطفاً به کار خود ادامه بیتی؛

باید به کار خود ادامه میداری؛

ادامه بیتی؛

لطفاً ادامه بیتی؛

فروش قالین ها هنوز ادامه داره.

۷- او ینک آدم بسیار خطرناک اس.

راست میگی.

باید پولیسه تلفون کنی؛

گندم، جو، جواری، برنج، پخته، نیشکر، انواع میوه‌جات و سبزیجات تازه و خشک از تولیدات مهم افغانستان بشمار می‌آید (میره).

۴- افغانستان منابع طبیعی نیز دارد.

طلا، لاجورد، مس، زغال، آهن، نمک و غیره از منابع مهم آن (س) بشمار میره. علاوه بر آن ده افغانستان گاز طبیعی نیز وجود دارد (پیدا می‌شود). گاز طبیعی به اتحاد شوروی صادر می‌شود و یکی از اقلام مهم صادرات بشمار میره. قالین، پوست، پشم، پوست قره‌قل، انگور، کشمش، پسته، بادام و غیره نیز صادر می‌شود.

۵- افغانستان از ممالک خارج ماشین‌آلات، تکه‌باب، اشیای لکس، پترول و غیره وارد می‌کند.

مردم افغانستان گوسفند، گوسفند قره‌قل، گاو و بز تریه‌نده از گوشت و پوست او را استفاده می‌کنند.

افغانها اسبه بری حمل و نقل و سپورت (بازی) بزکشی استفاده می‌کنند. بزکشی یک نوع سپورتی است که به ولایات شمال افغانستان مخصوصا ولایات بلخ، کندز، فاریاب و غیره صورت می‌گیرد. ای سپورت عموما ده ماه میزان شروع می‌شود و



درس بیست و چهارم

جملات و تمرینات

۱- افغانستان یک مملکت کوهستانی س. کشور

افغانستان یک مملکت اسلامی س.

مردم افغانستان همه مسلمان استن.

افغانستان یک مملکت محاط به خشکس.

افغانستان به آسیای مرکزی واقع شده (س).

سلسله کوه هندوکش افغانستانه به دو حصه شمالی و جنوبی تقسیم گده.

۲- افغانستان از طرف شمال به اتحاد شوروی متصل اس و از طرف جنوب شرق

به (با) پاکستان و همچنان از طرف شمال شرق (پامیر) تقریباً با فاصله . . ۱

کیلومتر با ایالت سنکیانگ جمهوری مردم چین و در غرب با ایران

همسایه اس.

۳- افغانستان یک مملکت زراعتی س.

تقریباً ۸۰٪ (فیصد) مردم افغانستان به زراعت مشغول میباشن.

## SPOKEN DARI

---

skin, hide	post	پوست
wool	pæshm	پشم
caraqul: a kind of sheep which is raised in North Afghanistan	qæræqul	قره قل
grapes	angur	انگور
raisin	keshmish	کشمش
pistachio	pestæ	پسته
almond	badam	بادام
machinery	mashin alat	ماشین آلات
fabrics, clothings	tekæ bab	تکه باب
fashionable items	æshyayi luks	اشیای لکس
petroleum	petro:l	پترول
textile	næsaji	نسا جی
tools, goods, furniture, equipment, appliance	saman	سامان
goat	buz	بز
horse	æsp	اسب
to make use of something, use	æz chizi estefadæ kdm	از چیزی استفادە کدن

# SPOKEN DARI

## Lesson 24

ruits	me:wəjat	میوه جات
resh	tazæ	تازه
reens, vegetables	səbzijət	سبزیجات
atural resources	mænabe: tæbehe	منابع طبیعی
old	tela	طلاه
opper	mis	مس
oal	zughal	زغال
lapis lazuli	lajuwærd	لا جورد
to produce	tæwleed kdn	تولید کن
iron	ahæn	آهن
in addition to, besides	ælawæ bæran	علاوه بران
sugar cane	næishækær	نیشکر
items	æqlam	اقلام
to exist, be found	ojud dashtæn	وجود داشتن
هم	neez	نیز

## SPOKEN DARI

---

### Lesson 24

mountain	koh	کوه
mountainous	kohestani	کوهستانی
landlocked	mæhat bækhushkæ	محاط به خشکه
mountain ranges	selselæ koh	سلسله کوه
part, section	[h]esæ	حصه
to be connected	mutæsel bdn[shdn]	متصل بودن
so, such, in that manner also	æmchunan	همچنان
to have a common border	æm særhæd bdn	همسرحد بودن
wheat	gændum	گندم
barley	jæw	جو
corn	juwari	جواری
cotton	pækhtæ	پخته
to be considered, counted	bæshumar ræftæn	بشمار رفتن
variety, kind	næwæ	نوع
pl.	ænwai	انواع

کلماتی که روپهنندی شد مانند همین معنی رو دارن .

۱- خود

خویش (بیشتر بهدري رسمي استعمال ميشه)

۲- اشتراك كن

حصه گرفتن

سهم گرفتن

شرکت گدن

۳- ارتباط

پهوند

رابطه

۴- مثل

مانند

چون

استعمال (وری) و (مثل) -

۱- (وری) بعد از اسم و قبل از صفت می آید:

ای دختر گل وری شیرین اس.

ای چای زهروری تلخ اس.

ای خانه گور وری تاریک اس.

ای بچه زاغ وری هوشیار اس.

روی ای میز شیشه وری پاک اس.

۲- (مثل) پیش از اسم می آید:

دختر خاله خیر محمد مثل گل نازک اس.

خرپوزه مزار مثل قند شیرین اس.

خدیجه مثل برق تیز اس.

دل خلیل مثل سنگ سخت اس.

( نوت - برای یاد گرفتن بیشتر باید به شاگردان وظایف خانگی داده شود )

( ضرب المثل دری - سنگ زرد برادر شغال )

لطفا ترجمه کنید.

- ۱- موتر ای کده میتانی؟
  - ۲- مرکز اسلامی از موسسه خدمات خارجه چقه فاصله داره؟
  - ۳- همسایه او از مصر اس.
  - ۴- ای اتاق بسیار تاریک اس هیچ چیزه دیده نمیتانم.
  - ۵- شما گاهی به مسجد رفتین؟
  - ۶- چه قسم آراستی؟
  - ۷- او مثل یک ملیونر زندگی میکنه.
  - ۸- فرق بین مسجد و کلیسا چیست؟
  - ۱- اگه یک ملیونر باشی چه خات کدی؟
  - ۲- ده ای روزها روابط مصر و اسرائیل چطور اس؟
  - ۱۱- شما معمولا از کجا سودا میخرین؟
  - ۱۲- شما گاهی قمارزدین؟
  - ۱۳- اگه کل مردم دنیا به یک زبان گپ میزدن چی واقعیشد؟
  - ۱۴- ده ای نزدیکی ها کدام رستوران خوب پیدا میشه؟
- (ضرب المثل- از خانه هندو قرآن برآمد)

ده کجا می شینو؟

ده کجا زندگی میکنی؟

تقریبا پنج سال اس که ده ای خانه می شینیم.

ده شارنو می شینیم.

برادرم ده نارتہ چارمی شینہ.

لطفا بشینین.

چرا نمی شینین؟

بفرمائین بشینین.

لطفا ده چوکی بشینین.

سر زمین نشینین.

سر زمین خوشم می آیه.

تشکر اینجه میخایم بشینیم.

نعیدانم که چه وقت گم کدم (کدمس).

او همیشه کلی خوده ده موتر میمانه. (فراموش میکنه)

او همیشه می بازه.

او هیج وقت نمی بره.

او بسیار پول باخت.



- چه قسم نان خوشت می آیه؟ نان افغانی خوشم می آیه.  
 چه قسم سپورته خوش داری؟ هر قسم سپورته خوش دارم.  
 هر قسم سپورت خوشم می آیه.

۱۰- چی (ره) می پالی؟

کلی مه میپالم.

کلی موترمه میپالم.

انگستر مه میپالم.

کلی ته یافتی؟

نی . هنوز نیافتیم (نیافتیمش).

چه وقت کلی ته گم کدی؟

(پک) چند دقیقه پیش.

۱۱- چند سال اس که ده ای خانه می شینین؟ پنج سال اس که . . . . .

ده کجا می شینین؟ ده کارته چار می شینیم.

شما پیش از ای امریکا آمده بودین ؟

شما پیش از ای افغانستان آمده بودین ؟

بلی ، مه یکدفعه چندسال پیش امریکا آمده بودم .

نی ، ای دفعه اول اس که امریکا می آیم .

۸- مه ترکاری خریدن مهم .

مه هنوز ترکاری ره نخریدیم .

باید یک کمی ترکاری بخرم .

کریم همسایه مهس .

مه یک همسایه بسیار خوب دارم .

سه سال اس که ده اینجه می شینه (می شینن) .

۱- چه قسم موتر داری ؟ موتر فور دارم .

چه قسم کتاب داری ؟ کتاب ناول دارم .

چه قسم نان پخته خات کدی ؟ چلو پخته خات کدم .

۶- شما گاهی به مزارشریف رفتین؟

شما گاهی به نیویارک بودین؟

شما گاهی به بامیان رفتین؟

شما گاهی به ولایات شمال افغانستان بودین؟

شما گاهی نان افغانی خوردین؟

نی، مه هیچ وقت به مزارشریف نبودیم.

بلی، مه یئدفعه ده بامیان رفتیم.

بلی، مه ده بعضی ولایات افغانستان بودیم.

بلی، مه چند دفعه نان افغانی خوردیم.

۷- موتر ای کده میتانی؟ لایسنس داری؟ لایسنس دریوری داری؟

موتر ای کدنه یادراری؟ موتر ای کده میتانی؟

بلی، مه موتر ای کده میتانم.

او خوب موتروان اس. او بسیار خوب دریور اس.

مه هیچ وقت بامیانه ندیدیم.

برادرش تاحالی خانه نامده.

۴- کاشکی ده دنیا جنگ نمی بود .

کاشکی کل مردم دنیا به یک زبان گپ میزدن .

کاشکی دری میدانستم . کاشکی دری گپ زده میتانستم .

کاشکی یک طیون دالر میداشتم .

کاشکی پولدار میبودم .

کاشکی فامیلم اینجه میبود .

کاشکی پیش از رفتنش او ره میدیدم .

۵- آمده بود که شماره ببینه .

آمده بود که کتی شما گپ بزنه .

آمده بود که کتی شما خدا حافظی کنه .

آمده بود که شماره ملاقات کنه .

آمده بود که خانه شماره ببینه .

آمده بود که راجع به کارش گپ بزنه .

آمده بود که راجع به سفرش گپ بزنه .

هفته گذشته کجارتی بودی؟

بامیان رفته بودم.

هنوز کارخوده خلاصی نکرده.

مه ده اونجه بودیم.

کریم هم اونجه ره دیده.

مه اونجه رفتیم. کریم هم اونجهره دیده.

کریم هنوز پس نامده.

او بری دیدن برادر خود به شفاخان رفته.

۳ — ده ای او اواخر او بسیار کارمیکنه. ده ای روزها

ده ای او اواخر کل قیمت ها بلند رفته.

ده ای او اواخر روابط امریکا و مصر خوب شده.

ده ای وقت ها او از فامیل خود هیچ خط نگرفته.

ده ای وقت ها او ره هیچ ندیدیم.

ده ای وقت ها روابط او با همسایهش خوب نیس. (همرای - کتی)

ده ای او اواخر شماره کم می بینم.

درس بیست و سوم

جملات و تمرینات

۱- تشکر.

قابل تشکر نیس. لطف میکنین.

حاجت تشکر نیس. حاجت به تشکر نیس.

شما گاهی به مرکز اسلامی واشنگتن بودین؟

نی مه هیچ وقت به مرکز اسلامی واشنگتن نیودیم.

بلی مه یکدفعه ده مرکز اسلامی واشنگتن رفتیم.

میگن که یک مسجد بسیار عالی س.

مسجد جای عبادت اس.

مسجد عبادتگاه مسلمانان اس.

افغانستان یک مملکت اسلامی س.

۲- بسیار وقت میشه که خط نوشته نکتدیم. بسیار وقت اس که . . .

بسیار وقت میشه که خط روان نکتدیم.

تاحالی او ره ندیدیم.

## SPOKEN DARI

---

that kind	chi qesm	چه قسم
to lose	gum kdn	گم کردن
in gambling and play] to lose	bakh tæ:n	باختن
present stem	baz	باز
distance	faselæ	فاصله
need, necessity	ajæt	حاجت - ضرورت
there is no need for thanks	ajæte tæshækur ne:s	حاجت تشکر نیست.
to live [colloq.], sit	sheshtæn	شستن
present stem	sheen	شین
please sit down	lutfæn beshine:n	لطفاً بشینین.
recently, lately	dæ i æwakhir	ره ای اواخر
to find	yaftæn	یافتن
present stem	yaf, yab	یاف - یاب
to drive [colloq.]	æy kdn [colloq.]	ای کدن - راندن (ران)
Egypt	meser	مصر
to know [colloq.]	yad dashtæn	یادداشتن

## SPOKEN DARI

---

### Lesson 23

Islam, the Islamic religion	eslam	سلام
A Moslem	musulman	مسلمان
until now	ta ali	تا حالی
ring	ængushtær	ننگشتر
greens, vegetables	tær kari	زکاری
superior, excellent, high	alli	الی
lobby, hall	dale:z	.هلیر
dark	tarik	تاریک
I wish	kashki	کاشکی
neighbor	æmsayæ	همسایه
to look for	palidæn	پالیدن
present stem	pal	پال
A Mosque	mæsjed	مسجد
worship	ebadæt	عبادت
a place of worship	ebadæt ga [h]	عبادتگاه
key	keli	کلی
world	dunya	دنیا



Hæidær came to Yosuf's house after he punctured his bicycle's tire.

جميله - کجا بودی بسیار مانده معلوم می‌شی؟

حیدر - آن، پرسان نکو جميله جان که بسیار مانده‌ستم.

جميله - چرا چی کدی؟

حیدر - از شهرنو تا اینجه پیار مآدم.

جميله - چرا؟ بایسکل ته چی شده بود؟

حیدر - بایسکلم ده راه پنجرشد.

جميله - به راه دکان بایسکل سازی نبود؟

حیدر - نی، نبود.

جميله - چای نوش جان می‌کنی؟

حیدر - مه بسیار تشنه‌ستم اگه یک کمی آب یخ داری!

جميله - آن، چرانه.. اینه مه.

حیدر - بسیار تشکر.

سوالات -

۱- کی بسیار مانده بود؟

۲- بایسکل حیدره چی شده بود؟

۳- کی به حیدر آب یخ داد؟

اوره فراموش نکو.

نی انشالا فراموش نمیکنم.

۱- او همیشه پیاده میره. کی همیشه پیاده میره؟ کریم... .

آب یخ داری؟ بلی.

پیاده برو دور نیس.

نی بسیار دور اس پیاده رفته نمیتانم.

پیاده آمدی؟ نی به موتر آمدم

به موتر آمدی؟ نی پیاده آمدم.

پیاده برو!

پیاده نرو!

(ضرب العتدری- آفتابه بهدو انگشت پت(پنهان) گد نمیتانی)

مه اوړه فراموش خات کدم .

توسط طیاره خات رفتن .

۱ - کریم امروز کتابشه فراموش کد .

او هر وقت فراموش میکنه .

چرا فراموش میکنه ؟

نمیدانم که چرا فراموش میکنه .

فراموش کدم که اوړه بگویم .

او فراموش کد که خانه ما بیایه .

فراموش کد .

نامشه فراموش کدم .

فراموش کدم که اوړه تلفون کنم .

فراموش کدم که راجع به او کتیش گپ بزنم .

او همیشه چیزهای مهمه فراموش میکنه .

فراموش کو!

فراموش نکو!

ناوقت خات رسید .

وقت خات رسید .

اوره چی وقت ملاقات خات کدی؟

اوره چی وقت خات دیدی؟

چی وقت خات دیدیش؟

اوره روز جمعه خات دیدم .

روزجمعه خات دیدمس .

او ده دقیقه بعد خات آمد . او بعداز ده دقیقه خات آمد .

او هیچ نخات آمد .

۸- او به دعوت خات آمد .

کارته چی وقت خلاص میکنی؟ انشالا ده یکی دو روز خلاص خاتشد .

صبا جای تان خات آمدیم .

اوره ده واشنگتن خات دیدی .

کتوش گپ خات زدی .

صبا کندهار خات رفتم .

- |                    |                   |
|--------------------|-------------------|
| ۶- امروز خات رفتم. | امروز نخات رفتم.  |
| امروز خات برم.     | امروز نخات برم.   |
| امروز خات رفتیم.   | امروز نخات رفتیم. |
| امروز خات بریم.    | امروز نخات بریم.  |
| امروز خات رفت.     | امروز نخات رفت.   |
| امروز خات بره.     | امروز نخات بره.   |
| امروز خات رفتن.    | امروز نخات رفتن.  |
| امروز خات برن.     | امروز نخات برن.   |

۷- صبا کجا میری؟

صبا میله خات رفتم.

خانه برادرم خات رفتم.

شفاخانه بری دیدن رفیقم (دوستم) خات رفتم.

رفیقت (دوستت) چی وقت به کابل خات رسید؟

نمیدانم که چی وقت خات رسید.

استالف بړی میله خوب جای اس؟

بلی، بړی میله بهترین جای اس.

میله به بسیار خوش داری؟

البته کی خوش نداره.

ه — او مثل شما همیشه کار میکنه. مثل کی؟

مردم افغانستان مثل مردم امریکا به میله (رفتن) بسیار دلچسپی دارن.

او همیشه مشغول اس. مصروف

او همیشه مشغول کار اس.

او مثل شما همیشه مشغول اس.

او همیشه می بره. او کیس؟

قاسم هیچ وقت نمی بره.

لطفا ای کتابه به کتابخانه ببر.

او مثل شما دری گپ میزنه.

او مثل تو هر چیزه میدانه.

او همه کاره اس.

کی پرسان میکنی؟      پسان .

چی وقت پرسان میکنی؟ ( میکنی ش)      حالی پرسان میکنم ( میکنمش)

چرا اوره پرسان نمیکنی؟      چرا از او پرسان نمیکنی؟

تو باید پرسان بکنی .      بلی مه باید پرسان بکنم .

کریمه پرسان کو که (اگه) خانه ما می آیه بانی .

پرسان کدی (کدیش)؟      نی پسان پرسان میکنم ( میکنمش)

۴- سوال دارین؟      نی مه سوال ندارم .

کریمه همیشه از معلم خود سوال میکنه (پرسان میکنه)

معلمش هم جواب میده .

ای پول مخصوصا بری شماس .

ای مخصوص شماس .

او معاون مخصوصش اس .

دیروز کجا رفته بودی؟

دیروز میله رفته بودم .

ده (به) کجا بری میله رفته بودی؟      به استالف

حزب ديموکراتيک خلق، نورمحمد تره‌کي ره به‌حيث رئيس شوراي انقلابي و  
منشي عمومي حزب ديموکراتيک خلق انتخاب کد .

شوراي انقلابي نام جمهوري افغانستانه بنام جمهوري ديموکراتيک افغانستان  
تيد پيل کد .

اي انقلاب به ۲۷ اپريل سال ۱۳۷۸ صورت گرفت .

اي يك انقلاب ملو بود .

افغانها اي روزه فراموش نمينن .

اي انقلاب به روز عهفتم ثور سال ۱۳۵۷ صورت گرفت .

اي انقلاب ده افغانستان حکومت خلق آورر .

تحت حکومت خلق افغانستان سياست بيطرفي داره .

۲- اجازه سر يك سوال پرسان كنم .

بفرمائين .

از او پرسان کو . از مه پرسان نکو .

از اشرف پرسان کو که چند بجهن .

مه او ره پرسان ميکنم .



درس بیست و دوم

جملات و تعریفات

۱- افغانستان يك مملکت جمهوری س. **کشور**

افغانستان يك مملکت زراعتی س.

افغانستان يك مملکت اسلامی س.

افغانستان بیست و شش ولایت داره .

افغانستان به بیست و شش ولایت تقسیم شده .

هرولایت يك والی داره .

والی ها ولایات اداره میکنن .

ولایات توسط والی ها اداره میشه .

والی ها توسط حکومت تعیین میشن .

والی ها ره حکومت تعیین میکنه .

والی ها توسط حکومت مرکزی تعیین میشن .

۲- انقلاب هفت ثور رژیم داود خانہ ازبین برد .

## SPOKEN DARI

---

	<u>Additional Words</u>	
masses, people	khadq	خلق
party (political)	hezb	حزب
to take out of existence	aezbæinburdæn	ازبین بردن
council	shora	شورا
revolution	engelab	انقلاب
under	tæht	تحت
secretary	monshi	منشی

## SPOKEN DARI

---

uring, at the time of	dæ wæqte	ده وقت - ده زمان
o ask	pursan kdn	پرسان کدن
o appear, look	m'loom[malum]shdn	معلوم شدن
y foot	pyadæ	پیاده
iced [cold] water	æwe yækh	آب یخ
bicycle repair shop	dukane baysikel sazi	دکان بایسکل سازی
to take [away], carry, win	burdæn	بردن
present stem	bær	بر
مصروف	mæshghul	مشغول
special	mækhsus	مخصوص
especially	mækhsusæn	مخصوصا
to take place	suræt gereftæn	صورت گرفتن
center[al]	mærkæz[i]	مرکز (ی)
to change	tæbdil kdn	تبدیل کدن
royal	shayi	شاهی
to announce, declare	e'lam[n] kdn	اعلام کدن

# SPOKEN DARI

## Lesson 22

boss	amer	آمر
by, by means of, through	tawæsute	توسط
picnic	me:læ	پیلہ
government	hukumæt	حکومت
to forget	færamush kdn	فراموش کردن
driver	motær wan, drewær	موتروان - دریور
an auxiliary verb indicating future possibility. It is used either with a verb in the simple past or the optative [the <u>be</u> form].	khat	خات
e.g. I may go.	khat burum	خات برم
I may go.	khat ræftum	خات رفتم
Here it is, take it' [colloq.]	iy næ mæ	اینه مه .
Governor	wali	والی
mayor	sharwal	شاروال
to divide	tæqsim kdn	تقسیم کردن
to elect, choose	entekhab kdn	انتخاب کردن
election	entekhabat	انتخابات

سوالات -

- ۱- شما برادر کلان دارین؟
- ۲- چو وقت از افغانستان پس می آئین؟
- ۳- شما معمولا چندبجه ازکار خلاص میشین؟
- ۴- چرا کریمه ناوقت سرکار می آیه؟
- ۵- دری آسان تر اس یا فرانسوی؟
- ۶- انگلیسی آسانتر اس یا جرمنی؟
- ۷- کدامر آسانتر اس؟
- ۸- پوسته رسان معمولا چندبجه خط های شماره می آره؟
- ۹- مهمترین صادرات امریکا چیست؟
- ۱۰- شما ره خانه تان قالین افغانی دارین؟
- ۱۱- قاسمه به خانه شان رسانده میتانی؟
- ۱۲- صادرات مهم افغانستانه نامبگیرین؟
- ۱۳- صادرات افغانستان بیشتر به کدام مالک میره؟
- ۱۴- ره افغانستان شتر بری چو مقصد استعمال میشه؟
- ۱۵- شما گاهی شتر سوارشدین؟

(ضرب المثل دری- بادنجان بده بلا (آفت) نمیزنه)

قالین های افغانی ده بازارهای لندن و اروپا خوب فروش داره .

افغانستان به خارج قالین صادر میکنه .

عموما ده شمال افغانستان قالین می بافن .

قالین بافی یکواز کارهای مهم مردم افغانستان اس .

قالین یکواز صادرات مهم افغانستان اس .

۱۲- لطفا قاسمه به خانه شان برسان . دکان

نی . مه اووه رسانده نمیتانم .

پوسته رسان امروز ناوقت آمد . راکی

نگران نباشین مه شماره میوسانم .

ده شمال افغانستان گوسفند تربیه میکنن .

شتر خار میخوره .

شتر بار مییره .

شتر بری حمل و نقل استعمال میشه

میگن که شتر کشتی صحرا اس .

شتر همسایه ما ازگرسنگی مرد . گسنگی

۱۱- کاکای کریم هنوز زنده‌س.

او نود (۱۰) ساله‌س.

کریم ماما نداره.

اسلم يك آدم بسیار خوشبین اس.

آدم ده زندگی باید همیشه خوشبین باشه.

او ده هرچیز خوشبین اس.

خوشبینی خوب اس.

۱۲- کتاب ته پیداکی؟ کتاب ته یافتی؟

آدرسه پیداکی؟

نی هنوز پیدا نکدیم. (نکردهام)

پیداکن او(ش) بسیار مشکل اس.

کاکای کریم دکان دار اس.

او دکان قالین فروشی داره.

کاکای او(ش) قالین فروش اس.

قالین های افغانی ده اروپا خوب بازار داره.

۱ — چی وقت پس میړی؟ کی پس میړی؟

چی وقت پس افغانستان میړی؟

شاید بعداز یک ماه برم.

شاید بعداز یک هفته پس بره.

پس برو.

پس نرو.

او نمیخایه (که) پس بره.

۱ . — چی وقت پس آمدی؟ کی پس آمدی؟

چرا کریم پس نمی آیه؟

چی وقت پس آمد؟

یک هفته پیش پس آمد.

پس بیا!

پس نیا!

شما باید پس بیائین.



قاسم جوان تر اس.

ای ارزان تر اس.

ای قیمت تر اس.

ای پاکتر اس.

ای خوبتر (بهتر) اس.

ای مشکل تر اس.

۸- پرنفوس ترین شهرهای افغانستان کدام شهر اس ؟

کابل پرنفوس ترین شهرهای افغانستان اس.

نیویارک پرنفوس ترین شهر (های) امریکاس.      پاکترین

توکیو پرنفوس ترین شهر (های) جاپان اس.      مقبول ترین

یکواز پرنفوس ترین شهرهای جاپان توکیوس.

پرنفوس ترین شهر ایران تهران اس.      کلانترین

پرنفوس ترین شهر انگلستان لندن اس.      کلانترین

قشنگترین شهرهای دنیا کدام شهرها اس؟

۶- ای نسبت بهاو ارزان تر اس.

امروز نسبت به دیروز گرمتر اس.

دیروز نسبت به امروز گرمتر بود.

دری نسبت به فرانسوی آسان تر اس.

ای قالین از او قالین (کده) قیمت تر اس.

ای درس نسبت به او درس (کده) مشکل تر اس.

نفوس غزنی از نفوس کابل کده کمتر اس.

علی از برادرش کده جوانتر اس.

عموما پخمان از کابل کده سردتر همیشه.

خانه شما از خانه ما کده نزدیکتر اس.

۷- موسی کلان تر اس یا کریم؟ موسی کلانتر اس.

قاسم جوانتر اس یا نجیب؟

کدامش جوان تر اس؟ قاسم جوانتر اس.

کدامش کلان (پیر) اس؟

موسی کلانتر اس.

او وقت خلاص شد .

ای خلاص شد .

او خلاص شد .

هـ - او همیشه ناوقت می‌آید . کی همیشه ناوقت می‌آید؟

چرا همیشه ناوقت می‌آید؟ کریم همیشه ناوقت می‌آید .

چرا که راهش بسیار دور اس .

او امروز ناوقت سرکار آمد .

بری مه (برم) ناوقت شد . سرم ناوقت شد .

او دیشو ناوقت خانه آمد .

سلطان همیشه ناوقت خومیشه . (میکنه)

او همیشه ناوقت کارمیکنه .

ناوقت نان میخوره .

ناوقت تلفون میکنه .

ناوقت از خومیخیزه .

۳- يك بجه خلاص ميشم .

يك بجه خلاص ميكنم .

هفت بجه از نان خوردن خلاص ميشم .

فكرميكتم كه سه بجه كارمه خلاص ميكنم .

كارم سه بجه خلاص ميشه .

شش بجه از كار خلاص ميشم .

يك سال بعد مكتبه خلاص ميكنم .

ديگه روز اوږه خلاص ميكنم .

۴- كريم چي وقت كارشه خلاص ميكنه ؟

نميدانم كه چي وقت خلاص ميكنه .

نميدانم كه چي وقت خلاص ميشه .

مه خلاص كدم (ش) .

مه خلاص شدم .

مه وقت خلاص كدم .

او وقت خلاص كد .

درس بیست و یکم

جملات و تمرینات

- ۱- ای راه بسیار دراز اس.      سرک  
ای راه بسیار کوتاهس.      خاکش  
ای راه بسیار نزدیک اس.      فاصله  
ای میز بسیار دراز اس.      چوکی- راه - فاصله - ساعت  
واشنگتن زمستان بسیار کوتاه داره.

- ۲- چندبجه خلاص میشی؟      دوجبه خلاص میشم.  
چندبجه (کی) خلاص میکنی؟      دوجبه خلاص میکنم.  
چندبجه از نان خوردن خلاص میشین؟      نمیدانم.  
چندبجه نان خوردنه خلاص میکنی؟      شاید نیمساعت بعد خلاصکت  
چندبجه کارته خلاص میکنی؟  
چندبجه از کار خلاص میشی؟  
چروقت مکتبه خلاص میکنی؟  
کی اووه خلاص میکنی؟

## SPOKEN DARI

---

Note: By adding 'tær تو and 'tærin ترین to an adjective in Dari, we get a comparative and superlative degree respectively. As the following indicates.

<u>superlative</u>	<u>comparative</u>	<u>adjective</u>
گرمترین	گرمتر	گرم
سردترین	سردتر	سرد
قشنگترین	قشنگتر	قشنگ
پولدارترین	پولدارتر	پولدار
بدترین	بدتر	بد
بهترین	بهتر	خوب (به)
کلانترین	کلانتر	کلان
مشکلترین	مشکلتر	مشکل
خردترین	خردتر	خرد
هوشیارترین	هوشیارتر	هوشیار
خوشبینترین	خوشبینتر	خوشبین
پاکترین	پاکتر	پاک
سختترین	سختتر	سخت

## SPOKEN DARI

---

rice	berinj	برنج
to find, locate	pæyda kdn	پیدا کردن
to enter, come in, get in	dakhel shdn	داخل شدن
alive, living	zendæ	زنده
life	zendægi	زندگی
paternal uncle	ka ka	کاکا
maternal uncle	ma ma	ماما
to go back	pæs ræftæn	پس رفتن
to come back	pæs amædæn	پس آمدن
optimistic	khushbin	خوشبین
to weave	baftæn	بافتن
present stem	baf	باف
to export	sadir kdn	صادر کردن
exports	sadirat	صادرات
to die	murdæn	مردن

مَر (میر)

می مره (می میوه)

## SPOKEN DARI

---

### Lesson 21

education, training	tærbeyæ	تربيه - تعليم (تعليم و تربيه)
to educate, to raise, to train	tærbeyæ kdn	تربيه كدن
between	bæyne	بين
long	dæraz	دراز
short	kota	كوتاه
carpet, rug	qalin	قالين
shopkeeper	dukandar	دكاندار
to finish, release	khælas kdn	خلاس كدن
to cause to reach, take, deliver	ræsandæn	رساندن
present stem	ræsan	رسان
relation, ratio, proportion	nesbæt	نسبت
in relation to, in comparison with, than	nesbæt bæ	نسبت به
compared to [a particle used in comparisons], than [slang]	kædæ	كده
late	na wæqt [bdn;shdn]	ناوقت



## SPOKEN DARI

---

SOME MILITARY TERMS:

بعضی اصطلاحات عسکری

war, fighting	jæng, hærb	جنگ - حَرْب
bordermarie	qowæ-e-ænniyæ	قوه امنیه
cannon, gun, ball	top	توپ
artillery	topkhanæ	توپخانه
heavy artillery	topkhanæ-e-sængeen	توپخانه سنگین
artillery man	topchi	توپچی
insurrection	shuresh, fitnæ	شورش - فتنه
intervention	mudakhelæ	مداخله
occupation	eshchal	اشغال
occupied lands	ærazi eshgali	اراض اشغالی
surrender	tæsleem	تسلیم
truce	mutarekæ	مُتارکه
attache	atæshæ	آتشه
headquarter	mærkæz	مرکز
fort	balahesar - qælæ	بالاحصار
supplies	zækhayer	زَخایر

سوالات -

- ۱- گوگرد داری؟
  - ۲- جای شما از موسسه خدمات خارجه چقه دور اس؟
  - ۳- ده (به) موتر چقه وقت میگیره؟
  - ۴- معمولا چندبجه سرکار می آئی؟
  - ۵- معمولا ده خانه شما کی نان پخته میکنه؟
  - ۶- شما گاهی به قصر سفید بودین؟
  - ۷- قصر سفید از موسسه چقه دور اس؟
  - ۸- شما ده افغانستان به حیث چی کار میکنین؟
  - ۹- ایالت نیویارک پرنفوس اس یا کلیفورنیا؟
  - ۱۰- میدانین کابل چقه نفوس داره؟ نفوس کابل چقهس؟
  - ۱۱- ایالتی که شما ده او زندگی میکنین چند ملیون نفوس داره؟
  - ۱۲- ده امریکا روز دهقان دارین؟
  - ۱۳- شما سگرت میکشین؟
  - ۱۴- ده فامیل شما کسی سگرت میکشه؟
  - ۱۵- داکترها راجع به سگرت کشیدن چی فکر میکنن؟
- (ضرب المثل دری - انصاف نصف ایمان اس)

مکالمه  
۲۰

کریم - مریم جان سگرت داری؟

مریم - آن (بلی) دارم.

کریم - یک دانه سگرت خو برم بتی؟

مریم - چرانی، گوگرد داری؟

کریم - آن، فکرمیکنم که ده جیب کرتوم اس.

مریم - اینه بگی:

کریم - تشکر.

مریم - قابل تشکر نیس. سگرت دانی اونجه اس.

کریم - تشکر دیدمش. (دیدم-میگیرم)

مریم - چقه وقت اس که سگرت میکشی؟

کریم - تقریبا یک سال میشه.

مریم - بابه ت (پدرت) چیزی نمیکه؟

کریم - نی، چیزی نمیکه.

۱۱- آگه آب نباشه زندگی نیس.

بدون آب زندگی نیس.

بدون تو مه رفته نمیتانم.

بدون پول خریده نمیتانم.

بدون تمرین یادگرفتن ای درس بسیار مشکل اس.

یادگرفتن ای درس بدون تمرین بسیار مشکل اس.

بدون تو زندگی مشکل اس.

بدون تمرین یادگرفتنش مشکل اس.

۱۲- او معمولا چپ میباشه (اس). کی معمولا چپ اس؟

به جیب مه هیچ پول نیس. غنی معمولا چپ اس.

کرتی مه سه جیب داره.

سگرت به جیب چپ کرتی م اس. بالا پوش

گوگرد به جیب راست کرتی م اس.

گوگرد به جیب پتلونم اس.

جای شما از شار بسیار دور اس.

پنجان بسیار خوب جای اس.

ده (به) ای موتر بری پنج نفر جای نیس.

دیروز به جای کریم (خان) رفته بودیم.

اینجه جای شما نیس.

بد جای اس.

خوب جای اس.

خراب جای اس.

کی بسیار پول داره؟

۱- او بسیار پول داره.

کی بسیار پولدار اس؟

او بسیار پولدار اس.

قاسم

او بسیار پیسه داره.

محمد عمر

او بسیار پیسه دار اس.

هاشم

او هیچ پیسه نداره.

او مفلس اس.

۸- ای میوه بسیار شیرین اس.

ای بسیار شیرین اس مه خورده نمیتانم.

حلیمه یک دختر بسیار شیرین اس.

او شیرینوره بسیار خوش داره.

شیرینی زیاد (بسیار) بری دندانها خوب نیس.

شیرینی. بسیار، دندانهاره خراب میکنه.

شیرینی ده (به) افغانستان بسیار قیمت اس.

مردم امریکا بسیار شیرینی میخرن (میخورن).

۱- گوشت گوسفند عموما قیمت اس.

مردم افغانستان عموما گوشت گوسفند میخورن.

مردم فریب عموما خریده نمیتانن.

او (آب) جوش داری؟ او (آب) جوش اس؟

یک کمی او (آب) جوش کاردارم.

پیش از خوردن (نوشیدن) ای اوه باید جوش بتی.

لطفا یک کمی او (آب) جوش بیار.

وقتیکه بازار رفتی يك کمی گوگرد بخر.

تو باید کتی خود همیشه گوگرد داشته باشی، از خاطریکه بسیار سگرت میکشی.

مه هر وقت کتی (همرای) خود گوگرد داشته.

۷- موترته چی وقت (کی) تیار میکنی؟

شاید دیگه صبا تیارکنم.

تیار کردن موتر مه بسیار پول کارداره.

بسیار وقت میگیره که تیارکنمش.

تیار کردنش بسیار مشکل اس.

تیار کردنش بسیار آسان اس.

معمولا سه هفته وقت میگیره که تیارشوه.

او همیشه خودش تیار میکنه.

کریم تیار کرده نمیتانه.

چرا تیار کرده نمیتانه؟

او راجع به موتر هیچ نمیفامه.

دل‌میشه که هیچ اوره پیسه نتم.

دل‌میشه که او خانه ره بخرم.

۵- کی معمولا نان پخته‌میکنه؟

کی معمولا ده خانه تان نان پخته‌میکنه؟

مادرم معمولا نان پخته‌میکنه.

او معمولا پخته‌میکنه.

او معمولا راست میگه.

او معمولا گپ نمیزنه وقتیکه نان میخوره.

او معمولا چپ اس.

او معمولا ده (به) سرویس شار میوه.

تو معمولا چند بجه خو میشی؟

دوازده بجه.

۶- گوگرد داری؟ نی گوگرد ندارم.

کی گوگرد داره؟ اسلم گوگرد داره.

کسی گوگرد داره؟ نی هیچکس گوگرد نداره.



کالای او هیچ وقت جتل نیس.

او همیشه لباس های رنگه میپوشه . تلویزیون رنگه

کالای رنگه ره بسیار خوش داره . فیلم رنگه

لباس های رنگه بسیار خوشش می آیه .

کالای رنگه هیچ خوشتر نمی آیه .

۴- کالای نوت تبریک! بوت های نوت تبریک!

تشکر زنده باشی . دریشی نوت تبریک!

عزیز کجاس؟

عزیز امروز خانه شه رنگ میکنه - خانه خوده رنگمالی میکنه

مام (مههم) دلمیشه که خانه خوده رنگ کنم .

دلمیشه که امشو سینما برم .

دلمیشه که امشو سینما برم .

دلمیشه که امشو یک پلو بسیار خوب پخته کنم .

دلمیشه که چند دقیقه خوشوم .

دلمیشه کهبری بچه ها یک کمی شیرینی بخرم .

از رفیقم شنیدم.

دیروز شنیدم.

از رادیو افغانستان شنیدم.

از رادیو بی بی سی شنیدم.

شنیده نمیتانم. بلندتر گپ بزن.

شنیده نمیتانه بلند گپ بزن

لطفا بلند گپ بزنین گپ تانه شنیده نمیتانم.

شنیدنش مشکل اس.

مشکل اس که شنیده شوه.

۳- چي ميکنی؟

دست های مه میشویم.

دست های شه میشویه.

چرا دست های ته نمیشوئی؟

افغانها همیشه پیش از نان دست های خوده (شانه) میشوین.

کالایم (لباسهایم) چتل اس، باید بشویمش.

درس بیستم

جملات و تمرینات

۱- ای کتاب از کیس؟

ای کتاب کیس؟

ای موتر از کیس؟

ای موتر کیس؟

ای موتر از مهس.

ای موتر مهس.

از مهس.

از اوس.

از کریم اس.

از کریمهس.

از سلطان اس.

۲- از کجا شنیدی؟

از کی شنیدی؟

کی شنیدی؟

چی وقت شنیدی؟

از رادیو شنیدم.

از رفیقم شنیدم.

دیروز شنیدم.

از رادیو افغانستان شنیدم.

از رادیو بی بی سی شنیدم.

بلندتر گپ بزن.

شنیده نمیتانم.

بلند گپ بزن

شنیده نمیتانه

لطفا بلند گپ بزنین گپ تانه شنیده نمیتانم.

شنیدنش مشکل اس.

مشکل اس که شنیده شوه.

۲- چي ميکني ؟

دست های مه میشویم.

دست های شه میشویه.

چرا دست های ته نمیشوئی ؟

افغانها همیشه پیش از نان دست های خوده (شانه) میشوین.

کالایم (لباسهایم) چتل اس، باید بشویمش.

درس بیستم

جملات و تمرینات

۱- ای کتاب از کیس؟

ای کتاب کیس؟

ای موتر از کیس؟

ای موتر کیس؟

ای موتر از مهس.

ای موتر مهس.

از مهس.

از اوس.

از کریم اس.

از کریمهس.

از سلطان اس.

۲- از کجا شنیدی؟

از کی شنیدی؟

کی شنیدی؟

چی وقت شنیدی؟

از رادیو شنیدم.

اَ is the sign of an adverbial suffix, e.g.

اولاً	اول
معمولاً	معمول
عموماً	عموم
مستقيماً	مستقيم
اخيراً	اخير
سهواً	سهو
تقريباً	تقريبين
اكثراً	اکثر
اقلاً	اقل
فوراً	فوری
جداً	جدي
حقیقتاً	حقیقت
ندرتاً	ندرت

The words that take this adverbial suffix (æn) are usually borrowed Arabic terms.

## SPOKEN DARI

---

to repair, fix	təyar kdn	تیار کدن
to wash	shushtæn	شستن (شستن)
present stem	sho:y	شوی
to cook	pukhtæ kdn	پخته کدن
matches	gogerd	گوگرد
to boil	jo:sh ddn	جوش دادن
place, location, space	jay	جای
پول	pæysæ	پیسە
pocket	je:yb	جیب
jacket, coat	kurti	کرتی
Here it is!	ilynæ	اینه !
[slang]		
Take it!	begi [mæ]	بگی ! (مه)
ash tray	segret dani or	سگرت دانی
	khakestær dani	خاکستردانی
کلا	libasa	لباس ها

## SPOKEN DARI

---

### Lesson 20

color, ink, paint	ræng [kdn]	رنگ
colored, colorful	rængæ	رنگه
clothes	kala	کالا
to wear, put on	poshidæn	پوشیدن پوش
I feel like [my heart desires]	delem me:shæ	دل همیشه (که)
without	bedune	بدون
to hear	shunidæn	شنیدن
present stem	shenæw	شنو
mine	æz mæ	ازمه
his, hers	æz u	از او
whose	æz ki	ازکی
sweet	shirin	شیرین
candy, cookie	shirini	شیرینی
usually	mæ'mulæn	معمولا
generally	umumæn	عموما



سوالات پائینه لطفا جواب بتین

- ۱ - اتحاد شوروی یکدام طرف افغانستان واقع شده؟
- ۲ - تو دهقانی ره خوش داری؟
- ۳ - برادر کریم چطور یک آدم اسر؟
- ۴ - نفوس ایالت شما جقه سر؟
- ۵ - اسلم میخایه ده کجا از موتر تا شوه؟
- ۶ - پیش از رئیس جمهور داود افغانستان چه قسم مملکت بود؟
- ۷ - لطفا چهار ولایت جنوبی افغانستانه نام بگیرین.
- ۸ - برادر کریم به ( ده ) مزار چی کار میکنه؟
- ۹ - کوه های ابالاشیان به ( ده ) کدام قسمت ایالات متحده واقع سر؟
- ۱۰ - پامیر به ( ده ) کدام طرف افغانستان واقع شده ( اس )؟
- ۱۱ - شما گاهی به ( ده ) اروپا بودین؟
- ۱۲ - صدراعظم اتحاد شوروی چی نام داره؟
- ۱۳ - ایالات شمال شرقی امریکا ره نامگیرین؟
- ۱۴ - شرق و مشرق چی فرق داره؟
- ۱۵ - غرب و غربی چی فرق داره؟

بگیره. او همیشه ده خانه و زمین های خود کارمیکنه.

سلطانہ۔ فکرمیکم که او یک آدم بسیار دلچسپ اس.

اسلم۔ آن (بلی) سلطانہ جان: امشو چی وقت خانه میری؟

سلطانہ۔ شاید هفت بجه برم.

اسلم۔ موتر ته امروز آوردی؟

سلطانہ۔ بلی آوردیم.

اسلم۔ سلطانہ جان! اگهره پیش مکتب تخنیک تاکنی ازت (ازتو) بسیار

خوش میشم.

سلطانہ۔ خو، جرائی. چی فرق میکنه مه هم از او راه میروم.

اسلم۔ تشکر، خی پسان میبینیم.

سوالات -

۱- کریم بری چی مزار رفته بود؟

۲- کریم راجع به راه چی گفت؟

۳- برادر کریم به مزار چی کار میکنه؟

۴- برادر کریم چی قسم آدم اس؟

۵- سلطانہ اسلمه به کجا نامیکنه؟

مکالمه

۱۱

سلطانہ۔ اسلم؛ کریم جی وقت از مزار آمد ؟

اسلم۔ دو روز پیش آمد .

سلطانہ۔ (او) بری جی رفته بود ؟

اسلم۔ بری دیدن برادرش.

سلطانہ۔ راجع به راه (ها) چیزی (هیچ چیز) نگفت ؟

اسلم۔ نی بسیار نگفت او گفت که راه بسیار بد نیس.

سلطانہ۔ برادرش به مزارچی میکنه ؟

اسلم۔ برادر او (ش) دهقان اس، دهقانی بسیار خوشش می آیه، وقتیکه

او خرد بود، همیشه کتی (همراي) پدرش دهقانی میكد .

سلطانہ۔ او هیچ مکتب نرفته (نخوانده) !

اسلم۔ نی، او ده شار مزارشریف و کابل بسیار زمین داره، او زمین دار اس

او سه زن و تقریبا یازده دختر و بچه داره.

سلطانہ۔ مذاق میکنی ؟

اسلم۔ نی، مذاق نمیکنم راست میگو، او يك آدم بسیار پولدار اس . او

تا (تنها) ۳۵ سالهس و میخایه (که) يك زن دیگام (دیگه هم)

وقتیکه مه آدم، او اینجه نبود .

وقتیکه اینجه می آئی، باید سگرت نکشی .

وقتیکه اینجه آمدی، باید سگرت نکشی .

وقتیکه افغانستان میری، بری کل رفیق ها سلام مره بگو .

وقتیکه افغانستان رفتی، بری (به) کل رفیق ها سلام مره بگو .

وقتیکه به افغانستان رفتین، لطفا بری (به) نوشته کنین .

وقتیکه او ره دیدین، بری ش (بهاو) سلام بگوئین .

چی بسیار خوشت می آیه؟

۱۲- ای بسیار خوشم می آیه .

چرا بسیار خوشت می آیه؟

او بسیار خوشم می آیه .

آب وهوای . .

افغانستان بسیار خوشم می آیه .

فیلم های . . .

امریکا بسیار خوشم می آیه .

بزکشی . . .

مردم افغانستان بسیار خوشم می آیه .

فوتبال . . .

مردم امریکا بسیار خوشم می آیه .

موسیقی

کل مردم خوشم می آیه .

هرچیز خوشم می آیه .

همه چیز خوشم می آیه .

ده (به) زمستان بسیاری مردم ده شار زندگی میکنن .

ده تابستان بسیاری مردم ده خارج (بیرون) شار زندگی میکنن .

کریمه ده پیشروی رستوران خیبر دیدم . کوره دیدی ؟

اوره ده پیشروی قصر سفید دیدم . کریمه دیدم .

اوره ده پیشرویت ماندم . چوره ماندی ؟

۱۱- بسیاری مردم افغانستان دهقانی میکنن .

روز اول سال روز دهقان اس .

ده افغانستان روز اول ساله روز دهقان میکنن .

روز نوروز ده افغانستان روز رخصتی س .

اول حمل روز نوروز اس .

۲۱ مارچ ده افغانستان روز اول سال اس .

۲۱ مارچ (اول حمل) ده افغانستان روز نوروز اس .

۱۲- وقتیکه سرکار می آیم، همیشه اوره می بینم .

وقتیکه خانه میرم، همیشه کار میکنم .

وقتیکه نان میخوره، هیچ گپ نمیزنه .

۱- لطفا ايره واز(باز)کنين .

ايره برم (برای مه) وازکو .

ايره برم وازکو .

چرا کلکينه واز نميکني ؟

لطفا کتابتانه وازکنين .

لطفا کتابتانه بسته کنين .

لطفا دروازه ره بسته کنين .

دروازه ره بسته کو که بسیار سرد اس . دروازه بسته س .

۱۰- رئيس جمهور امريکا ده کجا زندگي ميکنه ؟

رئيس جمهور امريکا ده قصر سفيد زندگي ميکنه .

قصر سفيد ده شهر واشنگتن واقع شده (س) .

رئيس جمهور و فاميلش ده ای قصر زندگي ميکنن .

يکتعداد بسیار (زیاد) مردم افغانستان دهقان استن .

بسیاری مردم ده افغانستان دهقانی ميکنن .

بسیاری مردم افغانستان به زراعت مصروف استن .

۷- او چی کارمیکنه؟ او به حیث چی کارمیکنه؟

او به حیث مدیر کارمیکنه	کریم
او به حیث معین کارمیکنه.	برادرش
او به حیث رئیس کارمیکنه.	رفیق شما
او به حیث انجنیر کارمیکنه.	پدر رحیم
او به حیث کاتب کارمیکنه.	شما

۸- سفارت امریکا ده کجاس؟

سفارت امریکا ده کجا واقع س؟

سفارت افغانستان ده کجاس؟

سفارت امریکا ده کجا واقع شده؟

خانه شما ده کدام سړک واقع شده؟

سفارت امریکا ده سړک بی بی مهرو واقع س (شده).

قندهار (کندهار) بطرف جنوب افغانستان واقع شده.

بدخشان به شمال افغانستان واقع شده. یکی از ولایات جنوبی س.

یکی از ولایات شمال شرقی س.

هرات به غرب افغانستان واقع شده.

۶- نیویارک یک شهر بسیار پر نفوس اس.

شهر نیویارک تقریبا ۱ ملیون نفوس داره.

شهر کابل تقریبا یک ملیون نفوس داره.

توکیو هم یکی از شهرهای پر نفوس اس.

نفوس افغانستان چقهس؟

نفوس امریکا چقهس؟

نفوس اتحاد شوروی چقهس؟

نفوس افغانستان چند ملیون اس؟

افغانستان چند ملیون نفوس داره؟

۷- افغانستان تقریبا ۱۷ ملیون نفوس داره.

امریکا تقریبا ۲۱۵ ملیون نفوس داره.

ایران تقریبا ۳۲ ملیون نفوس داره.

بنگلدهش تقریبا ۷۵ ملیون نفوس داره.

اتحاد شوروی تقریبا . . . . ملیون نفوس داره.

پاکستان تقریبا . . . ملیون نفوس داره.

فرانسه تقریبا . . . ملیون نفوس داره.



اځه از ای راه بریم نزدیک میسه.

اځه از او راه بریم نزدیک میسه.

او راه ره میدانه.

ده راه خانه اوږه دیدم.

به راه مزارکتی ش (همراهی ش) گپ زدم.

ده راه جلال آباد سه چهاردفعه از موتر تا شدیم.

او هیچ تا نشد.

راه کابل تا مزارشریف بسیار خوب اس.

راه هرات و کندهار هم بسیار خوب اس.

ه- واشنگتن پایتخت امریکاس.

کابل پایتخت افغانستان اس.

تهران پایتخت ایران اس.

پایتخت افغانستان کابل اس.

داکه پایتخت بنگله دیش اس.

اسلامآباد پایتخت پاکستان اس.

پس مړه ده کجا تامیځی؟ به خیر رستوران

ده کجا تامیځی؟ به جاده میوند

ده شار نو تامیځی؟ بلو (آن)

ده سینما پارک تامیځی؟ نی ده سینما پارک تانمیځم.

ده خیر رستوران تا میځی؟ آن (بلو)

۳- آن ده خیر رستوران تانمیځم.

آن ده پیشروی سینما پارک تانمیځم.

ده شارنو تانمیځم.

ده اینجه تانمیځم.

ده اونجه تانمیځم.

ده نزدیک پوهنتون تانمیځم.

به نزدیک تعمیر ملل متحد تانمیځم.

۴- او راه بسیار دور اس.

او راه بسیار نزدیک اس.

از ای راه برو که آسان اس.

درس نژدهم

جملات و تمرينات

۱- مره اينجه تاكو.

مره اونجه تاكو.

مره ده اونجه تاكو.

مره ده اينجه تاكو.

مره اينجه تاكده ميتاني؟ بلى ميتانم.

مره اونجه تاكده ميتاني؟ نى شماره اونجه تاكده نميتانم.

قاسمه ده پوسته‌خانه تاكده ميتاني؟

مره ده پيشروى او تعمير تاكده ميتاني؟

كريمه ده پيشروى خيبر رستوران تاكده ميتاني؟

۲- نى شماره (توره) اينجه تاكده نميتانم.

آن (بلى) تاكده ميتانم.

بلى قاسمه ده پوسته‌خانه تاكده ميتانم.

نى اوږه ده اونجه تاكده نميتانم.

خى (پس) اوږه ده كجا تاميكنى؟ به شهرنو

- پس مه ده کجا تامیکنی؟ به خیر رستوران  
ده کجا تامیشی؟ به جاده میوند  
ده شار نو تامیشی؟ بلی (آن)  
ده سینا پارک تامیشی؟ نی ده سینا پارک تانمیشم.  
ده خیر رستوران تا میشی؟ آن (بلی)

۳- آن ده خیر رستوران تامیشم.

آن ده پیشروی سینا پارک تامیشم.

ده شارنو تامیشم.

ده اینجه تامیشم.

ده اونجه تامیشم.

ده نزدیک پوهنتون تامیشم.

به نزدیک تعمیر ملل متحد تامیشم.

۴- او راه بسیار دور اس.

او راه بسیار نزدیک اس.

از ای راه برو که آسان اس.

درس نژدهم

جملات و تمرينات

۱- مره اينجه تاكو.

مره اونجه تاكو.

مره ده اونجه تاكو.

مره ده اينجه تاكو.

مره اينجه تاكده ميتاني؟ بلى ميتانم.

مره اونجه تاكده ميتاني؟ نى شماره اونجه تاكده نميتانم.

قاسمه ده پوسته‌خانه تاكده ميتاني؟

مره ده پيشروى او تعمير تاكده ميتاني؟

كريمه ده پيشروى خير رستوران تاكده ميتاني؟

۲- نى شماره (توره) اينجه تاكده نميتانم.

آن (بلى) تاكده ميتانم.

بلى قاسمه ده پوسته‌خانه تاكده ميتانم.

نى اوږه ده اونجه تاكده نميتانم.

خى (پس) اوږه ده كجا تاميكنى؟ به شهرنو

## SPOKEN DARI

---

most (of)	besyare	بسیاری
a number of...	yæk tedade	بکعداد
farmer	dehqan	دهقان
when	wækhteke	وقتیکه
way, route	ra	راه
to build, make, manufacture	sakhtæn	ساختن
present stem	saz	ساز
building, n.	tæmer	تعمیر
to like (to come to someone's liking)	khushe kæse amædæn	خوش کسی آمدن
I like it. (it comes to my liking)	khushem me:ayæ	خوشم می آید
in front of	pe:shruy	پیشروی
to get off	ta shudæn	تاشدن
you are joking?	mæzaq me:kuni	مزاق میکنی؟
Soviet Union	etehade shoræwi	اتحاد شوروی
President (of a Republic)	ræ'ise jæmhur	رئیس جمهور
to name	nam geriftæn	نام گرفتن

# SPOKEN DARI

---

## Lesson 19

high, loud, tall	belænd	بلند
population	nufus	نفوس
full	pur	پر
populated	pur-nufus	پر نفوس
as (work)	bæ hæise	به حیث
to open	was[ baz ]kdn	واز (باز) کدن
to let someone or (from a car etc.)	ta kdn	تا کدن
to be located, happen	waqe 'bdn/shdn/	واقع بودن / شدن
white	sæfed	سفید
black	seyah	سیاه
The White House	qæsre sæfed	قصر سفید
capital	paitækht	پایتخت
east	shærq	شرق
west	ghærb	غرب
hand	dæ[e]st	دست

از قصه های ملا نصرالدین

---

۱- فکر بکر

يك روز ملا نصرالدین در مسجد موعظه میکند در وقت  
وعظ گفت : ای مردم خدایه شکر کنین که به شتر پر و  
بال نداده وگرنه پریده به بالای بام خانه شما می شست  
و سقف خانه به سر شما چپه میشد .

۱- قصه بالا ره نوشته کنین .

۲- شما به او وقت اگه در مسجد میبودین چه فکر میکنین ؟

۳- شما گاهی قصای راجع به ملا نصرالدین شنیدین ؟

(ضرب العثلدی- تاریخه به آب اس امید شعر اس )



عبارات مفید

به منظور

پشیمان شدم

بهر صورت

فراموش نکو!

مخلص شما

تا وقتیکه

زند مبار! - پاینده باد!

عاقبت - سرانجام

خبردار!

عزیزم! - عشق من!

ارادتمند شما

تحت رهبری

تحت اداره (نوت - شاگردان از بعضی این عبارات جملات بسازنا

به گوستان باشه) به مکالمه تلفونی)

آن يك موټر خريد م .

تبريك .

تشكر .

موټر ديگه ته جی میكنی ؟

شاید بفروشمش . میخري برت ارزان میتم .

نی تشكر ، حالی خريده نمیتانم پول ندارم .

خير س پول شه پسان بتی .

نی تشكر .

+++

دكان كتابفروشی

كریم يك خانه داره

میخایه كه خانه بفروشه .

خانه كریمفروشی س . خانه كریم بری فروش اس .

اول كریم میخواست كه خانه كرا (به) بته .

مگر حالی میفروشه .

او چی وقت آمد؟

او فقط چند رقه ( دقیقه ) پیش آمد .

او تقریبا نیم سات پیش آمد .

او وقت آمد .

او وقت آمده .

او هنوز نامده .

### مکالمه

سلامالیکم مانده نباشی؟

زنده باشی . چی حال داری؟

بدنیمس میگذره . چی وقت از جلال آبار رسیدی؟

تقریبا دو سات پیش رسیدم .

فامیلت خوب بود؟

شکر فضل خدا کل شان خوب استن . تشکر .

به جلال آبار چی گپ بود؟

هیچ .

امان گفت که تو موتر نو خریدی راست میگه؟

شما چند ساله ستین؟

او چند ساله س؟

کریمه چند ساله س؟

مه بیست و پنج ساله ستم.

نمیدانم که رفیقم چند ساله س.

برادرم بسیار جوان اس.

او سی ساله س.

کریمه بسیار جوان اس تقریبا هژده ساله س.

۱۲- مه به او گوش کدم.

تو دیشو به رادیو گوش کدی؟

نی مه هیچ وقت نداشتم که به رادیو گوش کنم.

تو چطور؟ تو گوش کدی؟

نی مام وقت نداشتم که گوش کنم.

۱۴- او ینک روز پیش رفت .

ینک روز پیش او ره دیدم.

نمیدانم فکر میکنم که ده ماه جون اونجه میرسم.

شاید ریگه ماه برسم.

نمیدانم که کی میرسم.

۱۱- کی رسیدی؟

چی وقت رسیدی؟

پیش از پنج بجه رسیدم.

امروز رسیدم.

دیروز اینجه رسیدم.

بعد از دو هفته میرسم.

بعد از سه هفته شاید برسم.

بعد از یک ماه باید برسم.

پیش از دو هفته باید برسم.

۱۲- تو چند ساله ستی؟

رفیقت چند ساله س؟

قیمت شیر هم بالا رفت. شکر

ده ای روزها قیمت هر چیز بالا میره.

ده هر جای قیمتی (inflation) س.

- کریمه خو دیدی؟ آن ( بلی ) کریمه دیدم.

رفیقو ته خو گفتم؟ آن گفتمن.

باسیکل ته خو فروختی؟ بلی فروختمش.

اونجه خو رفتی؟ آن رفتم. ( نی نرفتم )

احمد خو اونجه س؟ آن اونجه س. ( نی اونجه نیس )

شوربازاره خو دیدی؟ آن دیدم. ( نی ندیدیم )

درس نوه خو خاندین؟ آن خاندیم. ( نی نخاندیم )

۱- چی وقت افغانستان میرسین؟ یک ماه بعد میرسم.

چی وقت اونجه میرسین؟

کی به کابل میرسین؟

کی میرسی؟

اگه حالی بری کی اونجه میرسی؟

۶- هرکس درى ميدانه .

هر شخص درى ميدانه .

هرکس درى گپ زده ميتانه .

خوشبختانه هرکس درى گپ زده ميتانه .

خوشبختانه هوا امروز بسيار خوب اس .

۷- اى خانه فروشى س . اى خانه برى فروش اس .

اى خانه شخصى س .

اى موضوع شخصى س .

اى موتر برى فروش اس .

۸- بالا برو . طرف راست برو .

پائين برو . طرف چپ برو .

پائين ميرم . بالا ميرم .

ده اى ماه قيمت گوشت بالا رفت . قيمت هر چيز بالا ميرد .

بلی کل ما میویم.

کل مردم

همه مردم

بعضی مردم

بعضی امریکایی‌ها

بعضی افغان‌ها

ه- کی دری میدانه؟

کل ما دری میدانیم

هرکس - هیچکس.

بلی هرکس دری میدانه

کسی دری میدانه؟

همه ما دری میدانیم.

بلی هرکس دری میدانه

کسی دری درس میتنه؟

بلی علی دری درس میتنه

کسی دری گپ زده میتانه؟

بلی چارلی دری گپ زده میتانه.

بلی هرکس میتانه

نی هیچکس نمیتانه



زن او بسیار جوان اس. شوهر (ش)

او دو دختر جوان داره. پسر (بچه)

او دو دختر جوان يك پدر بسیار پیر دارن.

او مرد پیر دو دختر بسیار جوان داره.

دختر هایش همه جوان استن. بچه

کل دختر هایش جوان اس (استن).

ای مملکت (کشور) بسیار جوان اس.

۴- کل ما باید بریم.

اوئا کل شما باید برین.

کل شان باید برن.

باید کل ما بریم.

باید کل شان برن.

چرا کل تان نمیرین؟

کل ما میریم.

کل شان میرن.

جملات و تمرینات

۱- بعضی وقت او ره می بینم.

بعضی وقت سینما میوم.

بعضی وقت راجع به او فکر می کنم.

بعضی وقت شما راست می گین.

بعضی وقت بسیار تمبل می شم.

بعضی وقت بسیار وقت سرکار میوم.

بعضی وقت هیچ گپ نمیزنه نمیدانم چرا؟

بعضی وقت بسیارخوش اس.

۲- ای کتاب بسیار کهنه س.

ای خانه بسیار کهنه س.

ای حویلی بسیار کهنه س.

ای شار ( شهر ) بسیار کهنه س.

۳- پدر او بسیار پیر اس. مادر

پدر او بسیار جوان اس. خواهر

## SPOKEN DARI

---

ck, behind	pusht	پشت
ction of town, quarter	kartæ	کارته
use	æweli	حویلو
l	kul	کل
sell	forukhtæn	فروختن
present stem, sale	forush	فروش
for sale	forushi	فروشی
ittle, less	kæm	کم
go	pe:sh	پیش

ote:

Attached questions with 'kh' خو :

- |                                   |                           |
|-----------------------------------|---------------------------|
| 1. You are'nt busy now, are you?  | شما خو حالی مصروف نیستین؟ |
| 2. You aren't going now, are you? | شما خو حالی نمیرین؟       |
| 3. They went, didn't they?        | اونو خو رفتن؟             |

# SPOKEN DARI

---

## Lesson 18

sometime(s)	bæzi wæqt [æwqat]	بعض وقت
old, aged, also the leader a religious sect.	pir	پير
old (things)	ko:næ	كهنه
person	kæs	كس
some one, any one	kæse	كسى
person	shækhs	شخص
personal, private	shækhsi	شخصى
to arrive	ræseedæn	سيدن
present stem	ræs	س
young	jæwan	نوان
....years old	salæ	ساله
one year old	yæk salæ	ك ساله
up, above	bala	الا
down	payeen	اشين
to listen	gosh kdn	وش گدن
to teach	dærs dadæn	رس دارن

عبارات مفید

استثناء وجود نداره

باستثنای

دروازه دخول

دروازه خروج

تپله کو!

کش کو!

معاف بودن

حق ورود

بدون عوارض گمرکی

در صورت عاجل

سحرخیز

در وقت پیر آمدن

در جریان

خلاف قانون

(نوت - بعضی از عبارات بالا به شاگردان به جملات استعمال کن)

فصل هـ

يك سال چهار فصل داره. بهار ، تابستان ، خزان  
و زمستان .

حمل ، ثور ، جوزا ، فصل بهار اس.  
سرطان ، اسد ، سنبله ، فصل تابستان اس  
میزان ، عقرب ، قوس ، فصل خزان اس.  
جدی ، دلو ، حوت ، فصل زمستان اس.

سوالات

- ۱- چهار فصله به ماه های دری نام بگیرین .
- ۲- کدام فصل ، فصل محبوب شماس ؟
- ۳- چرا ؟
- ۴- کدام ماه ها به فصل بهار میابه ؟
- ۵- شش ماه اول جنتری افغانستانه نام بگیرین .
- ۶- کولدفرانت یعنی چه ؟

( ضرب العثل دری - سالی که نیکوس از بهارش پیداس . )

— راستی؟

— بلی (آن)

لطفا به انگلیسی ترجمه کنید.

۱- هر دویشر يك چیز اس فرق نمیکند.

۲- شار واشنگتن هوای بسیار گرم و مرطوب دارد.

۳- تو بسیار زیاد گپ میزنی.

۴- تابستان اینجا بسیار خشک است.

۵- آب و هوای مرطوب خوشم نمی آید.

۶- چی فرق میکند؟

۱- لطفا راجع به آب و هوای ایالت خود چند دقیقه گپ بزن.

۲- از روی معلومات تان راجع به آب و هوای افغانستان گپ بزن.

بزنین.

ای نان بسیار نرم اس .

ای گوشت بسیار نرم اس .

ای چوکی بسیار نرم اس .

ای قلم بسیار نرم کار میکنه .

### مکالمه

— آب و هوای افغانستان چطور اس ؟

— ده هر فصل فرق میکنه ، ده تابستان بسیار خشک اس و رطوبت نداره .

کابل ده تابستان بسیار گرم همیشه .

— ده زمستان چطور؟

— ده زمستان برف میاره . هوا سرد میشه بسیار سرد میشه .

— خوب اس برف و باران بری زراعت بسیار کمک میکنه .

— بلی ، البته راست میگی ، میدانم که تو از من سوتا ستی آب و هوای

ایالت من سوتا چطور اس؟

— ده من سوتا بسیار برف میاره ، زمستان من سوتا تقریبا از ماه سپتمبر

شروع میشه ، زمستان من سوتا بسیار سرد اس تقریبا هفت ماه

زمستان داریم تا ماه اپریل . تابستانش بسیار مرطوب اس .



ده کدام فصل قشنگ اس؟ ده بهار و خزان بسیار قشنگ اس.

۸- حرارت چند درجهس؟ حرارت ۳۵ درجه سانتیگراد اس.

حرارت امروز چند درجهس؟ حرارت امروز ۲۵ درجهس.

حرارت دیروز چند درجه بود؟ حرارت دیروز ۲۸ درجه بود.

درجه حرارت چند اس؟ درجه حرارت ۳۲ اس.

حرارت چند اس؟ ۶۵ درجهس.

۱- حرارت امروز تقریبا ۷۵ درجهس.

حرارت دیروز تقریبا ۶۵ درجه بود.

درجه حرارت ده هر شار(شهر) فرق میکنه.

ده خزان معتدل اس.

ده افغانستان رطوبت نیس.

آب و هوای افغانستان مرطوب نیس.

نیس

۱- ای بسیار نرم اس.

- هوای کندز چطور اس؟ هوای کندز معتدل اس.
- هوای هرات چطور اس؟ ده زمستان سرد اس و ده تابستان گرم اس.
- هوای واشنگتن چطور اس؟ بسیار مرطوب اس.
- هوای جلال آباد ده زمستان چطور اس؟

۶- ده هر فصل فرق میکنه.

- ده زمستان سرد اس.
- ده تابستان گرم اس.
- ده بهار معتدل اس.
- ده خزان هم معتدل اس.
- ده تابستان يك کمی خشك اس.

- ۷- ده کدام ماه بسیار برف میاره؟ ده ماه دلو بسیار برف میاره.
- ده کدام ماه بسیار باران میاره؟ ده ماه ثور بسیار باران میاره.
- ده کدام ماه زمستان بسیار برف میاره؟ ده ماه حوت.
- ده کدام فصل مرطوب اس؟ ده تابستان يك کمی مرطوب اس.

او يك آدم بسيار تمبل (تنبل) اس.

او يك آدم بسيار رفيق اس.

او يك آدم بسيار پولدار اس.

او يك آدم بسيار غريب اس.

او يك آدم بسيار اقتصادى س.

او يك آدم سياسى س.

امروز هوا بسيار مرطوب اس.

۴- امروز هوا چطور اس؟

هواى امروز بسيار سرد اس.

هواى امروز چطور اس؟

امروز هوا خوب اس.

هواى امروز بسيار خوب اس.

امروز هوا بسيار گرم اس.

امروز هوا بسيار سرد اس.

امروز هوا بسيار معتدل اس.

۵- آب و هواى افغانستان چطور اس؟

هواى كابل بدنيس.

هواى كابل چطور اس؟

درس هفدهم

جملات و تمرینات

۱- ده (به) کجا یادگرفتی؟

چطور یادگرفتی؟

یادگرفتنِ دري آسان اس؟

خاندن (خواندن) دري آسان اس؟

گپ زدنِ دري آسان اس؟

۲- ده امریکا یادگرفتم.

ده موسسه خدماتِ خارجه دري یادگرفتم.

ده کابل یادگرفتم.

ده اینجه یادگرفتم.

ده اونجه یادگرفتم.

بلي یادگرفتنِ دري بسیار آسان اس.

باید دري یادبگیرم.

۳- او يك آدم بسیار خوب اس.

او يك آدم بسیار دلچسپ اس.

## SPOKEN DARI

---

Note: The months of the year (Solar Calender)

		ماه های سال			
æ1	حمل	31 days	Beginning	مارچ	March 21
wr	ثور	" "	"	اپریل	April 21
wza	جوزا	" "	"	می	May 22
rætan	سرطان	" "	"	جون	June 22
æd	اسد	" "	"	جولای	July 23
ombolæ	سنبله	" "	"	آگست	Aug. 23
izan	میزان	30 days	"	سپتمبر	Sept. 23
ræb	عقرب	" "	"	اوتوبر	Oct. 23
æws	قوس	" "	"	نوومبر	Nov. 23
æddi	جدی	" "	"	دسمبر	Dec. 22
ælw	دلو	" "	"	جنوری	Jan. 21
æot	حوت	29 days (Leap year 30 days)	"	فبروری	Feb. 20

The Solar Calender is reckoned from the time of Mohammad's flight

æejræ هجره ) from Mecca to Medina (622 A.D.).

## SPOKEN DARI

---

Spring	bæhar	بهار
Summer	tabestan	تابستان
Fall, Autumn	khæzan	خزان
Winter	zemistan	زمستان
much, a lot	zeyad	زیاد
temperature	æraræt	حرارت
degree	dæræjæ	درجه
climate	ab-o-æwa	آب و هوا
to differ, make a difference	færq kdn	فرق کدن
season	fæsl	فصل
dry	khushk	خشک
	Extra vocabulary	
prediction, forecast	/pisquye/	پیشگویی
cold front	/jach hæ-e-særd/	جبهه سرد
pressure	/feshar/	فشار
wet	/tær/	تر
high, loud		بلند

# SPOKEN DARI

---

## Lesson 17

Ministry of Information and Culture	wəzaræte etla'to kæltor	وزارت اطلاعات و کلتور
Ministry of Borders	wəzaræte sər hædat	وزارت سرحدات
Ministry of Water and Electric	wazarate aab-o-bærq	وزارت آب و برق
to learn	yad geriftæn	یاد گرفتن
warm, hot	gærm	گرم
cold	særd	سرد
soft	nærm	نرم
humid	mærtub	مرطوب
humidity	rutubæt	رطوبت
moderate	mo'tædel	معتدل
to precipitate	baridæn	باریدن
present stem	bar	بار (میبارد)
snow	bærf	برف
rain	baran	باران
rain (one should)	adæm	آدم

عبارات مفید

دست زدن موقوف !

از حق ویتو استفاده‌کد (ویتوکد)

چه عیب داره چه نقص داره

بعد از شما

لطفا یاد نکنین !

اتفاقی

درحقیقت - حقیقتا

شاید چنین باشه

بنام حفیظ - موسوم به حفیظ

به مه چه ؟

احتمال نداره (نمیره)

شراب به مزاج مه نمیسازه

بسلامتی !

( نوت - شاگردان بعضی از ای عبارات انتخاب کرده به جملات استعمال

کنن )



خود

مه خودم

ما خودما

تو خودت

شما خودتان

او خودش

اونا خودشان

مثال

مه خودم راه ره یافته میتانم.

مه خودم رفته میتانم.

مه خودم گفته میتانم (ش).

نوت - شاگردان مثال بالا ره تعقیب نموده از آن جملات بسازند.

(ضرب المثل دری - بادآورده ره باد میبره.)

تمرین تلفظ (خ)

خاله - دخترک - خنده - خدیجه - بدخشان - خوک

خاله یك دختر داره.

ای دخترک بسیار شیرین اس.

نام ای دخترک شیرین خالدهس.

خالده همیشه خنده میکنه.

خاله یك دختر دیگه هم داره.

نامش خدیجه س.

مگر خدیجه مثل خالده خندان نیس.

خدیجه یك خواهرخانده داره.

نامش خیرنسا س.

خیرنسا از بدخشان اس.

خیرنسا میگه که بدخشان خوک داره.

خدیجه میگه که خواهرخاندهش راست میگه.

(مه باورنمیکنم)

خدیجه گفت که پلروز خوک همسایه خروس خواهرخاندهشه خورد.

خیرنسا دیگه خوک خوش نداره.

یا ده کتابخانه های پوهنتون کاریگیره .

عزیزه- آن (بلو) وقتیکه او بخایه کدام مشکلاتی نداره. بیخشی کریم جان

مه یک دفعه باید (باید یک دفعه) خانه تلفون کنم.

کریم- خو. مام (مه هم) باید برم. لطفا انجنیر صاحبه از طرف مه سلام بگو.

عزیزه- بچشم میگمش. بامان خدا .

کریم - بخدا سپردمت .

#### سوالات -

- ۱- کی به عزیزه چشمروشنی داد ؟
- ۲- رشته تحصیل برادر عزیزه چی بود ؟
- ۳- برادر عزیزه ۵-مرای کدام وزیر وعده داشت ؟
- ۴- انجنیر به کجا میخایه کاریگیره ؟
- ۵- برادر عزیزه از خارج زن آورد ؟
- ۶- نامش چیس ؟
- ۷- دری گپ زده میتانه ؟
- ۸- رشته تحصیلش چیس ؟

مکالمه

۱۶

کریم- عزیزه جان چشمت روشن برادرت از خارج آمد .

عزیزه- تشکر زنده باشی . چطور راستی ؟

کریم- فضل خداس . حالی چی وقت انجنیر صاحب بکار شروع میکنه ؟

عزیزه- نمیدانم امروز کتی (همرای) وزیر صاحب زراعت وعده داره . ببینیم که ده کجا کار میگیره .

کریم- فکر میکنی که ده کابل میانه ؟

عزیزه- به نظریه مه بری چند سال اول میخایه ده خود وزارت کارکنه و بعد از او شاید به یکی از ولایات بره .

کریم- راستی زنش کابله خوش داره ؟

عزیزه- هنوز چیزی گفته نمیتانم . او حالی بسیار نو اس .

کریم- فکر میکنی که زن انجنیر صاحب کار میکنه ؟ (میگیره) راستی نامش چیست ؟

عزیزه- نامش ننسوس . یک خانم بسیار شریف اس . دری هم یک کمی گپمیزنه .

راجع به کارش هیچ نمیدانم او مربوط به خودش اس .

کریم- میدانی که خانمش ده چی رشته تحصیل کده (خانده) ؟

عزیزه- فکر میکنم که به رشته کتابداری (کتابخانه) تحصیل کده .

کریم - خي میانه که ده یکی از کتابخانه های کابل مثل کتابخانه عامه کابل

شما به فاکولته ده چی رشته (رشته جی) تحصیل میکنین؟

رشته تحصیل شما چیست؟

رشته تحصیل مه زراعت اس.

رشته تحصیل مه اقتصاد زراعتی س.

او ده رشته معادن و جیالوجی تحصیل میکنه.

۱۳- لطفا ایره ترجمه کنین.

ایره ترجمه گده نمیتانم.

ترجمه ای بسیار مشکل نیس.

ده ترجمه ای بسیار مشکلات دارم.

ده ترجمه او هیچ مشکلاتی ندارم.

+++

خلیلومه ده یک پوهنتون تحصیل میکنیم.

ما هر دو از یک شهر هم استیم.

مه اوره خوب میخناسم.

زمین های افغانستان آبیاری کارداره .

امریکا همیشه به افغانستان کمک های زراعتی میکنه (میته) .

(پروژه هلمند و ارغنداب)

۱- افغانستان ۲۷ ولایت داره .

افغانستان ۱۶ وزارت داره .

ولایات افغانستانه نام بگیری .

لایغا سوال موه جواب بتین .

سوال اووه جواب بتی :

سوال اووه جواب بتی :

لطفًا تلفونه جواب بتی :

چرا جواب نمیتي ؟

تو جواب بتی مه مصروف استم .

۱۲- کریم ده ( به ) رشته اقتصاد تحصیل میکنه .

عزیز ده رشته زراعت تحصیل میکنه .

مریم ده رشته تاریخ تحصیل میکنه .

دیروز اوره دیده نتانستم.

خانه سفیر صاحب رفته نتانستم.

اوره خریده نتانستم.

چرا خریده نتانستی؟

خریده نتانستم از خاطریکه بسیار پول نداشتم.

از خاطریکه پول کافی نداشتم.

۱- تو باید از خود دفاع کنی (بکنی).

هر کس باید از خود دفاع کنه.

هر ملت باید از خود دفاع کنه.

وزیر دفاع امریکا چی نام داره؟

نام وزیر دفاع امریکا چیس؟ نام وزیر دفاع امریکا . . . س.

ده افغانستان کی وزیر دفاعس؟ ده افغانستان . . . وزیر دفاعس.

۱- افغانستان یک مملکت زراعتی س.

بسیاری مردم افغانستان به زراعت مصروف استن.

افغانستان زمین های زراعتی بسیار داره لکن آب بری زراعت نداره.

- او رئیس دافغانستان بانک اس.
- او به وزارت معادن و صنایع کارمیکه .
- او رئیس پوهنتون اس.
- او ده وزارت داخله کارمیکه .

۷- وزیر عدلیه کیس؟

کی وزیر عدلیه س؟

وزیر دفاع کیس؟

وزیر صحت عامه (صحبه) کیس؟

وزیر مالیه کیس؟

وزیر معادن و صنایع کیس؟

کی رئیس بانک اس؟

۸- کریم ای ره خنده (خوانده) نتانست (نتوانست) .

چرا خنده نتانست؟

از خالگریکه بری او بسیار مشکل بود .



۵- میتانی که امروز اوره ببینی؟

میتانه که امروز اوره ببینه؟

میتانین که امروز اوره ببینین؟

بلی میتانم که امروز اوره ببینم.

بلی میتانه که امروز اوره ببینه.

بلی میتانین که امروز اوره ببینین.

نی نمیتانه که امروز اوره ببینه.

نی نمیتانی که امروز اوره ببینی.

۶- او کیس؟

چی وظیفه داره؟

او مدیر اس.

مدیر چیس؟

مدیر بانک ملی س.

مدیر آبیاری و زراعت اس.

او سفیر امریکاس.

او معین سفارت اس.

۱- چرا نیویارک رفته نمیتانی؟

چرا ده مهمانی آمده نمیتانی؟

چرا مدیر صاحبه دیده نمیتانی؟

چرا ای کاره کده نمیتانی؟

چرا ای ره خورده نمیتانی؟

چرا اونجه رفته نمیتانی؟

۱- نمیتانم چراکه بسیار دور اس.

اونجه رفته نمیتانم چراکه موترم تیلنداره.

ای کاره کده نمیتانم ازخاطریکه بسیار مشکل اس.

مدیر صاحبه دیده نمیتانم چراکه بسیار کاردارم.

امروز دیده نمیتانم شاید صبا ببینمش.

اگه امروز دیده نمیتانش باید صبا ببینمش.

بلی میتانم.

نی نمیتانم.

درس شانزدهم

جملات و تمرینات

۱- مه میتانم.

تو میتانی.

شما میتانین.

او میتانه.

انستن 'can' - e can be used as subjunctive

اونا میتانن.

or without a subjunctive:

ان go. me:tanum burum

میتانم برم

ان go. ræftæ me:tanum

رفته میتانم [more common]

۲- مه امروز نیویارک رفته نمیتانم.

مه سباشو ده (به) مهمانی رفته نمیتانم.

مه امروز مدیر صاحبه دیده نمیتانم.

مه امشوره خانه سفیر صاحب رفته نمیتانم.

مه ای کاره کده نمیتانم.

مه ای نانه خورده نمیتانم.

سینما رفته نمیتانم.

## SPOKEN DARI

---

### GOVERNMENT MINISTRIES

Ministry of Interior	wəzaræte dakhelæ	رت داخله
Ministry of Foreign Affairs	wəzaræte omure kharejæ	رت امور خارجه
Ministry of Justice	wəzaræte ædleyæ	رت عدليه
Ministry of Finance	wəzaræte maleyæ	ارت مالیه
Ministry of Higher Education	wəzaræte təlemat-e-ali	ارت تعلیمات عالی
Ministry of Public Health	wəzaræte sehæte'mæ	رت صحت عامه
Ministry of Defense	wəzaræte defa'	رت دفاع
Ministry of Agriculture	wəzaræte zera'æt	رت زراعت
Ministry of commerce	wəzaræte tujaræt	ارت تجارت
Ministry of Planning	wəzaræte pelan	ارت پلان
Ministry of Communications	wəzaræte mukhaberat	ارت مخابرات
Ministry of Mines and Industries	wəzaræte muaden-o-sənayeh	ارت معادن و صنایع
Ministry of Public Works	wəzaræte fəwayede ammæ	ارت فواید عامه
Ministry of Education	wəzaræte təleem-o- tərbeyæ	بازارت تعلیم و تربیه

## SPOKEN DARI

---

ay hello for me	æz tæræfe mæ sælam bugo	
congratulations	cheshmet rushæn	از طرف مه سلام بگو. چشمهت روشن.
[this expression is used only to the person whose immediate member of s family returning from a journey or after a long absence]		
have an appointment, a promise	wadæ dshtn	وعدہ داشتن
province	we[æ]layæt	ولایت
pl.	we[æ]layat	ولایات
gentle, noble	shærif	شریف
's up to you	mærbut bæ shumās	مربوط به شماست
any problem, difficulty	kudam mushkelate	کدام مشکلاتی
field [of study], major	reshtæ	رشته
like	mesle, manænde	مثل مانند
public, common	m, am	عام (عامه)
answer, reply	jæwab ddn	جواب دادن
extra vocabulary		
know, recognize	/shenakhtæn/	شناختن
present stem	/shenas/	شناس

# SPOKEN DARI

---

## Lesson 16

to irrigate	abyari kdn	اری کدن
irrigation	abyari	اری
to defend	defa kdn	دیفن کدن
Ambassador	sæfir	سفير
Deputy, Deputy Minister	moyeen, mo'in	مؤين
agriculture	zera'æt	زراعت
commerce, business, trade	tujaræt	تجارت
justice	ædl, 'dl	عدالت
education	moaref, mo'ref	تربيت
Minister	wæzir	وزير
internal, interior	dakhelæ	داخله
can, to be able	tanistæn	توانستن (توانستن)
present stem	tan	تان
President, Chairman	ræ'is	رئيس
pl.	ruæsa	روسا

تعرین تلفظ (غ)

بغلان - غچی - شغنان - زغر - فولك - غولنگاره

غچی ها به بهار می آید.

غچی پرندۀ بسیار کوچک اس.

بغلان بسیار غچی داره.

شغنان هم بسیار غچی داره.

غچی زغره بسیار خوشداره.

فلامفوت يك بچه بسیار شوخ اس.

فوت يك فولك داره.

غچی هاره بافولك میزنه.

مادر فوت بسیار غمداره.

بمفوت میگو (بچم! غچی هارهنزن!)

فوت به گفت مادرش نمیکنه.

يكروز مادر فوت فولك بچه شمشكك .

فوت بسیار قارشد و ديكه فولك تیاركك .

مادر فوت به فوت ديكه غولنگاره تیارنكك

فوت به مادرش گفت: مادر جان مره بخش! ديكه غچی هارهنمیزنم .

بعضی کلمات مفرد و جمع -

<u>مفرد</u>	<u>جمع</u>
ولایت	ولایات
خبر	اخبار
مکتب	مکاتب
موضوع	موضوعات
رفیق	رفقاء
طرف	اطراف
رابطہ	روابط
حالت	حالات
وزیر	وزراء
قوہ	قواء
رئیس	رؤساء
مرض	امراض
سبب	اسباب
امر	امور



عبارات مفید

مه موهوهرست نیستم

چه قسم کتاب خوشتان میابه ؟

شما چه ذوق دارید؟ ذوق شما چیست ؟

چه روز قشنگی !

عزیزم !

راست میگم .

شرم اس - بسیار بد اس

ناوقت اس (شده) - کار از کار گذشته

سلامالیکم خانمها و آقایان !

سفر شما چگونه بود ؟

بسیار عالی بود .

ممنونم .

ما روابط خوب داریم

( نوت - شاگردان بعضی از ای عبارات انتخاب کرده به جملات

استعمال کن )

۱- از چپ به راست بخانین.

۳۵      ۴۶      ۴۰      ۷۸      ۹۰      ۸۸      ۹۹      ۲۰۰      ۱۰۰۰

۲- از راست به چپ بخانین.

هزار صد نودونه هشتادوهشت نود هفتادوهشت چهل  
چهلوشش سی و پنج

۳- از بالا به پائین بخانین.

زاغ  
دختر  
اقتصاد  
هی طرف  
مکتوب  
پوستکرمسان

۴- از پائین به بالا بخانین.

خاند منمیتانم  
مشکل اس  
خانم  
اوکتوبر  
خلق  
زمین  
مقبول  
خریدن

لطفا ای جملاته به انگلیسی ترجمه کنین .

۱- پوسته‌خانه کجاس؟

۲- از اینجه بسیار دورنیس .

۳- کریمه به ای موضوع بسیار دلچسپو داره .

۴- راستی ای یک موضوع بسیار دلچسپ اس .

۵- هر دو یک چیز اس .

۶- بلی صاحب .

۷- بلی خانم صاحب .

۸- او کتی سفیر صاحب گپ میزنه .

۹- صاحب ای موتر کیس ؟

۱۰- ای موتر صاحب نداره .

۱۱- ای سرک به کدام طرف میوه .

۱۲- راجع به ای چی فکر میکنی ؟

۱۳- لطفا راجع به پوسته و سیستم پوستی در امریکا چند دقیقه گپ بزنین :

مکالمه

عزیزه — موسی جان کجامیری؟

موسی — پوسته‌خانه‌میرم ای خطه باید راجسترکنم.

عزیزه — کجا روان میکنی؟

موسی — به ولایت کندز به پدرم.

عزیزه — از کابل تا کندز بری خط راجستر چند میگیره (میشه)؟

موسی — نمیدانم ای دفعه اول اس که راجستر میکنم. تو از فامیلت خط گرفتی؟

عزیزه — نی بسیار وقت اس که خط نگرفتیم خداکنه که خیریت باشه. مه بسیار

نگران (پریشان) استم.

موسی — انشالا خیریت اس نگران نباش. (پریشان نباش)

عزیزه — راستی دیروز پروفیسر راجع به چی گپ زد؟

موسی — موضوع لکچرش بسیار دلچسپ بود. تو چرا نامدی؟

عزیزه — نامدم چراکه بسیار کارداشتم. چی گفت؟

موسی — او راجع به معالک بیطرف و سیاست بین‌المللی بسیار گپ زد و فکرمیکنم

که بسیار دلچسپ بود.

عزیزه — راستی؟

موسی — آن. بسیار خوب لکچر بود.

۱۳ - افغانستان بی طرف اس.

افغانستان يك مملکت بی طرف اس.

هندوستان هم يك مملکت بی طرف اس.

هر دو مملکت بی طرف اس.

کدام کشور بی طرف اس؟

بعضی از کشورهای بی طرفه نامگیرین .

کشورها چرا بی طرف میانن؟

بی طرفی یعنی چه؟ لطفا تشریح کنین .

(ضرب المثل دری - بتوس از کسیکه از خدا نمیترسه)

۱۰- بری خط هوائی چند میگیره؟

بری راجستر چند میگیره؟

خط هوائی تا امریکا چند میشه؟

پوسته‌خانه کجاس؟

پوسته‌خانه دور اس؟

پوسته‌خانه چقدر دور اس؟

۱- پوسته‌خانه اونجس.

پوسته‌خانه ده اوطرف سرك اس.

پوسته‌خانه بسیار دور نیس.

پوسته‌خانه بسیار نزدیک اس.

پوسته‌خانه طرف چپ سرك اس.

پوسته‌خانه بطرف راست سرك اس.

۱- امروز هوا بسیار خوب اس.

د بیروز

هوای امروز بسیار خوب اس.

د یشو

هوای امروز بسیار خراب اس.

د بیروز

نی مه ماه یک خط نوشته میکنم .  
کم بدنیس .

۸- کی خط نوشته میکنی ؟

مه حالی بسیار مصروف استم انشالا نوشته میکنم .

مه دیگه روز یک خط روان میکنم .

انشالا سبا یک خط روان میکنم .

مه حالی بری خط نوشتن هیچ وقت ندارم .

خی چی وقت نوشته میکنی ؟

سبا نوشته میکنم .

سبا روان میکنم .

۱- خط هاره چطور روان میکنی ؟

خط هاره ده پوسته هوائی روان میکنی یا عادی ؟

خط هاره ده پوسته هوائی روان میکنم .

خط هاره راجستر میکنم .

خط هاره راجستر روان میکنم .

تقریبا يك سال ميشه كه از رفيقم خط نگرفتيم.  
تقریبا پنج ماه ميشه كه از افغانستان خط نگرفتيم.

۱- چرا خط نوشته نمیکنی؟

چرا خط نمیگیری؟

چرا خط نوشته نمیکنه؟

چرا خط روان نمیکنی؟

چرا خط روان نمیکنن؟

چرا چی گپ اس؟ نمیدانم.

۱- مه همیشه خط نوشته میكنم.

مه همیشه خط نوشته میكنم لکن او هیچ خط نوشته نمیکنه.

عزیز هیچ بری فامیلش خط نوشته نمیکنه.

فامیلش همیشه بری او خط نوشته میکنه.

او خط نوشته کدنه خوش نداره.

تو هم به فامیلت هیچ خط نوشته نمیکنی.



- ۳- بلی از رفیقم يك خط گرفتم.  
بلی از فامیلم يك خط گرفتم.  
بلی دیروز از فامیلم يك خط گرفتم.  
بلی از کریم هم يك خط گرفتم.  
بلی دیروز از افغانستان يك خط گرفتم.  
نی هیچ خط نگرفتیم.  
نی از رفیقم هیچ خط نگرفتیم.  
نی از فامیلم هیچ خط نگرفتیم.  
نی از او هیچ خط نگرفتیم.  
نی بسیار وقت میشه که هیچ خط نگرفتیم.

۴- چقه وقت میشه که از فامیلت خط نگرفتی؟ چقه وقت امرکه

- چقه وقت میشه که از رفیقت خط نگرفتی؟  
چقه وقت میشه که از افغانستان خط نگرفتی؟  
چقه وقت میشه که از امریکا خط نگرفتی؟  
چقه وقت میشه که از خانه خط نگرفتی؟

۵- تقریبا دو ماه میشه که از فامیلم خط نگرفتیم.

تقریبا يك سال ميشه كه از رفیقم خط نگرفتیم.  
تقریبا پنج ماه ميشه كه از افغانستان خط نگرفتیم.

- چرا خط نوشته نمیکنی؟

چرا خط نمیگیری؟

چرا خط نوشته نمیکنه؟

چرا خط روان نمیکنی؟

چرا خط روان نمیکنن؟

چرا چی گپ اس؟ نمیدانم.

- مه همیشه خط نوشته میکنم.

مه همیشه خط نوشته میکنم لکن او هیچ خط نوشته نمیکنه.

عزیز هیچ بری فامیلش خط نوشته نمیکنه.

فامیلش همیشه بری او خط نوشته میکنه.

او خط نوشته کدنه خوش نداره.

تو هم به فامیلت هیچ خط نوشته نمیکنی.

۳- بلی از رفیقم يك خط گرفتم.

بلی از فامیلم يك خط گرفتم.

بلی د پروز از فامیلم يك خط گرفتم.

بلی از کریم هم يك خط گرفتم.

بلی د پروز از افغانستان يك خط گرفتم.

نی هیچ خط نگرفتیم.

نی از رفیقم هیچ خط نگرفتیم.

نی از فامیلم هیچ خط نگرفتیم.

نی از او هیچ خط نگرفتیم.

نی بسیار وقت میشه که هیچ خط نگرفتیم.

۴- چقه وقت میشه که از فامیلت خط نگرفتی؟ چقه وقت امر که

چقه وقت میشه که از رفیقت خط نگرفتی؟

چقه وقت میشه که از افغانستان خط نگرفتی؟

چقه وقت میشه که از امریکا خط نگرفتی؟

چقه وقت میشه که از خانه خط نگرفتی؟

۵- تقریبا دو ماه میشه که از فامیلم خط نگرفتیم.

درس پانزدهم

جملات و تعریفات

۱- چی میکنی؟

خط نوشته میکنم.

مکتوب نوشته میکنم.

بری کی نوشته میکنی؟

به کی نوشته میکنی؟

بری پدرم نوشته میکنم.

بری فامیلم نوشته میکنم.

بری رفیقم نوشته میکنم.

به او نوشته میکنم.

- از رفیقت خط گرفتی؟

از برادرت خط گرفتی؟

از والدینت خط گرفتی؟

از افغانستان خط گرفتی؟

از امریکا خط گرفتی؟

از خانه خط گرفتی؟

پدر و مادر

## SPOKEN DARI

---

erker	kateb	کاتب
er, weather	æwa	هوا
er mail	poste æwayi	پوسته هوایی
regular mail	poste adi	پوسته عادی
register	ragistær	راجسترو
topic, matter	mæwzo	موضوع
interesting	delchæsp	دلچسپ
از خاطر بیاورید	cherake:	چراکه
es [slang]	ahn	آن
bad, broken	khærab	خراب
both	ærdo	هر دو
role	ro:l, naeqsh	رول - نقش
extra vocabulary		
to send	/ferestadæn/	فرستادن
	present stem /ferest/	فرست

(نوت - این فعل بسیار به قدرت به دری اصطلاحاً استعمال میشود)

# SPOKEN DARI

## Lesson XV

lady, woman, Miss., Mrs., wife	khanum	خانم
(term of respect), Sir, Ma'am,	sahib, sayeb	صاحب
owner [as prefix]		
to write	nāweshtæ kdn	نوشته کدن
letter, line, handwriting, lane	khæt	خط
land, ground, earth, floor	zæmin	زمین
how much	cheqæ	چقہ
how far	cheqæ dur	چقدور؟
letter [an official letter]	mæktub	مکتوب
to send	ræwan kdn	روان کدن
post office	postæ khanæ	پوستہ خانہ
ticket	tiket	تکت
postage stamp	tikete postæ	تکت پوستہ
left	chæp	چپ
right	rast	راست
side, direction	tæræf	طرف
neutral	be:tæræf	ہی طرف

کلماتی که گروه بندی شده‌اند عین معنوی در دارند.

مگر

لاکن

لیکن

ولی

اما

ازخاطریکه

چراکه

بریایکه (برای اینکه)

زیرا که

راجع به

درباره

در اطراف

در پیرامون

روی

لطفا ای جملاته به انگلیسی ترجمه کنین .

۱- امریکا به افغانستان کمک های اقتصادی هم میده .

۲- دندان کریم دردمیکنه .

۳- او ده بانک فقط پنج افغانی داره .

۴- چرا دق استی ؟

۵- او پول خوده ده بانک پر اندازنمیکنه .

۶- او یک دیپلومات اس .

۷- تو اول شروع کو .

۸- چی وقت کار نوته شروع میکنی ؟

۱- دیگه هفته شروع میکنم .

۱۰- ده ای روزها از فامیلم هیچ خط نگرفتیم .

۱۱- سفارت اووه تنها بری سه روز ویزه داد .

۱۲- او هیچ ویزه نداره .

۱۳- او پاسپورت سیاسی داره .

۱۴- او ویزه تحصیلی داره .

( ضرب المثل دری - پای خوده به اندازه گنیمت درازکو )



مکالمه

رحیمه - اسد جان کتی وظیفه جدیدت چطوراستی؟

اسد - یک کمی مصروف استم. کجامیری؟

رحیمه - میخوایم وزارت برم.

اسد - کدام وزارت؟

رحیمه - وزارت خارجه.

اسد - ده وزارت خارجه چی میکنی؟

رحیمه - پاسپورت مه میگیرم.

اسد - خارج میوی بری چی میوی؟

رحیمه - بری دیدن برادرم میرم.

اسد - به کدام کشور؟ مملکت

رحیمه - به امریکا.

اسد - او اونجه چی میکنه؟

رحیمه - او به ملل متحد به شهر نیویارک کار میکنه.

اسد - راستی؟

رحیمه - بلی او سه سال اسر که اونجهس.

اسد - ویزه (ره) چی وقت میگیری؟

رحیمه - نمیدانم شاید هزته آینده بگیرم.

اسد - خو رحیمه جان اگه ندیدیم سفری بخیر بگویش که اسد سلام گفت.

رحیمه - تشکر میگمش. بامان خدا.

اسد - خدا حافظ.

- پدرت ده کجا کارمیکنه؟ پدرم ده پوسته خانه کارمیکنه .
- رفیقت ده کجا کارمیکنه ؟ رفیقم ده وزارت زراعت کارمیکنه .
- او به کجا کارمیکنه؟ او به وزارت تجارت کارمیکنه .
- قاسم به کجا کارمیکنه؟ قاسم هم به وزارت تجارت کارمیکنه .
- بیادرت به وزارت خارجه کارمیکنه؟ نراو به وزارتخارجه کارنمیکنه .
- خواهرت ده شفاخانه کارمیکنه؟ آن (بلی) او ده شفاخانه کارمیکنه .

- ۱- افغانستان عضو ملل متحد اس .
- ملل متحد تقریبا یکصد و چهل و پنج عضو دارد .
- چین هم عضو ملل متحد اس .
- چین ده سال ۱۹۷۲ عضو ملل متحد شد .
- چین پیش از سال ۱۹۷۲ عضو ملل متحد نبود .
- روابط بین افغانستان و امریکا بسیار خوب اس .
- افغانستان و امریکا روابط خوب دارن .
- روابط بین هر دو کشور بد نیس . **ملکت**
- امریکا به افغانستان همیشه کمک میکنه .
- افغانستان از امریکا کمک میگیره .

شاید ریگه روز شروع کنم.

- ۱- ده کدام شعبه کار میکنی؟ شما  
 ده شعبه پس انداز کار میکنم. کریم  
 ده شعبه ویژه کار میکنم. خواهر کریم.  
 ده شعبه اقتصادی کار میکنم. نجیبه  
 ده شعبه سیاسی کار میکنم. تام

۱. ده کجا کار میکنی؟

- ده وزارت خارجه ده شعبه ویژه کار میکنم.  
 ده شعبه سیاسی سفارت امریکا کار میکنم.  
 ده سفارت امریکا ده شعبه سیاسی کار میکنم.  
 ده شعبه اقتصادی سفارت امریکا ده افغانستان کار میکنم.  
 ده شعبه پرانداز بانک ملی کار میکنم.  
 ده بانک ملی ده شعبه پرانداز کار میکنم.

- ۱۱- برادرت ده کجا کار میکنه؟ برادرم ده وزارت خارجه کار میکنه.  
 خواهرت ده کجا کار میکنه؟ خواهرم ده شفاخانه کار میکنه.

برادرم انجنیر اس.

برادرم پروفیسر اس.

برادرم دیپلومات اس.

- شما شروع کنین .

شما چرا شروع نمیکنین ؟

کاره چی وقت شروع میکنی ؟ کی ؟

فاکولته ره چی وقت شروع میکنی ؟

مکتبه چی وقت شروع میکنی ؟

درس نوه چی وقت شروع میکنی ؟

- سبا شروع میکنم .

دیگه سبا شروع میکنم .

دیگه ماه شروع میکنم .

دیگه هفته شروع میکنم .

دیگه سال شروع میکنم .

تو چی وقت شروع میکنی ؟

شاید دیگه هفته شروع کنم .

اکرم داکتر اس.

اکرم انجنیر اس.

اکرم داکتر چشم اس.

اکرم داکتر دندان اس.

اکرم ره وزارت امور خارجه کارمیکنه.

اکرم ره شعبه اقتصادی سفارت کارمیکنه.

اکرم ره شعبه سیاسی سفارت کارمیکنه.

۵- سرم درد میکنه. سرش

چشم درد میکنه. چشمش

دندانم درد میکنه. دندانش

پایم درد میکنه. پایش

دلم درد میکنه. دلش

۶- برادرت چی کار میکنه؟

برادرم صاحب منصب اس.

برادرم پولیس اس.

برادرم پولیس امنیتهس.

برادرم داکتر اس.

درس چهاردهم

جملات و تعریفات

۱- شما به کجا کار میکنین؟

شما چی کار میکنین؟

رفیقت چی کار میکنه؟

او چی کار میکنه؟

۲- مه ده وزارت خارجه کار میکنم. شما

تو مه ده شعبه پاسپورت کار میکنم.

او مه ده شعبه ویزه کار میکنم.

رفیقم مه ده شعبه ویزه و پاسپورت کار میکنم.

برادرم مه ده شعبه سیاسی کار میکنم.

برادرش x مه ده شعبه سیاسی کار میکنم.

پدرش مه ده شعبه امور بین المللی کار میکنم.

خودش مه ده شعبه روابط بین المللی کار میکنم.

۲- اکرم چی میکنه؟

اکرم چی کار میکنه؟

اکرم ده کجا کار میکنه؟

..pronominal suffix..

..object marker..

گفتت	تو ره (ترا) گفتم.
گفتتان .	شماره گفتم .
گفتمش .	اوره گفتم .
گفتمشان .	اوناره گفتم .
بیمارش .	اوره بیمار .
بزنش .	اوره بزن .
نزنش .	اوره نزن .
کی گفتتان .	شماره کی گفت ؟
کی روان کدش ؟	اوره کی روان کد ؟
بری مه بانس .	اوره بری مهبان .

## SPOKEN DARI

---

just, only	fæqæt	فقط
bank	bank	بانك
doctor	daktær	داكتور
economical	eqtesadi	اقتصادى
eye	chishm	چشم
tooth	dændan	دندان
affairs	omur	امور
stomach	del	دل
o.k., well	khæi	خس
country	mæmlækæt	کشور — مملکت
if	ægæ[r]	اگر
duty, job, task	wæzifæ	وظیفه
UN	melæle mutæhed	ملل متحد
نو	jædid	جدید
future, coming	ayendæ	آینده



# SPOKEN DARI

---

## Lesson XIV

member	ozw	عضو
to start, begin	shuro kædæn	شروع کردن
security force	qowæ-e æmniæ	قوه امنیه
relations	ræwabet	روابط
nation	mellæt	ملت
national	melli	ملی
international	bæynolmelælli	بین‌المللی
to save	pæsændaz kd n	پس انداز کردن
foot	pie	پای
department, section	shobæ	شعبه
to get, receive take	gereftæn	گرفتن
present stem	gir	گیر
political	siyasi	سیاسی
passport	pasport	پاسپورت
military officer	saheb mænsæb	صاحب منصب
visa	wizæ	ویزه

SPOKEN DARI

M I L I T A R Y R A N K S رتبه های صکری

General	/ster genral/	استرجنرال
Lt.General	/ dægær genral /	دگرجنرال
Maj.General	/ toræn genral /	تورن جنرال
Brigadier General	/ brid genral /	برید جنرال
Colonel	/ dægærwal /	دگروال
Lt.Colonel	/ dægærmaan /	دگرم
Major	/ Jæglæn /	جگرن
Captain	/ toræn /	تورن
Senior Captain	/ jektoræn /	جگتورن
1st.Lieutenant	/ lomlæi bredmaan, zabit sææl /	لمری برید من - ضابط اول
2nd.Lieutenant	/ doyum bredmaan /	دویم برید من
3rd.Lieutenant	/ dreyum bredmaan /	دویم برید من
Officer	/ æfsær , sahebmanæb /	افسر، صاحب منصب
Military Officer	/ sahebmanæb e æskæri /	صاحب منصب صکری
Sergeant	/ khordzabet /	خرد ضابط
Soldier, Private	/ æskær /	صکر

تمرین ماضی بعید

- جلال د پروز به شهر آمد هېود .
- به شهر آمده بود که يك موتر نو بخره .
- شريف د پشو به شفاخانه آمده بود .
- كریم آمده بود که كتی شفا گپ بزنه .
- قادر پارسال مریض شده بود .
- غنی د پروز برادرشه ندیده بود .
- مه که آدم او نا وقت نانه خورده بودن .
- هفته گذشته خانه خواهرم رفته بودم .
- قبلا همرايش گپ زده بودم .
- قبلا اوږه ندیده بودم .
- قاسمه گفتمېودم که اونجه نرو .
- چند روزېش اوږه تليفون كد هېودم .
- نانه خورده هېودېم که كريم آمد .
- او گفتمېود ، مگر مه فراموش كدم .
- يك سال پېش اوږه ديد هېودم .
- عزيزه ره دعوت كده هېودم ، مگر نامد .

تعرین ماضی قریب -

- شما گاهی به رستوران با میان رفتین؟      بلی، مه اونجه رفتیم.
- شما گاهی کتاب کاروانه خاندین؟      نی، هنوز نخاندیم.
- شما کاروانه خلاصه کدین؟      نی، هنوز خلاصه ننگدیم.
- قاسم کارشه خلاصه کده؟      بلی، او وقت کارشه خلاصه کده.
- کارل! گاهی بزکشی زهدیدی؟      نی، هیچ ندیدیم.
- لاکن دگروال صاحب دیده.

نانه خوردین؟

نی، هنوز نخوردیم.

فنی آمده؟

نی، هنوز فنی نآمده.

موتر نو قاسمه دیدی؟

نی، هنوز ندیدیم.

شما دمای او اخر از فامیل تان خط گرفتین؟

بلی، یک خط گرفتیم.

## SPOKEN DARI

---

Translate the following sentences.

1. What would you like to drink?
2. This water is not drinkable.
3. Yes, I like Afghan food very much.
4. Have you ever eaten Afghan Bolani?
5. No, But I have eaten pælæw and kəbad many times.
6. Please bring me an order of saebzi-chælæw!
7. What do you have for drinking?
8. We have tea, coffee and wine.
9. What else do you have in here?
10. Do you have fresh fish?
11. No, unfortunately, we don't have fresh fish today.
12. Really, this food is very tasteful.

### extra vocabulary

fresh	/tazæ/	تازه
fish	/mahi/	ماهی
goat	/buz/	بز
horse	/æsp/	اسب
camel	/shutur/	شتر

لطفًا به انگلیسی ترجمه‌کنین .

- ۱ - نان امریکائوره خوش داری؟
- ۲ - ای نان بسیار مزه‌دار اس.
- ۳ - همه چیز مزه‌دار اس.
- ۴ - از نان های افغانی کدام نانه بسیار خوش داری؟
- ۵ - بولانی و کبابه بسیار خوش دارم.
- ۶ - کباب خوراک چند اس؟
- ۷ - لطفًا یک خوراک کباب بیار.
- ۸ - سلاته نداریم.
- ۹ - خی چی داری؟
- ۱۰ - او هنوز اینجس.
- ۱۱ - او هنوز خو(خواب) اس.
- ۱۲ - ماهی تازه داری؟
- ۱۳ - داشتیم. مگر حالی نداریم.
- ۱۴ - بسیار تشنه‌ستم. بری نوشیدنی چیزی داری؟

مکالمه

- ... نان افغانی ره خوش داری ؟
- بلی نان افغانی ره بسیار خوش دارم.
- بولان ره گاهی خوردی ؟
- بلی مه چند دفعه خوردیم.
- بسیار خوب دیگه از نان های افغانی چیره (بسیار) خوشداری ؟
- پلو، چلو، قاهلی، کباب و بولانی ره بسیار خوش دارم.
- بولانی ره به کجا خوردی ؟
- به خانه یک رفیقم ره پغمان.
- مزهدار بود ؟
- بلی بسیار مزهدار بود . زن او بسیار خوب آشپز اس.

سوالات —

- ۱- از نان های افغانی کدام نانه بسیار خوش داری ؟
- ۲- نان (غذا) های افغانی ره نامگیرین ؟

- ازخاطریکه بسیار چتل اس.
- ازخاطریکه پاك نیس.
- ازخاطریکه بامزه نیس.
- ازخاطریکه قشنگ نیس.
- ازخاطریکه بسیار گپ میزنه.
- ازخاطریکه بسیار غالمفال میکنه.
- ازخاطریکه بسیار تنبل اس.

(ضرب العثل دری - بری کور تاریک و روشن بکچیز اس)



۸- ایره (ایره) خوش داری؟

اوره خوشداری؟

کابله خوش داری؟

امریکاره خوشداری؟

میوه ره خوش داری؟

مردم امریکاره خوشداری؟

۱- بلی ایره بسیار خوش دارم.

بلی اوره بسیار خوشدارم.

بلی کابله بسیار خوشدارم.

بلی امریکاره بسیار خوشدارم.

بلی مردم افغانه بسیار خوشدارم.

بلی نان افغانیره بسیار خوشدارم.

۱۰- نی ایره خوش ندارم.

نی اوره خوش ندارم.

چرا خوش نداری؟

ازخاطریکه بسیار کثیف اس.

چو نوش جان ميكنين ؟

قابلي برم بيار . بري مه

چلو برم بيار .

يك خوراك كباب برم بيار .

دو خوراك پلو برم بيار .

يك گيلاس او (آب) برم بيار .

قورمه برم بيار .

۶- چو بري تان بيارم ؟

چو ميخائين نوش جان كنين ؟

چو ميخائين بخورين ؟

ميخايم پلو بخورم .

ميخايم چاي بخورم .

۷- لطفاً يك خوراك كباب برم بيار .

لطفاً يك خوراك چلو برم بيار .

لطفاً يك خوراك قابلي برم بيار .

لطفاً يك گيلاس او برم بيار .

لطفاً يك گيلاس شير برم بيار .

نان امریکائی ره خوش دارین؟

بلی نان افغانی ره بسیار خوش دارم.

کبابه خوش دارم.

قابله ره خوش دارم.

چلوه خوش دارم.

پلوه خوش دارم.

آشه خوش دارم.

بولانی ره خوش دارم.

شوروا ره خوش دارم.

۴- دیکه از نان های افغانی چیره خوشداری؟

از نان های افغانی دیکه چیره خوش داری؟

کوفته ره خوش دارم.

کباب و سلاته ره بسیار خوش دارم.

کباب گوشت گوسفنده بسیار خوش دارم.

۵- چی میخورین؟

چی بری تان بیمارم؟ (بآرم)

درس سیزدهم

جملات و تمرینات

۱- بړی چای صبح چی داری؟ ا صبح چی داری؟

بړی نان چاشت چی داری؟

بړی نان شو چی داری؟

بړی خوردنی چی داری؟

بړی نوشیدنی چی داری؟

۲- تخم داریم.

شیر داریم.

چای داریم.

دای خوردی؟

نی هنوز چای نخوردیم.

چی خوردی؟ تخم جوش داده

تخم خوردم.

تخم بریان خوردم.

۳- نان افغانی ره خوش دارین؟

## SPOKEN DARI

---

Note: The ending of a verb in the present perfect tense always receives a primary stress. The endings for the simple past, on the other hand are unstressed. Study the following examples, comparing the simple past and the present perfect. You will note that except for the first person singular and the third person singular the only difference in pronunciation between the tenses is the stress on the last syllable, and sometimes you will never see a difference at all.

<u>Simple past</u>	<u>ماضي مطلق</u>	<u>Present perfect</u>	<u>ماضي قريب</u>
xandum	مه خاندم	khandé:m	مه خاندیم
xande:m	ما خاندیم	khandé:m	ما خاندیم
xandi	تو خاندی	khandí	تو خاندی
xande:n	شما خاندین	khandé:n	شما خاندین
xand	او خاند	khandæ	او خاندە
xandæn	اونا خاندن	khandæn	اونا خاندن

You should also note that the first person singular and plural in the present perfect are identical. The above changes take place only in spoken Dari.

<u>Past perfect</u>	<u>ماضي بعید -</u>
ما خاند مبودیم	مه خاند مبودم
شما خاند مبودین	تو خاندە بودی
اونا خاند مبودن	او خاندە بود

The present perfect is used to refer to an act in process through the present moment. In other words, it links up the past with the present.

I have seen that show. او نطایشه دیدیم

You have worked in this office for five years. (آن نطایش را دیده ام)

Karim has gone to school. پنج سال به ای شعبه کارکدین

کریم مکتب رفته

Certain adverbs are commonly used with present perfect

including the following:

so far, up to now

تا حالی - تاکنون

already

وقت

recently

درین اواخر - اخیرا

او وقت آمده.

دای اواخر هیچ خط نگرفته.

تا حالی اورمند بدیم.

## SPOKEN DARI

---

cook	ashpæz	اشپز
side dishes of vegetables or meat	qormæ	قورمه
meat ball	koftæ	كوفته
chicken	[goshte] murgh	گوشت مرغ
egg	tukhm	تخم
fried	beryan	بریان
beef	goshte gæw	گوشت گاو
lamb	goshte gosfænd	گوشت گوسفند
in order [of food]	yæk khorak	يك خوراك
glass	gilas	گیلاس
soup	shurwa	شوروا
an afghan dish with noodles and meat balls.	ash	اش
tasty, tasteful with flavor	mæzæe dar	مزه دار
kind of pancake stuffed with special leeks		بولانی
cover	gaye	گاهی

# SPOKEN DARI

## Lesson XIII

to bring	awordæn	وردن
present stem	ar	آر (آور)
I bring.		می‌آرم.
cooked brown rice with carrots and raisins.	qabeli	ابلی
cooked white rice	chælæw	بلو
cooked brown rice	pærlæw	لو
broiled meat	kæbab	باب
thing	chiz	چیز
eating, eatable	khordæni	خوردنی
to like	khoshdashtæn	خوش داشتن
Afghan food, Afghan dish	nane æfghani	نان افغانی
all, every	æmæ	همه
salad	sælata	سالاد
milk	shir	شیر
drinking, drinkable	noshidæni	نوشیدنی
still, yet	ænoz	هنوز



ترجمه کنین .

- ۱ - مه باید کتابخانه برم .
- ۲ - او چارمتر تکه کار داره .
- ۳ - او همیشه بعد از نان سگرت میکشه .
- ۴ - تا کریمه نبینم از اینجه نمیرم .
- ۵ - او شاید حالی خانه نباشه .
- ۶ - لطیف د پیروز به طیاره آمد .
- ۷ - شما چطور شما هم به طیاره آمدین ؟
- ۸ - چند دقیقه پیش او بسیار خوش بود مگر حالی بسیار دقاس .
- ۹ - یک کیلو چای کاردارم .
- ۱۰ - اشرف سگرته ایلاکد .
- ۱۱ - چای کیلوی چند اس .
- ۱۲ - ده افغانستان سیستم متریک استعمال میشه .
- ۱۳ - کریم حتما باید سرکار بره .
- ۱۴ - چند شو ده مزار میمانی ؟
- ۱۵ - شاید سه شو اونجه بمانم .

(ضرب المثل دری - برگ سبز است و تحفه درویش)

مکالمه

هاشم — نجیبه چقهوقت اسر که سگرت میکشی؟

نجیبه — تقریبا چارسال میشه.

هاشم — برادرت گفت که تو سگرته ترک میتی راست میگه؟

نجیبه — بلی فکر میکنم که او راست میگه. لاکن حالی ترک نعیمت شاید  
پسان ترک بتم. تو چطور؟

هاشم — مه هم باید ترک بتم. میدانم که سگرت کشیدن بری مه خوب نیس.

نجیبه — راستی چی وقت هرات میری؟

هاشم — نمیدانم شاید روز جمعه برم.

نجیبه — به چی میری؟

هاشم — شاید ده طیاره برم.

نجیبه — چقهوقت به هرات میطانی؟

هاشم — تنا بری یک هفته میمانم.

نجیبه — هاشم جان مه باید برم پسان میبینیم بامان خدا.

هاشم — بخدا سپردمت.

از اینجا تا خانه تان چطور میری؟

ره چی میری؟

چطور میری؟

از خانه تا اینجا چطور آمدی؟

ره چی آمدی؟

۱- از اینجا تا فلوریدا ره موتر میرم.

از اینجا تا افغانستان به طیاره میرم.

از اینجا تا خانه به تکسی میرم.

به طیاره میرم.

ره تکسی میرم.

به موتر میرم.

۱۵- تا سبا میبینیم. سبا میبینیم

تا فرا میبینیم.

تا روزجمعه میبینیم.

انشالا میبینیم.

خداکله.

۱۶- شما چقه وقت ره افغانستان میمانین؟

شما چندسال ره افغانستان میمانین؟

تو چندسال ره امریکا میمانی؟

اونا چندسال ره اونجه میمانن؟

خدا میدانه.

۱۷- نمیدانم شاید دوسال ره افغانستان بمانم.

شاید بری بسیار سال اینجه بمانم.

شاید بری سه سال اونجه بمانم.

۱۸- از اینجه تا فلوریدا چطور میری؟

از اینجه تا افغانستان چطور میری؟

- ۱۲- شما چی وقت سرکار میرین؟ جان  
 تو چی وقت سرکار میری؟ برادرت  
 او چی وقت سرکار میره؟ کریم  
 اونا چی وقت سرکار میرن؟ قاسم

- ۱۳- شاید ا بجه سرکار برم.  
 شاید ده بجه سرکار برم.  
 شاید یازده بجه سرکار برم.  
 شاید هیج سرکار نرم.  
 شاید هیج سرکار نره.

- ۱۴- باید خانه برم. شما  
 باید نان بخورم. او  
 باید او ره بگویم. رحیم  
 باید کتابخانه برم. تو  
 باید کتی او گپ بزئم. رفیقم  
 باید موتر نو بخرم. اونا  
 باید سگرته ترك بتم.  
 باید شراب نخورم.

۱۴- تا سبا میبینیم. سبا میبینیم

تا فردا میبینیم.

تا روزجمعه میبینیم.

انشالا میبینیم.

خداکه.

۱۶- شما چقهوقت ده افغانستان میمانین؟

شما چندسال ده افغانستان میمانین؟

تو چندسال ده امریکا میمانی؟

اونا چندسال ده اونجه میمانن؟

خدا میدانه.

۱۷- نمیدانم شاید دوسال ده افغانستان بمانم.

شاید بری بسیار سال اینجه بمانم.

شاید بری سه سال اونجه بمانم.

۱۸- از اینجه تا فلوریدا چطورمیری؟

از اینجه تا افغانستان چطورمیری؟

- ۱۲- شما چی وقت سرکار میرین؟ جان  
 تو چی وقت سرکار میری؟ برادرت  
 او چی وقت سرکار میره؟ کریم  
 اونا چی وقت سرکار میرن؟ قاسم

- ۱۳- شاید ا بجه سرکار برم.  
 شاید ده بجه سرکار برم.  
 شاید یازده بجه سرکار برم.  
 شاید هیچ سرکار نرم.  
 شاید هیچ سرکار نره.

- ۱۴- باید خانه برم. شما  
 باید نان بخورم. او  
 باید اوره بگویم. رحیم  
 باید کتابخانه برم. تو  
 باید کتی او گپ بزنی. رفیق  
 باید موتر نو بخرم. اونا  
 باید سگرتہ ترک بتم.  
 باید شراب نخورم.

i - چرا دق استی؟

ازخاطریکه بیادرم (برادرم) مریض اس.

تو چرا دق استی؟

ازخاطریکه امروز سگرتہ ترک دادم. (ایلاکدم- بس کدم)

دق نیستم خوش استم.

او چرا خوش اس؟

ازخاطریکه خوش اس.

۱۰ - چندپاو کارداری؟

چند کیلو کارداری؟

چند متر کارداری؟

چندتا کارداری؟

دو کیلو کار دارم.

پنجاه گرام کاردارم.

نیمکیلو کاردارم.

۱۱ - یک پاو کاردارم.

یک کیلو کاردارم.

یک بسته کاردارم.

تنا (تنها) دو متر کاردارم.

سه و نیم پاو کاردارم.

بسیار کاردارم.



تو هم همیشه خوش استی .

شما همیشه خوش استین .

او هیچ خوش نیست .

۷- او بسیار خوش اس .

کریم هم بسیار خوش اس .

تو بسیار خوش استی .

ما بسیار خوش استیم .

او يك فامیل بسیار خوش داره .

۸- او خفص .

او دق س .

او خوش نیست .

او چرا دق اس ؟

او چرا خوش نیست ؟

از خاطریکه از فامیلش دور اس .

از خاطریکه پشت فامیلش دق اس .

- ۴- چقه وقت اس که اینجه ستین؟  
چقه وقت اس که سگرت میکشین؟  
چقه وقت اس که فامیل تانه ندیدین؟  
چقه وقت میشه که اینجه ستین؟  
چقه وقت میشه که از فامیل تان دور استین؟  
چقه وقت میشه که در امریکاستین؟  
چقه وقت میشه که او ره ندیدین؟  
چقه وقت میشه که افغانستان نرفتین؟

- ۵- یک ماسر که اینجه ستیم.  
یک سال اس که اینجه ستیم.  
تقریبا سه سال اس که فامیل مه ندیدیم.  
هفت سال میشه که اینجه ستیم.  
شش ماه میشه که از فامیل دور استیم.  
پنج ماه میشه که ره امریکاستیم.

۶- او خوش اس.

او همیشه خوش اس.

کریم همیشه خوش اس.

درس دوازدهم

جملات و تعریفات

۱- تو همیشه سگرت میکشی .

او همیشه سگرت میکشه .

کریم همیشه سگرت میکشه .

مه هیچ سگرت نمیکشم .

قاسم هم سگرت نمیکشه .

۲- روزی چند (دفعه) سگرت میکشی ؟

او روزی چند دفعه سگرت میکشه ؟

علی روزی چند دفعه سگرت میکشه ؟

شما روز چند دفعه سگرت میکشین ؟

۳- مه روزی دو (دفعه) سگرت میکشم .

مه روزی دودفعه اوره میبینم .

مه روزی دودفعه نان میخورم .

## SPOKEN DARI

---

### Imperative

#### فعل امر

<u>Imperative Positive</u>		<u>Imperative Negative</u>	
go!	برو!	don't go!	نرو!
eat!	بخو(ر)!	don't eat!	نخو(ر)!
come here!	اینجه بیا!	don't come here!	اینجه نیا!
tell!	بگو!	don't tell!	نگو!
buy!	بخر!	don't buy!	نخر!
read!	بخان (بخوان)!	don't read!	نخان (نخوان)!
hit!	بزن!	don't hit!	نزن!
give him!	بتیش!	don't give him!	نتیش!

As you see in the above examples, we simply get a negative imperative by replacing ب to ن.

to quit [colloq.], stop	eyla kdn    ایلاکدن — بس کدن
metric system	system-e-metrik    سیستم متریک
to need	zærunæt dashtæn    ضرورت داشتن

## SPOKEN DARI

---

go back                      پس برو .

do not cry                      کریمه نکو .

to eat                      خوردن , present stem                      خور , imperative 'بخو'

to go                      رفتن , present stem                      (رو) برو! , imperative

to drink                      نوشیدن , present stem                      نوش , imperative 'بنوش'

to do                      کدن , present stem                      کن , imperative 'بکو'

'to have' has a special form in the subjunctive:

I should have.    mæ bayæd dashtæ bashum                      ما باید داشته باشیم .

He should have.    u bayæd dashtæ bashæ                      او باید داشته باشد .

They should have.    una bayæd dashtæ bashæn                      او نا باید داشته باشند .

ما باید داشته باشیم .

تو باید داشته باشی .

شما باید داشته باشید .

once, one time	yæk dæfæ	أندفعه
a few time, several times, how many times?	chænd dæfæ	بند دفعه
happy, glad	khosh	نوش
unhappy, sad	deq	ق.
on, in, by [colloq.]	dæ	ه (در)
airplane	tæyaræ	طیاره

Grammar Note: Subjunctive

Subjunctive verb forms are made in Dari by changing the می of the present verb forms to ب , as: میوم برم

Subjunctive verb forms are required after certain verbs or particles such as باید or شاید :

I go home.      مه خانه میوم	I should go home.      باید خانه برم.
He goes home.      او خانه میره	He should go home.      باید خانه بره
They go home.      اونا خانه میون	They should go home.      تا باید خانه بون

Grammar Note: Imperative

The imperative is formed from the subjunctive form with the verb ending dropped altogether:

buy that dictionary.      او دکشینری ره بخر!

come here      اینجا بی!

## SPOKEN DARI

---

### Lesson XII

how long, how much time	chiqæ wæqt	چقدوقت
always	æme:shæ	همیشه
package, shut, closed, up to	bæstæ	بسته
to smoke	segrit kæshidæn	سگرت کشیدن
0.975 pounds [unit of weight]	pæw	پاو
to quit, leave	tærk ddn [kdn]	توک دادن / کردن
meter [a unit of measurement]	meter	متر
should, must	bayæd	باید
may, might, perhaps	shayæd	شاید
must, definitely	hætmæn	حتما
at work	særekar	سرکار
until, to, in order to, unless	ta	تا
to remain, put, place, stay	mandæn	ماندن
present stem	man	مان
	ban [in imperative cases]	بان

تمرین تلفظ (غ - ق - خ)  
||

خارج - بلخ - غوث - غزل - قره‌قل - قار - زرغونه

خالد از بلخ اس.

خالد اسال خارج ميره.

کی گفت؟

خالد خودش مره گفت.

غلام‌غوث محصل اس.

غالمغاله خوش نداره.

لاکن غلام‌غوث غزله بسیار خوش داره.

بعضی وقت زرغونه بری او غزل میخانه.

قادر بسیار گوسفند قره‌قل داره.

گوسفند قره‌قل بسیار قیمت اس.

پارسال بعضی از گوسفند هایش مرد.

قادر سرچویان خود بسیار قارشد.



لظفا به انگلیسی ترجمه‌کنین .

- ۱- افغانستان ېک مملکت بسیار دلچسپ اس.
- ۲- روزنامه امروزه داری ؟
- ۳- تاریخ امریکا بسیار دلچسپ اس.
- ۴- برادرش مریض بود و حالی ده شفاخانسر.
- ۵- دیشو چندبجه خو شدی ؟
- ۶- هرروز که می‌آیم اوره میبینم .
- ۷- جورج راجع به تاریخ افغانستان بسیار میدانه .
- ۸- خود نجیبه (نجیبه خودش) به شفاخانه کارمیکنه .
- ۹- بعداز او کجارتی ؟
- ۱۰- پیتراز او کجا بودی ؟
- ۱۲- او به اقتصاد دلچسپی داره .



(ضرب العثل دری - کل اگر طهبیب بودی، سرخود دوا نمودی)

مکالمه

رشید - شما امروز بسیار مانده‌ستین چرا؟

کریمه - مه دیشو هیچ خو نشدم. (نکدم)

رشید - چرا خونشدین؟ چی گپ بود؟

کریمه - برادرم یک‌کمی مریض بود -

رشید - چرا مریض بود؟ مه متاسف استم.

کریمه - نمیدانم. او دفعتا مریض شد -

رشید - حالی کجاس؟ به خانم؟

کریمه - نی خانه نیس به شفاخانمر.

رشید - چی وقت خانه می‌آیه؟

کریمه - سبا خانه می‌آیه.

رشید - انشالا خوب میشه نگران نباشین.

کریمه - تشکر. لطف میکنین.

او چی میخایه؟

اونا چی میخاین؟

چی میخائی؟

چی میخایه؟

هیچ . ۱۳ -

هیچ نمیخایه . هیچ چیز نمیخایه .

او تنا (تنها) گپ میزنه . فقط

کریه هرشو ناوقت خومیشه .

لاکن . دیشو وقتتر خوشد .

رحیم هیچ وقت پیش از ۲ بجه خونمیشه .

شما چطور؟

شما هم بعد از ۲ بجه خومیشین؟

بعداز او به شهر میوم.

بعداز او به موترم تیل میخرم.

بعداز او خانه می آیم.

بعداز او شطاره می بینم.

بسیار مصروف استی.

۱۱- چی میخائی؟ (میخواهی)

یک کمی جای میخایم.

یک کمی او (آب) میخایم.

یک کمی کمک میخایم.

یک موتر خوب میخایم.

یک دکشینری دری میخایم.

۱- تو چی میخائی؟

کریم چی میخایه؟

رفیقت چی میخایه؟

مه به تاريخ بسيار دلچسپي دارم. رحيم  
 مه به تاريخ افغانستان بسيار دلچسپي دارم. او  
 مه به تاريخ مردم امريكا بسيار دلچسپي دارم. كريمه  
 مه به سياست يك كمی دلچسپي دارم. بلقيس  
 مه به اقتصاد هم يك كمی دلچسپي دارم. وسيمه

۱- او راجع به تاريخ افغانستان بسيار ميدانه.  
 او راجع به مردم بسيار ميدانه.  
 او راجع به مردم هيچ نميدانه.  
 او راجع به تاريخ امريكا يك كمی (کم کم) ميدانه.  
 او راجع به اقتصاد امريكا بسيار ميدانه.

۱۰- تو امروز چي ميکني؟ کجاميري؟  
 مه امروز بسيار کار دارم.  
 اول وزارت خارجه ميرم، بعداز او سفارت ميرم.  
 بعداز او چي ميکني؟  
 بعداز او کجاميري؟  
 بعداز او به شفاخانه بري ديدن رفيقم ميرم.

ده (در) کدام وزارت کارمیکنه؟

ده وزارت خارجه کارمیکنه.

خواهرش ده کجا کارمیکنه؟

خواهرش ده شفاخانه کارمیکنه.

شفاخانه به خانه‌شان نزدیک اس.

پیش از پنج بجه شماره میبینم.

پیش از نان چاشت شماره میبینم.

پیش از خانه رفتن شماره میبینم.

پیش از خریدن اول کتی شما گپ میزنم. همرای

پیش از خریدن اول امتحان میکنم.

پیش از رفتن به افغانستان اول جرمنی میروم.

پیش از او خانه رفتم.

مه به روزنامه بسیار دلچسپی دارم.

مه به روزنامه های افغانی بسیار دلچسپی دارم.

مه به روزنامه های امریکائی بسیار دلچسپی دارم.

۳- تو دیشو چندبجه خوشدی؟

کریم دیشو چندبجه خوشد؟

شما دیشو چندبجه خوشدین؟

او دیشو چندبجه خوشد؟

۴- مه دیشو يك بجه خوشدم.

کریم دیشو تقریبا يك بجه خوشد.

او دیشو یازدهبجه خوشد.

گلالی دیشو ده بجه خوشد.

۵- مه هرروز وقت (تر) به کار میرم ومیروم.

مه هرشو وقت (تر) خانه می‌آیم.

مه هرروز وقت وزارت میرم.

مه هرصبح وقت جای میخورم.

۶- کریم به کجا کارمیکنه؟

کریم به وزارت کارمیکنه.

درس یازدهم  
جملات و تمرینات

ما	به هرروز کار میکنم.
تو	به هرشو کار میکنم.
شما	به هر هفته کار میکنم.
او	به هر سال کار میکنم.
رشید	به هر دقیقه کار میکنم.
فرید	به هر ساعت کار میکنم.

- تو هرشو چند بجه خومیشی؟
- به هرشو دوازده بجه خومیشم.
- او هرشو یازده بجه خومیشه.
- نجیه هرشو ده ونیم بجه خومیشه.
- ما هرشو یازده بجه خومیشیم.
- اونا هرشو دوازده بجه خومیشن.



## SPOKEN DARI

---

5. ær--ke is translated -ever in phrases such as whatever, whoever, etc.:

whatever,	ær chizike:	هرچیزیکه
whenever	ær wæqteke:	هروقتیکه
whoever	ær kəsike:	هرکسیکه
whatever day	ær rozike:	هرروزیکه
whatever month	ær mayike:	هرماهیکه
whatever year	ær salike:	هرسالیکه

### مثال‌ها -

- ۱- هرچیزیکه او می‌گه، کریم‌هاور می‌کنه .
- ۲- هرچیزیکه شما می‌گین، کریم نمیدانه .
- ۳- هرچیزیکه می‌گی، اول فکرکو .
- ۴- هروقتیکه شماره‌می‌بینم، شما کار می‌کنین .
- ۵- هروقتیکه کریمه تلفون می‌کنم، تلفونش مصروف امر .
- ۶- هرکسیکه شماره گفت، درست نیس .
- ۷- هرکسیکه ده کتابخانه گپ می‌زنه، خوب کار نمی‌کنه .
- ۸- هرروزیکه او ره می‌بینم، همراهی سگش قدم می‌زنه .

( نوت - به‌شاگردان وظایف خانگی داد مشود تا این تمرین‌را بخوبی بلد شوند )

The Uses of Ke      ک

This term has a variety of functions with different English Translations.

1. It is translated as 'that' in verbs such as 'He said that.....', 'I think that', 'I know that....' etc.

I know that you are from Kabul.      میدانم که شما از کابل استین .

You said (that) "The book is very expensive".

شما گفتین که کتاب بسیار قیمت اس .

2. It introduces relative clauses and is translated 'who', 'which', or 'that'.

The boy who went to Mazar yesterday was my friend.

بچه که دیروز مزار رفت رفیقم بود .

3. It may mean 'in order to', 'because' or 'for' when used after a v

I went in order to to see him.

رفتم که او ره ببینم .

Buy this car because it is inexpensive.

ای موتره بخر که ارزان اس .

I am not going out because it is raining.

بیرون نمیرم که باران میاره .

4. It may mean 'when' in some cases.

When I came they had gone.

مه که امدم اونا رفتهبودن .

++++

کریم گفت که ای موتر بسیار قیمت اس .

رادیو گفت که امروز هوا بسیار سردمیشه .

مردی که گپ میزنه خارجی س .

دختری که شما دیدین بسیار هوشیار اس .

افغانها میکن که اونا حکومت خلقی دارن .

## SPOKEN DARI

---

politics, policy	seyasæt	سیاست
history	tarikh	تاریخ
economic, economy	eqtesad	اقتصاد
to want, desire	khastæn	خواستن
present stem	khay	خای (خواه)
I want.	me:khayum	من خایم (می خواهم)
people	mærdum	مردم
sick, ill	mæriz	مریض
Foreign Ministry, State Dept.	wæzaræte kharejæ	وزارت خارجه
to translate	tærjumæ kdn	ترجمه کردن
suddenly, all of a sudden	dæf tæñ	دفعتا
late [time]	/na wæqt/	ناوقت

# SPOKEN DARI

## Lesson XI

sleep	khæw	خو
to sleep, to go to sleep	khæw shudæn	خو شدن (گدن)
after	bad æz	بعد از
before	pishæz	پیش از
hospital	shæfakhanæ	شفاخانه
ministry	wæzaræt	وزارت
earlier	wæq[kh]tær	وقت تر
every, each	hær;ær	هر
every day	ær roz	هرروز
every night	ær shæw	هرشو (شب)
every morning	ær sob	هرصبح
every week	ær æftæ	هرهفته
a little, slightly, little by little	kæm kæm	کم کم
newspaper	roznamæ	روزنامه
to be interested	dilchæspi dashtæn	دلچسپی داشتن

## روز های هفته

يك هفته هفت روز اس شنبه ، يكشنبه ، دوشنبه ، سه شنبه  
چهارشنبه ، پنجشنبه و جمعه .

در افغانستان روز های جمعه و نصف روز های پنجشنبه  
روز های تعطیل اس. ادارات حكومتی ، بانك ها ، مكاتب و مدارس همه  
به روزهای جمعه بسته میاشه . مردم ای روزهاره به كار های شخصی  
خود سپری كده و بعضی ها به تفریح و هواخوری ویا میله میرن . یعنی  
مامورین حكومتی هفته پنج ونیم روز كار میكنن و روز شنبه روز اول هفتس .

به سوالات پائین جواب بتین

- ۱- روزهای هفتیره نا پگمیرین !
- ۲- در امریکا ، مامورین حكومتی هفته چند روز كار میكنن ؟
- ۳- در امریکا ، روز اول هفته ، كدام روز اس ؟
- ۴- شما به روزهای شنبه و يكشنبه كه روزهای آخر هفتس  
چه میكنین ؟

(ضرب المثل دری - با يك گل بهار نمیشه)

تعرین تلفظ (خ)

۱۰

خدبجه - خارج - پولوتخنیک - تاریخ

خدبجه به وزارت خارجه کارمیکه.

خدبجه از واخان اس.

خلیل ده پولوتخنیک تحصیل میکه.

خلیل از تخار اس.

خالد تاریخ میخانه.

خالد از بلخ اس.

بلخ نام یک ولایت اس.

تاریخ بلخ بسیار دلچسپ اس.

واخان ده بدخشان اس.

بدخشان نام یک ولایت اس.

۱- خدبجه از کجاس؟

۲- خلیل ده کجا تحصیل میکه؟

۳- خالد از کجاس؟

۴- خالد چی میخانه؟

ترجمه‌کنین

- ۱- مه دیشو به مهمانی رفتم.
- ۲- تقریبا ۴ (چهار) ساعت ده (ر) اونجه بودم.
- ۳- خواهر کریم دیروز از رخصتی آمد.
- ۴- او ده اروپا تحصیل میکنه.
- ۵- برادر کریم هم به اروپا تحصیل میکنه، محصل انجینیری س.
- ۶- حالی پوره چهار بجس.
- ۷- امروز چند شنبهس؟
- ۸- ایالات متحده ده امریکای شمالی س.
- ۹- چند بجس؟
- ۱۰- ده کم یک.
- ۱۱- ده دقیقه به یک مانده.

مکالمه

اشرف - سلامالیکم چی حال اس رحیمه جان؟

رحیمه - خوب استم تو چطور استی؟

اشرف - بدنیس کجا بودی؟

رحیمه - خانه بودم. سباشو به مهمانی کریم می ائی؟

اشرف - مه می ایم لکن خانم نمی آیه.

رحیمه - چرا خانم نمی آیه؟

اشرف - نمی آیه از خاطریکه برادرش دیشو ازخان آمد.

رحیمه - راستی؟

اشرف - تو چطور رحیمه جان تو به دعوت می ائی؟

رحیمه - مه می ایم لکن پسان.

اشرف - خی سباشو به مهمانی می بینیم.

رحیمه - بلی حالی بامان خدا.

اشرف - بخدا سپردمت.



وقتیکه می‌آدم او ره ده سرویس (بسر) دیدم .

وقتیکه خانه میرفتم او ره دیدم .

وقتیکه نان میخوردم یوسف آمد .

وقتیکه اونجه بودم او ره ندیدم .

وقتیکه نان میخوره هیچ‌گپ نمیزنه .

۲۳- کریم ده پوهنتون میرلند تحصیل میکنه .

برادرش هم به او پوهنتون تحصیل میکنه .

اول کریم ده پوهنتون کابل تحصیل میکنه .

حالی او بری ماستری خود کار میکنه .

او لیسانس خوده از پوهنتون کابل گرفت .

رشته تحصیل او انجنیری س .

۲۰- کی می آیه ؟

چی وقت می آیه ؟

کتی (همرای) کی می آیه ؟

روز سه شنبه می آیه .

روز جمعه می آیه .

سبا می آیه .

کتی رفیقم می آیه .

۲۱- کتی کی می آئی ؟

کتی رفیقم می آیم .

کتی کریم می آیم .

کتی او می آیم .

۲۲- او دیروز بسیار گشنه (گرسنه) بود .

او پول نداشت که نان بخره .

ایهفته تنها يك روز رخصتی داریم.

دیگه هفته دو روز رخصتی داریم.

به ای ماه هیچ رخصتی نداریم.

ده ای هفته تنها يك روز رخصتی داریم.

کریم ده ای ماه هیچ رخصتی نداره.

۱۱ - برادرت از کجا می آیه؟

از امریکا می آیه.

از خارج می آیه.

از کالیفورنیا می آیه.

از کابل می آیه.

از فرانسه می آیه.

از جرمنی می آیه.

از بدخشان می آیه.

سبا پنجشنبهس.

دیگه سبا یکشنبهس.

سبا جمعهس.

فردا یکشنبهس.

۱۷- دیروز چند شنبه بود؟

دیروز شنبه بود.

دیروز یکشنبه بود.

دیروز دوشنبه بود.

دیروز سهشنبه بود.

دیروز چارشنبه بود.

دیروز پنجشنبه بود.

۱۸- ای هفته چندروز رخصتی داریم؟

تنها (فقط) یک روز رخصتی داریم.

۱۴- چرا دعوت (مهمانی) داده؟

میته

از خاطر بیاورید که برادرش از خارج می‌آید.

از خاطر بیاورید که بچه‌اش از رخصتی می‌آید.

۱۵- امروز چندشنبه است؟

امروز شنبه است.

امروز یکشنبه است.

امروز دوشنبه است.

امروز سه‌شنبه است.

امروز چهارشنبه است.

امروز پنجشنبه است.

امروز جمعه است.

۱۶- سبا چندشنبه است؟

سبا سه‌شنبه است.

۱۲- چی وقت رخصتی س؟

رخصتی چی وقت اس؟

کی رخصتی س؟

رخصتی کی اس؟

سبا رخصتی س.

دیگه سبا رخصتی س.

دیگه هفته رخصتی س.

۱۳- مهمانی ده کجاس؟

دعوت ده کجاس؟

مهمانی ده شهرنو اس.

دعوت ده خانه شان اس.

دعوت ده هوتل کابل اس.

دعوت به هوتل انترکانتننقل اس.

۱- امشو (امشب) شب چند شنبهس؟

امشو شب سه شنبهس

امشو شو پنج شنبهس.

امشو شو جمعهس.

امشو شو شنبهس.

۱- مه امشو دعوت مېتم. مهمانی

ما امشو مهمانی دارېم.

او سباشو دعوت داره .

شما سبا دعوت دارېن .

اونام (اوناهم) سباشو دعوت دارن .

کرېم هم ريگه هفته دعوت داره .

۱۱- مهمانی ده کجاس؟

دعوت به کجاس؟

به هوتل کابل اس.

ده خانه خواهرم اس.

۱- چند بجس؟

بیست دقیقه به هشت مانده.

پانزده دقیقه به دو مانده.

پنج دقیقه به دوازده مانده.

سه دقیقه به یک مانده.

۲- دعوت کی اس؟

مهمانی کی اس؟

دعوت چی وقت اس؟

کی دعوت داره؟

۱- دعوت سباشو اس.

مهمانی سباشو اس.

سباشو دعوت اس.

سباشو مهمانی س.

دعوت نه بجس.

مهمانی نه بجس.

سباشو به خانه برادرم مهمانی س.



۳- سه دقیقه از يك گذشته . تر تیرشده

پنج دقیقه از دو گذشته .

ده دقیقه از سه گذشته .

پانزده دقیقه از چار گذشته .

بیست و پنج دقیقه از پنج گذشته .

۴- پنج دقیقه از هفت تیرشده . گذشته

ده دقیقه از هشت تیرشده .

پانزده دقیقه از نه تیرشده .

تقریبا یازده دقیقه از دوازده تیرشده .

تقریبا بیست دقیقه از يك تیرشده .

۵- چند بجهس؟ پانزده کم یازده

پنج و پانزده . بیست کم يك

يك و بیست پنج کم سه

سه و نیم ده کم چهار

درس دهم

جملات و تمرینات

۱- چند بجهس؟

سات (ساعت) چند بجهس؟

حالی چند بجهس؟

سات تان چند بجهس؟

۲- يك بجه س.

دو بجهس.

يك و نيم بجهس.

سهونيم بجهس.

پازده و نيم بجهس.

پوره يك بجهس.

حالی پوره يك بجهس.

حالی يك و پانزده دقيقهس.

پازده و نيم بجهس.

## SPOKEN DARI

---

Note. Whenever we add the present indicator 'me: می' to the simple past, we get a past progressive. e.g.

I went.	ræftum	رفتم	I was going.	me:ræftum	میرفتم
I said.	guftum	گفتم	I was saying.	me:guftum	میگفتم
I worked.	kar kædum	کارکردم	I was working.	kar me:kædum	کار میکردم

Now translate the following:

I was going home.

He was talking to him.

He was buying a car.

He was helping his father.

You were going to the embassy yesterday.

You were living in Kabul last year.

I saw kærîm who was talking to his friend on the phone.

He was going to the hospital this morning.

مثال‌ها -

وقتیکه به مهمانی میرفتم، آورده‌یدم.

وقتیکه خانه می‌آمدم، موترم خراب‌شد.

وقتیکه او را سینما می‌بردیم، باران می‌بارید.

وقتیکه نان می‌خوردم، او آمد.

(نوت - بمنظوریکه شاگردان این فعل‌را بهتر بفهمند، باید بایشان وظایف داده‌شود.)

## SPOKEN DARI

Days of the week	روزهای هفته	
Saturday	shænbe; shæmbe	شنبه
Sunday	yæk shæmbe	یکشنبه
Monday	do shæmbe	دو شنبه
Tuesday	se: shæmbe	سه شنبه
Wednesday	char shæmbe	چارشنبه
Thursday	pæj shæmbe	پنجشنبه
Friday	jumæ	جمعه
The eve of Friday	shæwe jumæ	با جمعه
i.e. the night before Friday.		
half	neem	نیم

++++

یک و نیم روز

یک و نیم ساعت

یک و نیم بجه

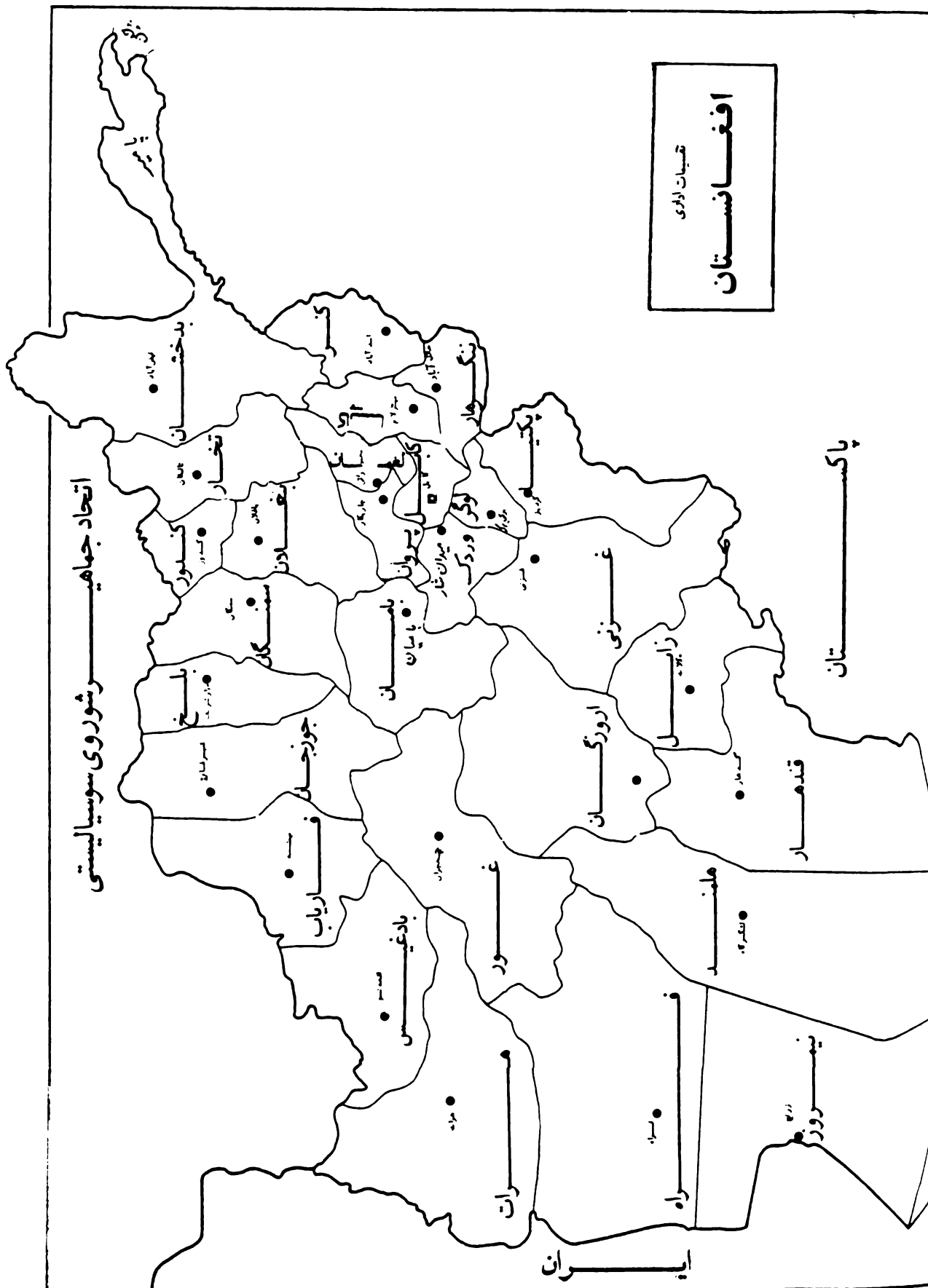
یک و نیم ماه

یک و نیم سال

# SPOKEN DARI

## Lesson X

o'clock, time	bæjæ	بجہ
one o'clock	yæk bæjæ	یک بجہ
exactly, exact, complete	puræ	پورہ
past	teyr shudæ	تیرشدہ
past	guzæshtæ	گذشتہ
remaining, left, tired	mandæ	ماندہ
minute	dæqiqæ	دقیقہ
party, invitation	dæ'wæt	دعوت
party, feast, banquet	memani	مہمانی
overseas, outside, abroad	kharij	خارج
to give	dadæn	دادن
present stem	tu	ت (ده)
United States	æyalate mutæhedæ	ایالات متحدہ
vacation, holiday	rukhsæti	رخصتی
to come	amædæn	آمدن
present stem	ai	آئی
engineering	engineæri	انجینیری
to study	tæseel kdn	تحصیل کدن
university student	mæhsel	محصل



تعین تلفظ (ق)

۱

قصر - قشنگ - قدیر - مقبول - آقچه

قصر سفید بسیار قشنگ اس.

قصر سفید ده واشنگتن اس.

رئیس جمهور امریکا ده قصر سفید زندگی میکنه.

قدیر د بیروز به قصر سفید بود.

قدیر گفت که قصر سفید بسیار مقبول اس.

قدیر از آقچهس.

آقچه ده شمال افغانستان اس.

قدیر میگه که آقچه بسیار مقبول اس.

قدیر مزاق نمیکه.

۱- کی ده قصر سفید زندگی میکنه؟

۲- آقچه ده کجاس؟

۳- قدیر از کجاس؟

۴- کی میگه که آقچه مقبول اس؟

۵- کی د بیروز به قصر سفید رفت؟

please translate.

- ۱- تبریک: موترته چند خریدی؟
- ۲- تقریبا . . . . . ه افغانی .
- ۳- مه یك چند افغانی كاردارم .
- ۴- برادر قاسم دیروز امریکا آمد .
- ۵- حالی قاسم همراهی برادرش بسیار مصروف اس .
- ۶- برادر قاسم راجع به افغانستان بسیار گپ نزد .
- ۷- او بسیار مانده بود .
- ۸- او بری دیدن برادرخود اینجه آمد .
- ۱- قاسم خودش چی میکنه؟
- ۱۰- نمیدانم فكرمیکم که فاکولته میره .
- ۱۱- چند دالر كارداری؟
- ۱۲- قصر سفید از اینجه بسیار دور نیس .
- ۱۳- هر وقتیکه شماره تلفون میکنم تلفون شما مصروف اس .
- ۱۴- او همیشه مصروف کار (کدن) اس .



مـالـمـه

فریده - اشرف جان . تبریک خانه نوتان . (خانه نوتان تبریک)

اشرف - تشکر فریده جان زنده باشی . . . چي حال داری؟

فریده - بدنيس ميگذره . تو چطور؟

اشرف - خوب استم تشکر .

فریده - خانمه چند خریدين؟ (خانه چند تمامشد)

اشرف - تقريباً پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) افغانی .

فریده - بسيار خوب . چند اتاق داره؟

اشرف - بسيار اتاق داره ، يك سالون ، سه اتاق خو و يك آشپزخانه

بسيار کلان داره .

فریده - چند تشناب داره؟

اشرف - تنها يك تشناب داره . تشنابن بسيار خوب اس .

فریده - بسيار خوب .

۱۵- او بسیار مصروف اس.

مه بسیار مصروف استم.

ما بسیار مصروف استیم.

قاسم هم بسیار مصروف اس.

شما هم بسیار مصروف استین.

۱۶- مه دیروز بسیار مصروف بودم. **کریم**

مه دیشو بسیار مصروف بودم. **تو**

مه ایی هفته بسیار مصروف بودم. **ام هفته**

او دیروز بسیار مصروف بود. **شما**

شما دیروز بسیار مصروف بودین. **اونا دیروز**

بلی مه دیروز بسیار مصروف بودم. **نی ما**

تو بسیار مصروف استی. **نازه**

راست میگی.

شما چندتا کاردارین؟

مه یکی کاردارم لکن کریم سه تا کارداره.

چی وقت کارداری؟

حالی کاردارم.      ندارم

پسان کاردارم.

سبا کاردارم.

امروز کاردارم.

۱۴- ای خانه بسیار اتاق داره.      حویلی

ای خانه تنها یک تشناب داره.

ای خانه هیچ تشناب نداره.

ای خانه یک آشپزخانه داره.

ای اتاق بسیار کلکین داره.

ای اتاق هیچ کلکین نداره.

یخچال هم نداره.

۱۱- کتی کی رفتی؟ همراي

همراي کی گپ زدی؟

کتی کی کارکدی؟

کتی کی نان خوردی؟

کتی کی بودی؟

۱۲- کتی برادرم رفتم.

همراي رفيق افغانم گپ زدم.

کتی رفيق امریکائی م گپ زدم.

کتی يك رفيق ایرانی م موتره دیدم.

کتی علی کارکدم.

۱۳- چندتا کارداری؟

تنها یکی کاردارم.

او چندتا کارداره؟

نمیدانم فکر میکنم که او دوتا کارداره.

۱ - کتی (همرای) کی میروی؟

کتی کی نان میخوری؟

کتی رفیقم میوم.

کتی شما نان میخورم.

همرای (کتی) او میوم.

زنم کتی مه افغانستان میره. (شوهرم)

مه کتی زنم افغانستان میوم.

فامیلم همرای مه نمیره مه تنها میوم.

۱. - چی کار داری؟

قلم کار دارم.

پول کار دارم.

کمک کار دارم.

مه هیچ کار ندارم.

دکشینری دری کار دارم.

۷- مه تنها يك برادر دارم.

مه دو خواهر دارم.

هيچ پول ندارم.

او بسيار رفيقه داره.

۸- تو تنها زندگي ميکني ؟

نئ مه تنها زندگي نميکنم.

کتی کی زندگي ميکني ؟ (همراي)

کتی فاميلم زندگي ميکنم.

او کتی کی زندگي ميکنه ؟

نميدانم فکر ميکنم که کتی فاميلش زندگي ميکنه .

شما تنها زندگي ميکنين ؟

نئ مه تنها زندگي نميکنم کتی برادرم زندگي ميکنم.

او کتی شماس ؟ (او همراي شماس)

بلي او کتی مهس . (بلي او همراي مهس)

۴- قیمت ای پنج افغانی س.

قیمت او تنها شش افغانی س.

قیمت او خانه تقریبا پنجاه هزار افغانی س.

قیمت او موتر تقریبا یک هزار و سیصد (۱۳۰۰) دالر اس.

۵- موتر های امریکائی در امریکا ارزان اس.

موتر های جرمنی در امریکا بسیار قیمت اس.

موتر های جاپانی هم در امریکا قیمت اس.

۶- چند برادر داری؟

چندتا برادر داری؟

چندتا خواهر داری؟

چند افغانی داری؟

چندتا رفیقه داری؟

چندتا قلم داری؟

درس نهم

جملات و تعریفات

- ای چند اس؟

او چند اس؟

ایا چند اس؟

اونا چند اس؟

ای چند افغانی س؟

ای یک افغانی س.

ای تنها یک افغانی س.

ای تنها یک دالر اس.

قیمت ای چند اس؟

قیمت او چند اس؟

قیمت او خانه چند اس؟

قیمت او موتر چند اس؟



## SPOKEN DARI

---

thousand	æzar	هزار
bedroom, sleeping room	otaqe khæw	اتاق خو (خواب)
living room	saloon	سالون
self	khud	خود
ex. myself	khuden	خود م
itself, himself, herself	khudesh	خودش
themselves	khudeshan	خودشان
congratulations	tæbrik	تبریک
thank you (may you live long)	zendæ bashi	زنده باشی
it's so, not bad (it passes)	migzæræ	میگذره

### Extra Vocabulary

White House	/Qæsr-e-sæfaid/	قصر سفید
Presidential Palace	/Qæsr-e-reyasæte Jæmhoori/	قصر ریاست جمهوری

قصر سفید به واشنگتن اس.

رئیس جمهور آمریکا ده ای قصر زندگی میکنه.

ای قصر ریاست جمهوری اس.

قصر سفید از موسسه خدمات خارجه بسیار دورنیه.

## SPOKEN DARI

---

### Lesson IX

Afghani, a monetary unit	æfghani	انی
kitchen	ashpæz khanæ	پزخانه
to need	kar dashtæn	داشتن
how many, how much, some, a few	chæn(d), chænd(ta)	چند (تا)
refrigerator	yækhchal	چال
girl friend	ræfiqæ	قه
new	næw	
bathroom	tæshnab	ناب
window	kilkin	ن
room	otaq	و
that, which, since, who in order to	ke:	
busy	mæsruŋ	روف
suffix conveying the meaning 'number of...'	..ta	
e.g. how many (of)		
two (of)		ا
three (of)		ا

the number 'one' does not take this suffix often and has its own form. e.g.

one (of)

yæki

## SPOKEN DARI

### SOME PASHTOW TERMS

### بعضی اصطلاحات پشتو —

Mr.	shaghælæi	شاغلی (بناغلی)
Mrs.	mirmæn	میرمن
Miss.	piɣlæ	پیغله
university	pohæntoon	پوهنتون
college	pohænzæi	پوهنځی
school	khowonzæi	ښوونځی
Great Council	loyæ jergæ	لویه جرگه
National Council	mili jergæ	ملی جرگه
homeland	hewad	هیواد
hospital	rogtoon	روغتون
pharmacy, a drugstore	dærmiltoon	درملتون
exhibate	nindartoon	نندارتون
welfare office	mæræstoon	مرستون
Bureau of Tourist	gærzændoy	گرځندوی
police	sarændoy	څارندوی
theatre	nindarey	نداری
Red Crescent	seræneyasht	سره میاشت

تعريف تلفظ خ

۸

خالد - خيرخانه - خريدن - خلق - خير - خي

خالد ده خيرخانه زندگي ميکته .

خالد د بروز يك موتر خريد .

خيرخانه نژد يك کارته پروان اس .

خيرخانه از خانه خلق دور نهس .

خانه خلق به خيررستوران بسيار نژد يك اس .

خالد نژد يك خانه خلق کار ميکته .

خانه خلق نژد يك چارراهي پشتونستان اس .

خانه خلق رهبروي وزارت معادن وصنایع .

۱- خالد ده کجا زندگي ميکته ؟

۲- خالد د بروز چي خريد ؟

۳- خيرخانه ده کجا اس ؟

۴- خيرخانه از خانه خلق بسيار دور اس ؟

۵- کي به خانه خلق زندگي ميکته ؟

۸- ( ضرب المثل د ري - با قند گفتن دهن شيرين نميشه . )

answer these questions.

- ۱- د بیروز چی خریدی؟
- ۲- دیشو کجا بودی؟
- ۳- جان گفت که تو د بیروز یک موتر (نو) خریدی راست میگو؟
- ۴- راجع به دری چی فکر میکنی؟
- ۵- فکر میکنی که دری یک لسان بسیار آسان اس؟
- ۶- کتیت (همرايت) پول داری؟
- ۷- امصبح چی خوردی؟
- ۸- دیشو کتی کی سینما رفتی؟
- ۹- فیلم چطور بود؟
- ۱۰- سرت درد میکنه؟
- ۱۱- چی وقت امتحان داری؟
- ۱۲- امتحان چی وقت اس؟

مکالمه

Conversation between two students.

زلی - تورپیکي جان د پروز کجا بودی؟

تورپیکي - خانه بودم زلی جان.

زلی - چی کدی؟

تورپیکي - هیچ یک کمی درس خواندم.

تو چی کدی؟

زلی - مه د پروز خانه برادرم رفتم.

تورپیکي - دیگه چی کدی؟

زلی - به کتابخانه پوهنتون رفتم و یک کمی درس خواندم (مطالعه کردم).

تورپیکي - راجع به امتحان چی فکر میکنی؟

زلی - امتحان چی؟

تورپیکي - میدانم که آیهفته امتحان داریم!

زلی - میدانم ای امتحان بسیار مشکل نیست انشالا کامیاب میشم.

تورپیکي - فکر میکنم که هفته گذشته بسیار درس خواندی.

زلی - نی بسیار درس نخاندم.

تور - موفق باشی!

۱۷- از کجا خریدی؟

از نیویارک خریدم.

از افغانستان خریدم.

از قندهار خریدم.

از ایران خریدم.

از رفیقم خریدم.

از اونجه خریدم.

از کریم خریدم.

از او خریدم.

۱۸- کریمهه چی وقت دیدی؟

کریمهه دیروز دیدم.

کریمه چی وقت دیدی؟

کریمه پریروز دیدم.

۱۵ - سبا (فردا) میخرم.

دیگه سبا میخرم.

دیگه روز میخرم.

دیگه سال میخرم.

دیگه هفته میخرم.

دیگه ماه میخرم.

۱۶ - کی خریدی؟

چی وقت خریدی؟

دیروز خریدم.

هفته گذشته خریدم.

پریروز خریدم.

ماه گذشته خریدم.

پارسال خریدم.



۱۲- از کجا میخری؟

از کابل میخرم.

از تهران میخرم.

از جرمنی میخرم.

از لشکرگاه میخرم.

از هرات میخرم.

از قاسم میخرم.

۱۳- چرا میخری؟

از خاطریکه کاردارم.

از خاطریکه حالی ارزان اس.

از خاطریکه بسیار خوب اس.

۱۴- کی میخری؟

چی وقت میخری؟

- مه امروز تقریبا يك دالر دارم.  
او دیروز تقریبا هیچ پول نداشت  
دیروز تقریبا هیچ پول نداشتم.

۱- مه سبا يك موتر میخرم.

از کجا میخری؟

چرا میخری؟

بری کی میخری؟

چی میخری؟

۱- بری (برای) زنم میخرم.

بری برادرم میخرم.

بری پدرم میخرم.

بری خانه میخرم.

بری موترم میخرم.

بری رفیقم میخرم.

۶- د یروز رښتم .

د یشو رښتم .

ازخا طریکه کارنداشتم .

کتی (همرای) برادرم رښتم .

پارسال رښتم .

۷- امروز بسیار کارکدم .

د یروز خانه برادرم رښتم .

مه د یشو سهنما رښتم .

مه د یروز هیچ کارنکدم .

هفته گذشته نیویارک رښتم .

۸- تو امروز بسیار کارکدی .

تو امروز بسیار نان خوردی .

تو امروز بسیار گپ زدی .

چپ باش تو بسیار گپ میزنی .

دېشو کجا بودی؟

نفته گذشته کجا بودی؟

امصبح خانه بودم.

امروز به کتابخانه بودم.

دېروز سفارت رفتم.

دېشو سینما رفتم.

کی رفتی؟

چی وقت رفتی؟

جرا رفتی؟

کدام روز رفتی؟

کدام شو رفتی؟

کتی کی رفتی؟

کدام سال فاکولته رفتی؟

درس هشتم

جملات و تعریفات

۱- امروز کجا میری؟

سبا کجا میری؟

امشو کجا میری؟

سباشوکجا میری؟

۲- امروز کتابخانه میرم.

سبا سفارت میرم.

سباشو خانه برادرم میرم.

امشو سفارت افغانستان میرم.

۳- امصبح کجا بودی؟

امروز کجا بودی؟

دیروز کجا بودی؟

پریروز کجا بودی؟

## SPOKEN DARI

Note: The prefix (em م<sup>ا</sup>) is usually attached to time words.

roz	روز	day
emroz	امروز	today
shæw	شو	night
emshæw	امشو	tonight

Whenever the letter noon ن is dropped from the infinitive a simple past is formed for the third person singular; all other persons take the same endings as we had previously. This applies to all simple and compound infinitives. e.g.

simple:	to do	kædæn	کدن (کردن)
	(he, she, it) did	kæd	کد
	I did	kædom	کدم
	you did	kæde:n	کدین
compound:	to speak	gæp zædæn	گپ زدن
	(he, she, it) spoke	gæp zæd	گپ زد
	I spoke	gæp zædom	گپ زدم

ما دیروز همرای کریم گپ زدیم. کتی

تو دیشو همرای قسیم گپ زدی. کتی

ما دیروز راجع به شطراپ گپ زدیم. راجع به امتحان

## SPOKEN DARI

---

ith	kæti	کتی (همرای)
۱۲۵	laken	لاکن
about, concerning	rajobæ	راجعہ
test, examination	emtehan, emteyan	امتحان
to be willing	enshalah	انشالا
the day after tomorrow	degæ sæba	دیگہسبا
good luck	mowæffæq bashi	موفق باشی .
to be successful, to succeed	kameyab shudæn	کامیاب شدن
کتی	æmrayi	همرای

### Additional Vocabulary

Consul	/gansol/	قونسل
Consulate	/gonsolgæri/	قونسلگری
Visa	/Wizæ/	ویزہ
Passport	/Pasport/	پاسپورت

+++

کریم قونسل اس .

کریم دہ قونسلگری کارمیکہ .

کریم بہ مردم ویزہ میتہ .

رحیم ویزہ ندارہ .

پاسپورت دارہ .

## SPOKEN DARI

---

### Lesson VIII

#### درس هشتم

to buy, purchase	khæridæən	خریدن
present stem	khær	خر
this morning	emsob	صبح
day	roz	روز
today	emroz	مروز
yesterday	diroz	دیروز
the day before yesterday	pæriroz	دیروز
tonight	emshæw (emshæb)	مشو (امشب)
last night	dishæw (dishæb)	یشو (دیشب)
approximately, almost	tæqribæən	تربیا
tomorrow	færda	فردا
the day after tomorrow	pæs færda	پس فردا
week	(h)æftæ	هفته
this week	i æftæ	بیهفته
last week	æftæ: guzæstæ	هفته گذشته
month	ma(h)	ماه
university	poəntun	پوهنتون
year	sal	سال
this year	emsal	امسال
last year	parsal	پارسال



تعريف تلفظ غ

۷

غلام - غنى - سراى غزنى - غازى - دمافغانان

غلام برادر غنى س.

غنى ده سراى غزنى زندگى ميكته.

غنى زندار اس.

غنى بك بچه داره.

نام بچه غنى محمد غازى س.

غلام بك خواهر هم داره.

نام خواهر غلام زرفونم س.

غلام خودش ده دمافغانان زندگى ميكته.

سوالات -

۱- برادر غنى چى نامداره؟

۲- غنى ده كجائزندگى ميكته؟

۳- غنى چند بچه داره و نامش چيس؟

۴- نام خواهر غلام چيس؟

۵- غلام ده كجائزندگى ميكته؟

۶- ضرب العثل درى - باركج به منزل نميرسه

مکالمه

— پروین جان خواهر و برادر داری؟

پن — بلی یک برادر و دو خواهر دارم.

— اونا در کجا زندگی میکنن؟

پن — برادرم به ولایت ننگرهار زندگی میکنه و خواهرهایم در اینجه زندگی میکنن.

ن — برادرت چی کار میکنه؟

پن — برادرم به فاکولتس.

ن — به فاکولته چی میخانه؟

پن — لسان میخانه.

ن — چی لسان (لسان چی) میخانه؟

پن — فکر میکنم که لسان فرانسوی.

علی تو برادر داری؟

لی — نی مه برادر ندارم تنها یک خواهر دارم.

پن — خواهرت چی میکنه؟

لی — خواهرم معلم اس معلم انگلیسی سر.

پن — علی انگلیسی تو هم بدنیس.

ی — تشکر.

۵- موترت کجاس؟

رفیقت کجاس؟

برادرت کجاس؟

اپارتمان کجاس؟

پدرت کجاس؟

سفارت افغانستان کجاس؟

۶- موترم در اونجس.

رفیقم به کتابخانهس.

برادرم در هرات اس.

اپارتمانم در سرک پنجم اس.

پدرم هم در هرات اس.

سفارت افغانستان در سرک ۲۴ اس.

complete the following sentences.

شما به ... زندگی میکنین ؟

برادرم ... به کجا ... میکنه ؟

– مه در كابل يك برادر دارم.

مه به امريكا يك خواهر دارم.

مه در افغانستان يك رفيق دارم.

مه به مزارشريف دو خانه دارم.

– شما برادر دارين؟

بلى يك برادر دارم كه در كابل زندگى ميكند.

خواهر چطور؟

بلى يك خواهر هم دارم كه به امريكا زندگى ميكند.

تو رفيق داري؟

بلى مه سه رفيق دارم كه در افغانستان زندگى ميكنند.

والدين (پدر و مادر) شما در كجا زندگى ميكنند؟

والدين مه در مزارشريف زندگى ميكنند.

read this.

۱- برادرم – برادرت – برادرتان – خواهرم – خواهرت – والدينم

والدينتان – والدينش – برادرش – خواهرش – رفيقم

درس هفتم

جملات و تمرینات

۱- مه به کابل زندگی میکنم.

ما در واشنگتن زندگی میکنیم.

شما در نیویارک زندگی میکنین.

تو در شهر زندگی میکنی.

او در مزارشریف زندگی میکنه.

follow the example and  
complete these sentences.

شما در کجا زندگی میکنین؟

مه در واشنگتن زندگی میکنم.

تو در کجا زندگی میکنی؟

مه . . . . . زندگی میکنم.

کریم در کجا زندگی میکنه؟

کریم . . . . . زندگی میکنه.

اونا در کجا زندگی میکنن؟

اونا . . . . . زندگی میکنن.

(he, she, it) Will be.	u me: bashæ	او میاشه
They will be.	una me: bashæn	اونا میاشن

2 - Subjunctive:

Be quiet!	aram bash	آرام باش.
if I were....	ægæ-bashum	اگر... باشم
may you live long.	zendæ bashin	زند باشین.

++++

مشو	مه سبا خانه میاشم.
به کتابخانه	ما سبا خانه میاشیم.
کریم	تو سبا خانه میاشی.
او	شما سبا خانه میاشین.
لطیفه	او سبا خانه میاشه.
جان	اونا سبا خانه میاشن.

## SPOKEN DARI

20	bist	بیست	twentieth	bistom	بیستم
21	bist-o-yæk	بیست و یک	twenty first	bistoyækum	بیستویکم
22	bist-o-do	بیست و دو	twenty second	bistodowom	بیستودوم
23	bist-o-se	بیست و سه	twenty third	bistose:yom	بیست و سوم
thirty	si	سی	thirtieth	siom	سیام
forty	chil	چهل	fortieth	chilom	چهلیم
fifty	penja	پنجاه	fiftieth	penjaom	پنجاهم
sixty	shæst	شصت	sixtieth	shæstom	شصتم
seventy	æftad	هفتاد	seventieth	æftadom	هفتادم
eighty	æshtad	هشتاد	eightieth	æshtadom	هشتادم
ninety	næwæd	نود	ninetieth	næwædom	نودم
hundred	sæd	صد	hundredth	sædom	صدم

Note: The verb 'to be' has another form which takes 'me' and is usually used for future and subjunctive forms.

e.g. to be /budæn/      بودن

present stem. bash      باش

1 - Future	I will be.	me: bashum	میباشم
	We will be.	me: bashim	میباشیم
(Familiar)	You will be.	me: bashi	میباشی
	You will be.	me: bashin	میباشین

## SPOKEN DARI

### اعداد Numerals (Numbers)

The numerals are given in the following table. The ordinals are formed from the cardinals by adding ...om. (م)

<u>cardinals</u>		<u>ordinals</u>			
one	yæk, yæg	یک	first (yækom)	æwæl	اول (یکم)
two	do	دو	second	dowom	دوم
three	se:	سه	third	se:yom	سوم
four	char	چهار	fourth	charom	چهارم
five	pænɟ	پنج	fifth	pænɟom	پنجم
six	shæsh	شش	sixth	shæsom	ششم
seven	(h)æft	هفت	seventh	æftom	هفتم
eight	æsht	هشت	eighth	æshtom	هشتم
nine	no:	نه	ninth	no:om	نهم
ten	dæ	ده	tenth	dæom	دهم
eleven	yazdæ	یازده	eleventh	yazdæom	یازدهم
twelve	dowazdæ	دوازده	twelfth	dowazdæom	دوازدهم
thirteen	se:zdæ	سیزده	thirteenth	se:zdæom	سیزدهم
fourteen	chardæ	چهارده	fourteenth	chardæom	چهاردهم
15	panzdæ	پانزده	fifteenth	panzdæom	پانزدهم
16	shanzdæ	شانزده	sixteenth	shanzdæom	شانزدهم
17	æbdæ	هفده (هفده)	seventeenth	æbdæom	هفدهم
18	æsudæ	هجده	eighteenth	æʒdæom	هجدهم
19	nuzdæ	نوزده	nineteenth	nuzdæom	نوزدهم



## SPOKEN DARI

---

parents	waledæyn	والدين (پدر و مادر)
college	fakoltæ	فاکولته

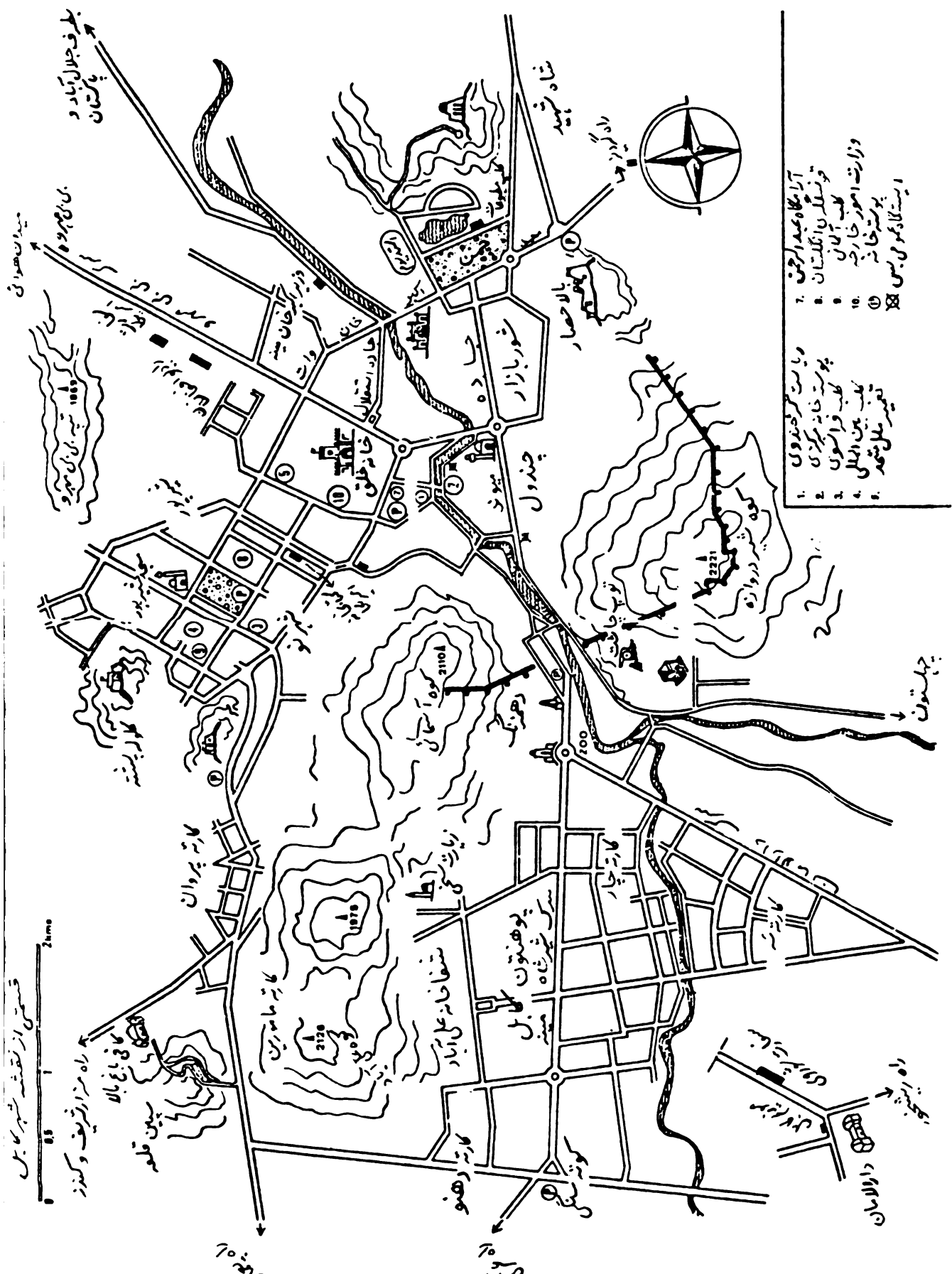
م.	م	کتاب	کتاب م
ط.	ط	کتاب	کتاب ط
ت.	تو	کتاب	کتاب تو
تان.	شما	کتابتان	کتاب شما
ش.	او	کتابش	کتاب او
شان.	اونان	کتابشان	کتاب اونان

## SPOKEN DARI

### Lesson VII

#### درس هفتم

life	zendægi	زندگی
to live	zendægi kdn	زندگی کدن
to think	fekr kdn	فکر کدن
how, how about	cheto (r)	چطور
Suffix; my	....em	م.
e.g. my book		
Suffix; our	....ema	ما.
e.g. our book		
Suffix; your	....et	ت.
your book.		
Suffix; your	....etan	تان.
your book		
Suffix; his, her, its	....esh	ش.
e.g. his, her, its book		
Suffix; their (his, her polite)	....eshan	شان.
e.g. their book	<b>کتابشان</b>	
his, her book		کتابش
father	pædær	پدر
mother	madær	مادر
brother	beradær, bayadær	برادر
sister	khowær, khowar	خواهر



- 1. آرامگاه محمد رحمان
- 2. تونگلان انگلستان
- 3. کلب آلمان
- 4. وزارت امور خارجه
- 5. پوسه خانه
- 6. ایستگاه کوئیس
- 7. ویاست کرخندوی
- 8. پوسه خانه میگزلی
- 9. کلب فرانسوی
- 10. کلب بین ارمالی
- 11. تعمیر شلشمد

٦- تمرین تلفظ (ق)

قدیر - تالقان - قاز - قاف - قشنگ

تالقان قاز داره.

قدیر از تالقان اس.

قدیر یک رفیق داره.

نامش قدرت الاس.

قدرت الا هم از تالقان اس.

قدرت الا یک قاز داره.

قدرت الا به قاز میگه قاف بگو!

قاز میگه قاف قاف .

بسیار قشنگ میگه.

تالقان ده کجاس؟

نام رفیق قدیر چیست؟

قدرت الا از کدام شار اس؟

کی قاز داره؟

قاز چی میگه؟

سوالات -

- ۱- سفارت امریکا در کجاس؟
- ۲- تو چی وقت سفارت میری؟
- ۳- شما از کدام شهر استین؟
- ۴- شما بسیار خوب دری گپ میزنین .
- ۵- او کجائیس؟
- ۶- نان چاشته خوردی؟
- ۷- خانه شما به اینجه نزدیک اس؟
- ۸- رفیقت افغان اس؟
- ۹- او زن از کجاس؟
- ۱۰- چی وقت خانه میری؟
- ۱۱- نام ای سرک چیس؟
- ۱۲- به ناشو به کدام رستوران میری؟

ضرب المثل دری -

۵- درونکو گم حافظهس.

مکالمه

- . ببخشین! سفارت امریکا به کجاس؟
- . سفارت امریکا به سړک بی بی مهروس.
- . در کجای سړک بی بی مهرو؟
- . به سړک بی بی مهرو نزدیک رادیو افغانستان.
- . بسیار تشکر.
- . قابل تشکر نیس.
- شما امریکائی ستین؟
- . بلی مه امریکائی ستم.
- . از کجای امریکاستین؟
- . مه از شهر نیویارک استم.
- . شما بسیار خوب دری گپ میزنین.
- . تشکر یگ کمی میدانم.
- . نو بسیار خوب میدانین.
- . بسیار تشکر بامان خدا
- . خدا حافظ.

۱- بری چای بسیار وقت اس.

بری نان چاشت بسیار وقت اس.

بری نان شو بسیار وقت اس.

بری چای صبح بسیار وقت اس.

۱۰- تو چی میخوری؟ مه کباب میخورم

شما چی میخورین؟

او چی میخوره؟

کریم چی میخوره؟

قاسم و کریم چی میخورن؟

اونا چی میخورن؟

now read. پیسی کولا

کافی

پلو

کباب

بولانی

۱۱- مه چای میخورم.

او کوکاکولا میخوره.

کریم او (آب) میخوره.

علی و قاسم نان چاشت میخورن.

اینجه بسیار کثیف اس.

اینجه بسیار چتل اس.

اینجه بسیار پاک اس.

اونجه بسیار قیمت نیس.

اونجه بسیار ارزان نیس.

اونجه بسیار دور نیس.

اونجه بسیار نزدیک نیس.

اونجه بسیار کثیف نیس.

- او خانم بسیار قشنگ اس.

ای سرک بسیار کثیف اس.

ای شهر بسیار پاک اس.

ای موتر.....

ای دختر.....



۴- شما کجائی ستین؟

تو کجائی ستی؟

او کجائی س؟

او زن کجائی س؟

انگلیسی

۵- او امریکائی س.

هندي

او افغان اس.

بنگالی

او فرانسوی س.

فرانسوی

او پاکستانی س.

روسی

او ایرانی س.

کابلی

او جرمنی س.

مقبول

۶- اینجه بسیار ارزان اس.

بد رنگ

اینجه بسیار قیمت اس.

قشنگ

اینجه بسیار دور اس.

اینجه بسیار نزدیک اس.

اینجه بسیار قشنگ اس.

درس ششم

جملات و تعریفات

- شما امریکائی ستین؟      بلی . . . .
- تو امریکائی ستی؟      نی . . . .
- او امریکائی س؟      شاید . .
- اونا امریکائی ستن؟      البته
- جان امریکائی س؟      بلی . . . .

بلی مه امریکائی ستم .

بلی او امریکائی س .

بلی اونا امریکائی ستن .

بلی جان امریکائی س .

- نی مه امریکائی نیستم . مه کانادائی ستم .

نی او امریکائی نیس . او انگلیسی س .

نی تام امریکائی نیس . تام اسکاتلندی س .

تام انگلیسی س .

## SPOKEN DARI

### Common Women's Names

حميرا	humæyra
پروین	pærween
مریم	mæryæm
گلالی	gulalæy
رابعه	rabeyæ

### Common Men's Names

محمد موسی	mohæmæd musa
حبیب الا	hæbibulla
امان الا	æmanulla
عبدال	æbdulla
جلال الدین	jælalluddin

Proper nouns (such as karim; karimæ) are Arabic loans and are quite common in Afghanistan. To differentiate between masculine names and feminine names one should consider the feminine marker

æ, e.g.

karim (m)	کریم	karimæ (f)	کریمه
najib (m)	نجیب	najibæ (f)	نجیبه
saleh (m)	صالح	salehæ (f)	صالحه
hameed (m)	حمید	hameedæ (f)	حمیده
rahim (m)	رحیم	rahimæ (f)	رحیمه

### Additional Vocabulary

building	tæmir	تعمیر
pretty	mæqbul	مقبول
at least	kæm æz kæm	کماز کم

## SPOKEN DARI

b. 2 names: ( تور يالی اعتماری ) toryalæy ehtemæ

شاغلی اعتماری official-formal

اقای اعتماری non-official-formal

تور يالی خان formal

تور يالی (جان) informal

c. 1 name: ( جلال الدين ) jəlaɫuddin

شاغلی جلال الدين official-formal

اقای جلال الدين non-official-formal

جلال الدين خان formal

جلال (جان) informal

### 2 - Women's Name:

a. 1 name: نفيسه næfisæ

unmarried: پېغله نفيسه (by people other than close friends)

نفيسه (جان) by family and very close friends

married: ميرمن مبارز (husband's name) other than family friends.

نفيسه (جان) by family

### Common Women's Names

صالحه salehæ

نجيبه næjibæ

كريمه kærimæ

حفیظه hæfizæ

حميده hæmidæ

سارا sara

### Common Men's Names

عبدالصمد æbdul sæmæd

عبدالکريم æbdul kærim

عبدالرسول æbdul ræsul

محمد علی mohæmæd æli

محمد يوسف mohæmæd yusuf

محمد قاسم mohæmæd qasem

Note

- 1 - شاغلی (شاغلی) shaghælæy Mr. (Pæshto term)
- 2 - آقا aqa Mr., Sir., Gentleman Mr. ... aqayi آقاي ...  
(colloq) aghayi آغاي ...
- 3 - جان jan dear, soul, name
- 4 - خان khan name, wealthy, head of a tribe
- 5 - مېرمن mirmæn Mrs. (Pæshto)
- 6 - پېغله pe:ghlæ Miss (Pæshto)

Most educated Afghans have two or more names. A woman's last name is usually her family name. A man's last name is not usually her family name. A man's last name is not necessarily his family name, e.g., محمد کریم مجاهد and محمد بشیر could be brothers.

محمد, عبدل and سيد are very common first names for Afghans; try to avoid calling them by these names. Take the lead from Afghans in using جان, خان with their second names.

1 - Men's Name:

a. 3 names ( عبد الصمد حامد ) æbdul sæmæd amed

شاغلی حامد	official-formal
آقاي حامد	non-official-formal
صمد خان	formal
صمد جان	informal

## SPOKEN DARI

### Lesson VI

#### درس ششم

Yes, 'Hello' when answering the phone.	bæle	لی
no	ne	ن (نه)
here, this place	injæ (inja)	ینجه
there, that place	unjæ (unja)	ونجه
water	æw (aab)	او(آب)
what nationality?	kojayi	کجائی؟
near	nezdik	نزدیک
clean, neat	pak	پاک
dirty, polluted	kæsif	کثیف
dirty, polluted	chætæl	چتل
tea, breakfast	chai	چای
breakfast	chaie (nane)sob	چای صبح - نان صبح
to eat, drink	khordæn	خوردن
present stem	khor	خور
morning	sob	صبح
night	shæw (shæb)	شو(شب)
noon	chasht	چاشت
dinner, supper	naneshæw	نان شو
pretty, beautiful	qæshæng	قشنگ
street	særæk	سرك
embassy	sæfaræt	سفارت

## SPOKEN DARI

---

ranslate the following.

- Do you have an envelope?

- One minute, I think I do.

- I have a question for you.

1 - What question do you have?

2 - What else do you know?

3 - I don't know anything else.

4 - Please help me.

5 - I don't know the meaning of this in Dari.

6 - What do you call this in Dari?

7 - May I come in?

8 - Please do.

تمرین تلفظ غ - ق و خ

قاف - فین - خی - خبر - باغ - زاغ -

غلام قلم نداره.

غنی وقت نداره.

باغ زاغ نداره.

خیرمحمد هیچ وقت نداره.

قسیم یک دقیقه وقت نداره.

قاسم هیچ خبر نداره.

بغلان زاغ داره.

چارلی قاف میگه.

تام کاف میگه.

ماہک خی میگه.

کی قلم نداره؟ غلام...

کی وقت نداره؟ غنی...

کی خبر نداره؟ قاسم...

کی قاف میگه؟ چارلی...

کی قاف نمیگه؟ تام...



translate.

- ۱- معنی ای چیست؟
- ۲- ای چی معنی داره؟
- ۳- ای لغت به دری چی معنی داره؟
- ۴- لطفا به مه (مره) کمک کنین.
- ۵- مه ای ره نمیدانم.
- ۶- پاکت داری؟
- ۷- ببخشین یک سوال دارم.
- ۸- بفرمائین.
- ۹- Hashish به دری چی همیشه؟
- ۱۰- چرس همیشه.
- ۱۱- چرس در افغانستان بسیار اس؟
- ۱۲- کدام ایالت امریکا بسیار میوه داره؟

ضرب المثل دری -

- ۴- قصاب که بسیار شدگاو مردار همیشه.

مکالمه

بخشین. معنی ای لغته به دری نمیدانم لطفاً بهمه (مره) کمک کنین.

البته چرانی کدام لغته نمیدانین؟

envelope ه

envelope به دری پاکت میشه.

بسیار تشکر.

قابل تشکر نیس.

بخشین یک سوال دیگه هم دارم.

بفرمائین.

wine ه به دری چی میگین؟

wine ه به دری شراب میگیم.

- تشکر.

- قابل تشکر نیس. دیگه سوال ندارین؟

- نی دیگه سوال ندارم تشکر.

۱۱- ای شهر بسیار میوه داره .

افغانستان بسیار میوه داره .

فلوریدا بسیار میوه داره .

شهر ما بسیار میوه داره .

کلیفورنیا .....

جلال آباد .....

هرات هم .....

۱۲- ای رستوران بری مه بسیار قیمت اس .

ای رستوران بری نان چاشت بسیار ارزان اس .

ای رستوران بری نان شو (شب) بسیار قیمت اس .

هیچ

۱۳- ریگه چی ؟

هیچ جای نمیرم

ریگه چی میکنی ؟

هیچ نمیدانم .

ریگه کجا میری ؟

هیچ کار نمیکم .

ریگه چی میدانی ؟

ریگه چی کار میکنی ؟

ریگه چی میخانی ؟

۱- ای ره کتاب میگیرم.

اوره به دری قلم میگیرم.

bo ه به دری کتاب میگیرم.

rac ره به دری رادیو میگیرم.

۱- ای جمع سر.

ای مفرد اس.

کتاب مفرد اس.

کتاب ها جمع س.

جمله مفرد اس.

جملات جمع س.

لغت مفرد اس.

لفات (لغت ها) جمع سر.

۱- جمع کتاب چیست؟

جمع کتاب کتاب هاس.

جمع تمرین چیست؟

جمع تمرین تمرینات اس.

۵- او به دری چی همیشه؟

ای به دری چی همیشه؟

wall به دری چی همیشه؟

table به دری چی همیشه؟

dictionary به دری چی همیشه؟

woman به دری چی همیشه؟

۶- او قلم همیشه .

ای تباشیر همیشه .

wall دیوال همیشه .

table میز همیشه .

dictionary دکشینری همیشه .

woman زن همیشه .

۷- ای ره به دری چی میگین؟

اوره به دری چی میگین؟

book به دری چی میگین؟

radio ره به دری چی میگین؟

complete the following.

مه کریمه میکم .

ما کریمه . . . . .

تو قاسمه ره . . . . .

شما علی ره . . . . .

او تامه . . . . .

تام او ره . . . . .

اونا شماره . . . . .

- مه میخشم .

مه او ره میخشم .

خدا او ره میخشه .

مه توره میخشم .

شما علی ره میبخشین .

مه شماره میخشم .

- ببخشین .

ببخشین ای چیس؟

درس پنجم

جملات و تمرینات

نمیگم

۱- مه میگم.

ما میگویم.

تو میگی.

شما میگویین.

او میگه.

اونا میکن.

کریم

۲- مه اوره میگم.

ننسی

ما اوره میگویم.

تام

تو اوره میگی.

فرید

شما اوره میگویین.

اکبر

او اوره میگه.

عمر

اونا اوره میکن.

## SPOKEN DARI

plural signs in Dari:                      علامات جمع به زبان دری

1 - for animate and inanimate objects                      برای اشیای جاندار و بیجان .

اول - ها    ha :

جاندار animate		بیجان inanimate	
مفرد	جمع	مفرد	جمع
زن	زنها	میز	میزها
مرد	مردها	قلم	قلمها
بز	بزها	کاغذ	کاغذها
شاگرد	شاگرها	خانه	خانهها

دوم - ان    an :

شاگرد	شاگردان
دختر	دختران
پسر	پسران
گوسفند	گوسفندان
انسان	انسانان
فدائی	فدائیان
درخت	درختان
سرخ پوست	سرخ پوستان
گل	گلان
بلبل	بلبلان



## SPOKEN DARI

Please...                      bofærmayeen                      بفرمائین...

This word is used to ask someone to do something. It is used in a wide range of situations; the closest English equivalent is 'please.'

In a telephone conversation it might mean something like 'go ahead.' It does not occur with those whom we should address by (تو), only with the plural form (shoma شما) or being formal.

Please.....                      lutfæn                      لطفاً

### additional words

to wait	sæbr kdn	صبر کن
wait!	sæbr ku	صبر کو!
wait a minute!	yæk dæqiqæ sæbr ku	یک دقیقه صبر کو!

لطفاً یک دقیقه صبر کنین!

چرا صبر نمیکنین؟

لطفاً او ره کمک کنین!

لطفاً موه کمک کنین!

لطفاً خال مغال نکنین!

## SPOKEN DARI

### Lesson V

### درس پنجم

to excuse, forgive	bækhshidæn	خشیدن
present stem	bækhsh	بخش
excuse me.	bubækhshen	بخششین .
question	sæwal	سوال
in, to, at, into	bæ	به
to become	shudæn	شدن
present stem	shu	ش (شو)
meaning	mæni, mana	معنی
singular	mufræd	مفرد
plural	jæm', jæm	جمع
next, other, another, else	digær, digæ	دیگه (دیگر)
object marker	ræ	ره (را)
suffix following words ending in a vowel.		
object marker	æ	ه
suffix following words ending in a consonant.		
envelope	pakæt	پاکت
to say, tell	guftæn	گفتن
present stem	gu	گ (گوی)
you are welcome	qabele tæshækur ne:s	قابل تشکر نیس .
to help, assist	komæk kædæn	کمک کن

٤ تعرین ہری تلفظ (خ)۔

خلیل - کتابخانہ - خیرمحمد - لسان خارجی

خلیل کتاب میخانہ .

خیرمحمد بہ کتابخانہس .

خلیل انگلیسی میخانہ .

خلیل فرانسوی نمیخانہ .

خیرمحمد فرانسوی میدانہ .

خیرمحمد خوب فرانسوی گپ میزنہ .

خان محمد لسان خارجی نمیدانہ .

لسان خارجی ہری خان محمد بسیار مشکل اس .

کی کتاب میخانہ ؟

کی بہ کتابخانہس ؟

کی فرانسوی میدانہ ؟

کی لسان خارجی میدانہ ؟

کی فرانسوی نمیخانہ ؟

ہری کی لسان خارجی مشکل اس ؟

translate the following sentences.

۱- شما حالی چو لسان (لسان چي) ميخانيڻ؟

۲- مهه حالی دري ميخانم.

۳- معلم اشرف از کجاس؟

۴- اشرف لسان چي ميخانه؟ اشرف چو لسان ميخانه؟

۵- قاسم کجاميره؟

۶- کدام رستوران بسيار قيمت اس؟

۷- نام معلم شما چيس؟

۸- شما کي خانه ميرين؟

۹- لطفا تکرارکنين

۱۰- فاميلتان خوب اس؟

۱۱- کي (چي وقت) کتابخانه ميري؟

۱۲- زبان مادري او پشتوس.

۱۳- او خارجي س.

۱۴- فوزيه لسان خارجي ميخانه.

مکالمه چهارم

اشرف - سلامالیکم قاسمه جان .

قاسمه - والیکم چی حال داری؟

اشرف - خوب استم تشکر تو چطوراستی؟

قاسمه - بدنیس . چی کتاب داری؟

اشرف - کتاب فرانسوی .

قاسمه - لسان فرانسوی میخانی؟

اشرف - بلی فرانسوی میخانم .

قاسمه - معلم شما فرانسوی سر؟

اشرف - بلی . او از پاریس اس .

قاسمه - فرانسوی آسان اس؟

اشرف - بلی یک کمی آسان اس . تو هم لسان میخانی؟

قاسمه - بلی مام (مههم) لسان میخانم لسان جرمنی میخانم .

اشرف - بسیارخوب حالی کجامیری؟

قاسمه - حالی کتابخانه میرم .

اشرف - خوپسان میبینیم حالی بامان خدا .

قاسمه - خدا حافظ .

۱- چی وقت میری؟ کی؟

چی وقت میرین؟

چی وقت میرن؟

چی وقت میره؟

۱۱- حالی میرم.

امروز میرم.

سبا میروم.

پسان میروم.

۱۴- چرا امروز نمیری؟

چرا سبا نمیری؟

چرا حالی نمیری؟

چرا پسان نمیری؟

۱۵- نی حالی میرم.

سبا نمیرم.

۱- چرا دری گپ نمیزنین؟

چرا فارسی گپ نمیزنین؟

چرا انگلیسی گپ نمیزنین؟

۱- از خاطریکه دری نمیدانم.

از خاطریکه فارسی نمیدانم.

از خاطریکه انگلیسی نمیدانم.

۱۱- کی؟

حالی

کی میری؟

امروز

چی وقت میری؟

سبا

کی کارمیکنی؟

پسان

چی وقت کارمیکنی؟

نمیدانم

چی وقت میبینی؟

چی وقت کتابخانه میری؟

- کریم دری گپ میزنه .

جان دری گپ میزنه .

علی دری گپ میزنه .

او پشتو گپ میزنه .

فرید فارسی گپ میزنه .

او بسیار خوب دری گپ میزنه .

شما بسیار خوب فرانسوی گپ میزنین .

تو بسیار خوب فارسی گپ میزنی .

اونا بسیار خوب انگلیسی گپ میزنن .

کی بسیار خوب دری گپ میزنه ؟

جان . . . . .

اونا . . . . .

شما . . . . .

لیندا . . . . .

دیکسی . . . . .

مارتین . . . . .

fill in the blanks.



۳- دری بسیار آسان اس.      نیس

انگلیسی بسیار آسان اس.

پشتو بسیار آسان اس.

فرانسوی بسیار آسان اس.

۴- ای درس بسیار مشکل اس.      نیس

ای لغت بسیار مشکل اس.

ای کار بسیار مشکل اس.

ای کتاب بسیار مشکل اس.

ای لسان بسیار مشکل اس.

۵- چرا مشکل اس؟

چرا آسان اس؟

۶- کی دری گپ میزنه؟      مایکل

کی پشتو گپ میزنه؟      لیندا

کی انگلیسی گپ میزنه؟      عبدالمجید

کی فرانسوی گپ میزنه؟      کریم

درس چهارم

جملات و تمرینات

۱- مه میدانم. نمیدانم

ما میدانیم.

تو میدانی.

شما میدانین.

او میدانه.

اونان میدانن.

۲- مه انگلیسی میدانم. ما

او

مه پشتو میدانم. تو

تو

مه جرمنی میدانم. شما

شما

مه فارسی میدانم. کریم

کریم

تام

مه هیچ لسان نمیدانم.

مه دری میدانم.

## SPOKEN DARI

### Additional Words

tongue	zæban	زبان
mother-tongue	zæban-e-madæri	زبان مادری
foreign, foreigner	khariji	خارجی
foreign-language	lesane kharigi	لسان خارجی

- زبان مادری مه دری س. یا دری زبان مادری مەس.  
زبان مادری اختر پشتوس. پشتو زبان مادری اختر اس.  
زبان مادری تام انگلیسی س. انگلیسی زبان مادری تام اس.  
تام از اروپا س.  
تام از خارج اس.  
تام خارجی س.  
تام چارلسان خارجی میدانه.  
تام به چارلسان خارجی گپ میزنه.

۱- زبان مادری شما چیست؟

۲- تام چندلسان خارجی میدانه؟

۳- زبان مادری اختر چیست؟

## SPOKEN DARI

### Lesson IV

### درس چهارم

library	ketabkhanæ	خانه
English	englisi	انگلیسی
German, Germany	gærmæni	آلمانی
slightly, a little bit	yækæme	یک کمی
Persian	farsi	فارسی
difficult	moshkel	مشکل
to read, sing	khandæn	خواندن
present stem	khan	خان (خوان)
Pashto	pæšto:	پشتو
when, what time	chi wækht	چی وقت ؟
when	kæy	کی ؟
to know	danestæn	دانستن
present stem	dan	دان
I don't know.	næme:danom	نمیدانم
French	færansæwe	فرانسوی
to speak	gæp zædæn	گپ زدن
present stem	gæp zæn	گپزن
language	lesan	لسان
today	emroz	امروز
tomorrow	sæba	سبا

تمرین ہری تلفظ (ق) -

قاسم - تالقان - قسیم - رفیق

قاسم از تالقان اس.

تالقان دہ شطال اس.

قسیم رفیق قاسم اس.

قسیم از قلات اس.

قسیم دہ قلات یک رستوران دارہ.

رستوران قسیم بسیار قیمت اس.

رستوران قسیم ارزان نہیں.

قسیم از شار نہیں.

تالقان گوشت دارہ.

گوشت تالقان قیمت اس.

قاسم از کجاس؟

تالقان دہ کجاس؟

کی رفیق قاسم اس؟

کی دہ قلات یک رستوران دارہ؟

قسیم از کجاس؟

جملات پائینه تکمیل کنین .

ای \_\_\_\_\_ بسیار \_\_\_\_\_ نیس .

از دیدن شما \_\_\_\_\_ شدم .

موتور کریم \_\_\_\_\_ نداره .

به نان چاشت \_\_\_\_\_ ندارم .

خوب شد که \_\_\_\_\_ ره دیدم .

خی \_\_\_\_\_ میری ؟

هوتل انترکانتی ننتل از \_\_\_\_\_ بسیار \_\_\_\_\_ نیس .

گوشت \_\_\_\_\_ کابل \_\_\_\_\_ قیمت \_\_\_\_\_ .

خانه \_\_\_\_\_ بسیار \_\_\_\_\_ دور \_\_\_\_\_ .

او \_\_\_\_\_ بسیار \_\_\_\_\_ اس .

ای \_\_\_\_\_ بسیار \_\_\_\_\_ اس .

به کدام \_\_\_\_\_ کار \_\_\_\_\_ ؟

امریکا \_\_\_\_\_ داره .

مکالمه سوم

قاسم — سلامالیکم فریده جان چی حال داری؟

فریده — والیکم. خوب استم تشکر تو چطوراستی؟

قاسم — بدنیهس تشکر کجامیری؟

فریده — به رستوران میروم.

قاسم — به کدام رستوران؟

فریده — به رستوران خیبر.

قاسم — او رستوران بسیار قیمت اس.

فریده — نی بسیار قیمت نیس نان خوب داره

قاسم — بری نان چاشت بسیار وقت اس مه پسان میروم.

فریده — خی پسان میینیم.

قاسم — بلی، حالی بامان خدا.

فریده — خدا حافظ.

۱- مه می بینم .

نمی بینم

ما می بینیم .

تو می بینی .

شما می بینید .

اونا می بینن .

او می بینه .

قاسم می بینه .

۱۱- کریم کارمیکنه ؟

بلی او کارمیکنه .

جان هم کارمیکنه ؟

بلی جان هم کارمیکنه .

در کجا کارمیکنه ؟

در شهر کارمیکنه .

بری کی کارمیکنه ؟      بری یک کمپنی کارمیکنه .



۷- مه در کابل کارمیکتم .  
 ما  
 شما مه در واشنگتن کارمیکتم .  
 او  
 مه در خانه کارمیکتم .  
 فرید  
 مه در رستوران کارمیکتم .  
 کریم  
 مه در شهر کارمیکتم .

۸- مه میروم .  
 نمیروم

مه حالی میروم .  
 ما  
 مه حالی خانه میروم .  
 تو  
 مه حالی صنف میروم .  
 آنها  
 مه حالی شهر میروم .  
 مه حالی سینما میروم .

۱- اونا حالی کارنمیکنن .

اونا حالی کابل نمیرون

اونا حالی بری نان چاشت نمیرون .

داره - ای میز روک نداره.

ای هوتل نان نداره.

ای صنف شاگرد نداره.

ای موتر تیل نداره.

ای صنف تختماک نداره.

کابل بسیار هوتل نداره.

حفیظ پول نداره.

او صنف بسیار خرد اس. نیس

او موتر بسیار خرد اس.

او هوتل بسیار خرد اس.

او شهر بسیار خرد اس.

ما کارمیکنم . شما کارمیکنین .

ما کارمیکنیم . اونا کارمیکنن .

تو کارمیکنی . علی کارمیکنه .

درس سوم

جملات و تمرینات

۱- ای موتر بسیار ارزان اس. ارزان نیست

ای بایسکل بسیار ارزان اس.

ای تلویزیون بسیار ارزان اس.

ای دکشینری بسیار ارزان اس.

ای هوتل بسیار ارزان اس.

۲- ای خانه بسیار قیمت اس. قیمت نیست

ای موتر بسیار قیمت اس.

ای گوشت بسیار قیمت اس.

ای هوتل بسیار قیمت اس.

ای کتاب بسیار قیمت اس.

۳- او هوتل بسیار کلان اس.

او صنف بسیار کلان اس.

Note:

Noun Phrases

I need three chair(s). Se: chæwki kar darum      چوکی کاردارم

I need some chair(s). chæn(d) chæwki kar darum      چوکی کاردارم

Unlike English, a noun is not pluralized when modified a counter or quantity word, and there is no difference between mass nouns and count nouns in Dari as the following examples indicate.

I buy some tea. chay me:khærum      چای میخرم

I buy some cups. piyalæ me:khærum      پیماله میخرم

noun	esm	اسم
adjective	sefæt	صفت
verb	fail	فعل
adverb	qæyd	قید

ضرب المثل دری -

۲- آنانکه فنی تراند ، محتاج ترند .

## SPOKEN DARI

later	pæsan	پسان
good-by	bamane khuda	بامان خدا
table	me:z	میز
in, at, on	dæ(r)	دہ (ر)
condition, state, health	hal, aal	حال

### Additional Words      کلمات اضافی

President (of a Republic)	ræyis-e-jæmhoor	رئیس جمہور
Prime Minister	sædr-e-æ'zæm	صدر اعظم
President, Chairman	ræyis	رئیس
Director	mudir	مدیر

+++

رئیس ہانگ	مدیر مکتب	صدر اعظم افغانستان	رئیس جمہور امریکا
رئیس تیم	مدیر سپورت	صدر اعظم ہند	رئیس جمہور فرانسیسی

۱۔۔۔۔۔ رئیس جمہور امریکا اس۔

۲۔۔۔۔۔ صدر اعظم افغانستان اس۔

کی رئیس جمہور فرانسیسی؟

کی رئیس جمہور ہند اس؟

کی رئیس جمہور مصر اس؟

# SPOKEN DARI

## Lesson III

### درس سوم

so, then!	khæy	
city	shar	
early, time, already	wæqt	
blackboard eraser	tækhtæ pak	ه پاک
lunch	nane chasht	چاشت
fuel	te:l	
to go	ræftæn	
present stem	ru	رو
to work	kar kædæn	کار
for	bære	
drawer	ræwæk	ک
class/classroom	senf	ف
meat	gosht	گشت
restaurant	ræstoran	رستوران
third	seyom	وم
cheap, inexpensive	ærzan	زان
expensive, price	qimæt	مت
to see, visit, watch	didæn	یدن
present stem	been	بین
small, little	khurd	کرد
far, away	dur	در
fruit	me:wæ	وا

translate:

1 - Qasim is very poor.

2 - No, he is not poor, he has a lot of money.

3 - Are you married?

4 - Who, me? no I'm not married.

5 - Do you know his name?

6 - Yes, his name is Omar.

7 - Is Omar from Kunduz?

8 - No, Omar is from Badakhshan.

9 - Oh, really?

10 - Yes, they are husband and wife.

ضرب المثلدری۔

۲۔ چکچکاز دو دست می برآید

تعریفی بری تلفظ (خ) -

خانه - خلیل - خدا - تخار

خلیل از تخار اس.

تخار ده شطال اس.

خلیل یک خانه داره.

خلیل هم یک رفیق داره.

نامش خیرمحمد اس.

خیرمحمد بسیار غریب اس.

خیرمحمد خانه نداره.

خیرمحمد خدا داره.

خلیل از کجاس ؟

تخار ده کجاس ؟

خلیل چی داره ؟

نام رفیق خلیل چیست ؟

کی خانه نداره ؟

خلیل از تخار اس ؟



جملات پائینه تکمیل کنین .

کریم حالی \_\_\_\_\_ سر؟

رحیم \_\_\_\_\_ نداره .

هیچ \_\_\_\_\_ ندارم .

رفیق \_\_\_\_\_ پک \_\_\_\_\_ بسیار \_\_\_\_\_ داره .

شما \_\_\_\_\_ پول \_\_\_\_\_ .

نی \_\_\_\_\_ هیچ رفیق \_\_\_\_\_ .

چرا \_\_\_\_\_ نداری ؟

قاسم \_\_\_\_\_ تمبل \_\_\_\_\_ .

زن \_\_\_\_\_ امریکائی \_\_\_\_\_ .

لیندا \_\_\_\_\_ اس .

اونا \_\_\_\_\_ استن .

فرید \_\_\_\_\_ کلان داره .

بچه \_\_\_\_\_ دختر \_\_\_\_\_ .

رجمه‌کنین .

- ۱- حالی چی میکنی ؟
- ۲- هیچ .
- ۳- پول داری ؟
- ۴- هیچ پول ندارم .
- ۵- چرا پول نداری ؟
- ۶- از خاطریکه ندارم .
- ۷- کریم بسیار غریب اس .
- ۸- او کیس ؟
- ۹- او از کجاس ؟
- ۱۰- نامش چیس ؟
- ۱۱- نامش قاسم اس .
- ۱۲- قاسم از هرات اس ؟
- ۱۳- از هرات نیس از کابل اس .

answer the following:

- ۱- کریم چی کارمیکنه؟
- ۲- کریم خانه داره؟
- ۳- کریم زن داره؟
- ۴- رفیق کریم خانه داره؟
- ۵- جان از کجاس؟
- ۶- جان بچه داره؟
- ۷- زن جان از کدام ایالت اس؟
- ۸- نام بچه کریم چیست؟
- ۹- شطا بچه دارین؟
- ۱۰- از کجاستین؟
- ۱۱- حالی چی کارمیکنین؟
- ۱۲- زن شطا چی کارمیکنه؟
- ۱۳- خانه دارین؟
- ۱۴- ساعت داری؟

مکالمه دوم

ن - کریم تو خانه داری؟

ا - نی خانه ندارم اپارتمان دارم.

ن - رفیق تو یک خانه بسیار کلان داره.

م - بلی از خاطریکه او بسیار پول داره.

ن - کریم تو چی کار میکنی؟

م - مه معلم استم.

ان - زن داری؟ (زنداراستی)

م - بلی زن دار استم یک بچه هم دارم.

بان - بسیار خوب نامش چیست؟

کریم - نامش غلام اس. توهم زن دار استی؟

جان - بلی زن دار استم یک دختر هم دارم.

کریم - زن تو امریکائی س؟

جان - البته زن مه امریکائی س. او از ایالت کلیفور نیاس.

عزيز خانہ تداره .

کی خانہ تداره ؟

کی اپارتمان تداره ؟

۶- او هم يك خانہ تداره .

علی هم يك اپارتمان تداره .

کریم هم يك رفیق تداره .

ظاهر هم يك بایسکل تداره .

۷- چی میکنی ؟ کار میکنم

چی کار میکنی ؟ کتاب میخانم

چی داری ؟ کتاب دارم

هیچ .

fill in the blanks.

ما . . . . . نداریم .

تو . . . . . نداری .

کریم . . . . . تداره .

او . . . . . تداره .

اونا . . . . . ندارن .

اوسپار . . . . . تداره .

۸- (هه) هیچ کار نمیکنم .

هیچ بچه ندارم .

هیچ رفیق ندارم .

هیچ پول ندارم .

کریم                      و پول نداره .  
تام                         و نان نداره .  
رحیم                        زن نداره .

چرا نداره ؟

چرا موتر نداره ؟

چرا رفیق نداره ؟

چرا پول نداره ؟

از خاطریکه تمبل اس .

از خاطریکه کار نداره .

از خاطریکه پول نداره .

از خاطریکه بسیار غریب اس .

فرید                      کی نداره ؟  
تام                        کی کار نداره ؟  
قاسم                      کی پول نداره ؟  
نجیب                      کی غریب اس ؟

درس دوم

جملات و تعریفات

(ندارم)	۱- مه موتر دارم.
ما	مه خانه دارم.
تو	مه رادیو دارم.
شما	مه رفیق دارم.
او	مه اطفال دارم.
اونا	مه طفل دارم.
قاسم	مه اپارتمان دارم.
تام	مه نان دارم.
اپارتمان	۲- او خانه نداره.
بایسکل	او موتر نداره.
اطفال	او رفیق نداره.
قلم	او کاغذ نداره.

## SPOKEN DARI

---

(he, she, it) does.	u me:konæ	-	-	-	-	'
they	una me:konæn	-	-	-	-	یکن

In Dari dæn دن and tææn تن are the signs of infinitive.

kædæn کدن to do

dashtæn داشتن to have

zædæn زدن to hit

kædæn کدن is commonly used as a part of a compound  
in Dari, e.g.

tæshækur kædæn تشکر کدن to thank

kar kædæn کار کدن to work



## SPOKEN DARI

big, large, 'important,' elder, oldest	kælan	کلان
from, belong to	æz	از
money	pul	پول
child	tefl	طفل
pl.	ætfał	اطفال
apartment	æpartman	اپارتمان
who?	ki	کی ؟
bread, food, meal	nan	نان
one, an, a	yæk	یک
lazy	tæmbæl	تنبل
name	nam	نام
married	zændar	زن دار
husband	shuy (shæwhær)	شوی (شوهر)

Note: when the progressive indicator me: (ing) is prefixed to the present stem of a verb in Dari a present tense is formed, e.g.

to do kædæn                      کن    ; present stem is (kon. کن )

I do. mæ me:konom    می    مه    میکنم    plus kon    کن    plus ending.

we do. ma me:kone:m    -    -    -    -    -    ما میکنیم

you do. shoma me:kone:n    -    -    -    -    -    شما میکنین

you do. tu me:koni    -    -    -    -    -    تو میکنی  
(familiar)

# SPOKEN DARI

## Lesson II

### درس دوم

car, automobile	mo:tær	
work, job, employment	kar	
house, home	khanæ	ه
radio	radeyo	ر
why?	chera	چ
because	æz khaterike	ناطرکه
also, either, too	(h)æm	
friend	ræfiq	ن
of course	ælbætæ	ته
first	æwwæl	ا
second	dowom	ا
God	khoda	ا
good-by	khoda afez	احافظ
now	ale	لی
very, very much, extremely, quite, many	besyar	بار
poor	ghærib	ب
a woman, wife	zæn	
suffix; his, her, its ex. his, her, its name	...esh	ش (نام او) نامش
American	ærikayi	ریکائی

## SPOKEN DARI

---

Translate the following:

- 1 - What is this?
- 2 - Are you from Kabul?
- 3 - No, I'm not from Kabul.
- 4 - Do you have a watch?
- 5 - Yes, I do.
- 6 - What are these?
- 7 - I don't know.
- 8 - What do you have?
- 9 - I have a Dari Dictionary.
- 10 - Really?
- 11 - You are joking.
- 12 - No
- 13 - Very good.
- 14 - What is that?
- 15 - Nothing.

ضرب العثل دری -

۱- قطره قطره دریا همیشه.

تمرین تلفظ (غ)

۱

غلام - غنی - کاغذ - غزنی - بغلان

غلام از بغلان اس.

بغلان نام یک شار اس.

بغلان به شمال افغانستان اس.

بغلان به جنوب افغانستان نیس.

غنی از غزنی س.

غزنی نام یک شار اس.

غزنی به جنوب افغانستان اس.

غزنی به شمال نیس.

بغلان به کجاس؟

غلام از کجاس؟

غزنی ده کجاس؟

غنی از کجاس؟

مه از کجاستین؟

جمبلات پائینه تکمیل کنین.

مه \_\_\_\_\_ دری \_\_\_\_\_.

تواز \_\_\_\_\_ ستو؟

کابل \_\_\_\_\_ کلان \_\_\_\_\_.

معلم جان \_\_\_\_\_ س.

\_\_\_\_\_ از کجا \_\_\_\_\_.

اینا \_\_\_\_\_؟

تام از \_\_\_\_\_ س.

ما از \_\_\_\_\_ استیم.

از کدام \_\_\_\_\_ استی؟

ای تمرین \_\_\_\_\_ \_\_\_\_\_ نیس.

\_\_\_\_\_ از افغانستان \_\_\_\_\_.

مه از ایالت \_\_\_\_\_ ستم.

بلی \_\_\_\_\_ آسان \_\_\_\_\_.

now translate the following.

۱- ای درس بسیار آسان اس.

۱- ای درس آسان نیس.

۲- تو از کجاستی؟

۴- مه از امریکاستم.

۵- از کجای امریکاستی؟

۶- از ایالت تکساس.

۷- شط از کجای افغانستان استین؟

۸- مه از شمال افغانستان استم.

۹- تام از کدام ایالت امریکاس؟

-also, too, either

۱۰- تامم (تامهم) از ایالت تکساس اس.

۱۱- ای درس آسان اس؟

۱۲- البته آسان اس.

مکالمه اول

کریم - جان! ای چیس؟

جان - ای کتاب دری س.

کریم - شما شاگرد دری ستین؟

جان - بلی مه شاگرد دری ستم.

کریم - معلم دری شما از کجاس؟

جان - او از افغانستان اس.

کریم - از کجای افغانستان؟

جان - از شمال افغانستان.

کریم - دری آسان اس؟

جان - بلی بسیار آسان اس.

کریم - شما از کجای امریکا ستین؟

جان - مه از جنوب امریکا ستم.

کریم - شما از کدام ایالت استین؟

جان - مه از ایالت فلوریدا ستم.

کریم - بسیار خوب  
UNIVERSITY OF MICHIGAN

now translate the following.

۱- ای درس بسیار آسان اس.

۲- ای درس آسان نیس.

۳- تو از کجاستی؟

۴- مه از امریکا ستم.

۵- از کجای امریکا سستی؟

۶- از ایالت تکساس.

۷- شما از کجای افغانستان استین؟

۸- مه از شمال افغانستان استم.

۹- تام از کدام ایالت امریکاس؟

-also, too, either

۱۰- تامم (تامهم) از ایالت تکساس اس.

۱۱- ای درس آسان اس؟

۱۲- مه آسان اس.



مکالمه اول

بم - جان! ای چیس؟

ان - ای کتاب دری س.

بم - شما شاگرد دری ستین؟

ان - بلومه شاگرد دری ستم.

بم - معلم دری شما از کجاس؟

ان - او از افغانستان اس.

بم - از کجای افغانستان؟

ان - از شمال افغانستان.

بم - آهان اس؟

ان - آهان اس.

## SPOKEN DARI

---

e- : a connector used with nouns and adjectives, often in the sense of 'of.'

The connective - e :            **اضافه**    ezafæ

1 - good book	ketabe khub	ابِ خوب
2 - your book	ketabe shoma	ابِ شما
3 - your books	ketabaye shoma	کتابهای شما
4 - your white book	ketabe sæfe:de shoma	کتاب سفید شما
5 - Dari book	ketabe dæri	کتاب دری
6 - the owner of the car	sahebe motær	صاحبِ موتر

The above examples illustrate the following:

- a. The suffix /-e/ connects the modifier with the word modified.
- b. It is suffixed to the word modified.
- c. The second word either describes, defines, or limits the first.
- d. With the chain of words in the connective -e construction all of the words take the -e but the last, e.g.

The President of the United States of America.

Ræ'yise jæmhure æzlaye motæhedæe æmrika

رئیس جمهور اصلاح متحده امریکا

مدیر موسسه خدمات خارجه

مدیر سیاسی وزارت خارجه

۱- مه کتاب دارم.

ما چوکی داریم.

تو معلم داری.

شما قلم دارین.

او ساعت داره.

اونا تباشیر دارن.

**تمرین داره**

۱۱- ای درس بسیار لغت داره.

**مکالمه**

ای درس بسیار جمله داره.

**لغت**

ای درس بسیار تمرین داره.

translate the following.

ای درس بسیار مکالمه داره.

I am from America.

He is from Afganistan.

Where is he from?

He is Afgan.

This lesson is very easy.

تو از کجاستی؟	مه از کابل استم
شما از کجاستین؟	مه از هرات استم.
او از کجاس؟	او از کندز اس.
جان از کجاس؟	جان از ورجینماس.
قاسم از کجاس؟	قاسم از غزنی اس.
اونا از کجاستن؟	اونا از پروان استن.

read this.

مه از افغانستان استم.	نیویارک
او از امریکاس.	ایران
او از کابل اس.	پاکستان
تام از واشنگتن اس.	هند
حفیظ از مزارشریف اس.	چین
	کوکاکولا
	ورجینیا

مه دارم.	شما دارین.
ما داریم.	او داره.
تو داری.	اونا دارن.

## SPOKEN DARI

---

to be /budæən/      بودن

present stem /æs(t)/      است      there is no ending  
in the third person singular.

۶- مه معلم استم.      (است + م)

ما معلم استیم.      (است + یم)

تو معلم استی.      (است + ی)

شما افغان استین.      (است + ین)

اونا افغان استن.      (است + ن)

fill in the blanks.

علی معلم .....

او آسان .....

او از کجا ؟.....

..... چپس؟

او..... اس.

تو از کجا ؟.....

ای..... ؟

اونا از کجا ؟.....

## SPOKEN DARI

Below are the endings of the Dari verb:

I	sing.	...mæ(I).....	-om	م
	pl.	...ma(we).....	e:m	م
II	sing.	...tu(you)(familiar).....	-i	ی
	pl.	...shoma(you).....	-e:n	ین
III	sing.	...u(he, she, that)		
		.....	-æ	ه
		i(he, she, this)		
	pl.	...una(they, those).....	-æn	ن

\*this rule does not apply for the verb 'to be.'

example: to have	dashtæ:n	داشتن	present stem dar
I have.	mæ darom	مه دارم	م...
we have.	ma dare:m	ما داریم	م...
you have.	tu dari	تو داری	ی...
you have.	shoma dare:n	شما داریدن	ین...
(he, she, that, it) has	daræ	او داره	ه...
example: to do	kædæn	کدن	present stem kon کن
I do.	mæ me:konom	مه می کنم	you do. shoma me:kone:n می کنین
we do.	ma me:kone:m	ما می کنیم	(he, she, it) does. می کنه me:konæ

او کریم اس.

۳- ایما چیس؟

ایما تباشیر اس.

ایما کتاب اس.

ایما قلم اس.

ایما کاغذ اس.

۴- اونا چیس؟

اونا قلم اس.

اونا کاغذ اس.

اونا کتاب اس.

ای کتاب اس.

۵- ای چیس؟

او تباشیر اس.

اوچیس؟

ایما کاغذ اس.

ایماچیس؟

(اونا) اونا قلم اس.

اونا چیس؟

درس اول

جملات و تمرینات

تباشیر	- ای چیس ؟
کتاب	ای کتاب اس.
کاغذ	ای پنسل اس.
پنسل	ای قلم اس.
چوکی	ای چوکی س.
	ای ساعت اس.

۱- او چیس؟

- او تباشیر اس.
- او تختس.
- او چوکی س.
- او قلم اس.
- او کاغذ اس.



## SPOKEN DARI

---

pen	qælæm	قلم
paper	kaghæz	کاغذ
teacher	mælem	معلم
student	shagerd	شاگرد
book	ketab	کتاب
to be	budæn	بودن
present stem	æs(t)	اس(ت)
lesson	dærs	درس
very, much, too, a lot	besyar	بسیار
word, vocabulary	lughæt	لغت
pl.	lughat	لغات
north, wind	shæmal	شمال
south	junub	جنوب
conversation, dialogue	mokalemæ	مکالمه
sentence	jumlæ	جمله
pl.	jumælat	جملات
drill, exercise, practice	tæmrin	تمرین
clock, watch, time	sat	ساعت

## SPOKEN DARI

---

### Lesson I

### درس اول

this, he, she, it	i	
these	iya	
he, she, that	u	
they, he, she, that person (polite)	una	
they, he, she, this person (polite)	ina	
to have	dashtæn	نتن
present stem	dar	دار
chalk	tæbashir	تیر
board, blackboard	tækhtæ	تہ
I, my, me	mæ	
we, our	ma	
you, your (familiar)	tu	
you, your	shoma, shema	ما
chair, seat	chæwki	وکی
what	chi	؟ ں
which	kudam	؟ ام.
where	kuja	؟ جا
from where, where at?	æz kuja	ز کجا
easy	asan	سان
state	æyalæt	اہالت

## SPOKEN DARI

---

Is everything o.k.?	khæyreyæt æs	خیریت اس؟
I like it.	khushem meyayæ	خوشم می آید.
(It comes to my liking)	khushdarum	خوش دارم.
You are right.	rast me:ge:n	راست می گین.
It's worth it.	me: ærzæ	می ارزه.
I don't know. (slang)	mæ chem	مجم.

SPOKEN DARI

Be quiet (shut up) (slang)	chup bash	باش
Be quiet (slang)	qæra bash	ش.
May you not be tired. (when someone comes from a trip or even a short walk)	mandæ næbashi	ه نباشی
(as reply) may you live long.	zendæ bashi	باشی
How are you? (how is your health)	sehætet chetoræs	ت چطور اس ؟
How are you? (how is your nature)	tæbeyætet chetoræs	مت چطور اس ؟
Good-by (I entrusted you to God)	bækhuda sepurdemet	ندا سپردمت
thanks to God	shukr	.
in my opinion	bæ fekre mæ	کره
in my opinion, in my belief	bæ æqide: mæ	قیده مه
in my opinion, in my idea	bæ næzæreyæe mæ	ظریه مه
don't worry.	negæran næbashin	ن ناشین .
don't worry.	be:ghæm bashin	غم باشین .
he's very kind to me.	særem mehræbanæs	مهربان اس
he's mad at me.	særem qar æs	م قهر اس
Where are you going?	bækhæyr?	ر ؟
You are very kind.	lutf me:kune:n	ل میکنین .
It has been a long time since I have seen you.	besyar wagt æs ke nædide:m	بار وقت اس که ندیدیم

## SPOKEN DARI

I nope.	khoda konæ	خدا کنه .
Forget it.	færamosh ko	فراموش کو!
I am honored	mushærræf shudum	مشرف شدم .
How much do I owe you?	chæn(d) qærzdaret æstum?	چند قرضدارت استم .
it is useless		بی فایده س .
	be: faydæs	
it does not do any good		
mind your own business	bæ tu mæbut ne:s	به تو مربوط نیس .
be careful	eteyat ku	احتیاط کو!
of course, certainly	bæ chishm	بچشم .
God bless you (her, him).	khuda ræhmæt kunæ	خدا رحمت کنه
For God sake.	bæ leyaze khuda	به لحاظ خدا
Thank you for everything.	æz æmæ chiz tæshækur	از همه چیز تشکر
Do me a favor. Will you?	Yæk kar khu bærem buku?	یک کار خو بریم بکو؟
I'm tired.	khæstæstum	خستستم .
I'm tired.	mandæstum	ماندهستم .
It is very important.	bisyar mohim æs	بسیار مهم اس .
fortunately	khushbækhtanæ	خوشبختانه
unfortunately	bæd bækhtanæ	بدبختانه
please be quiet	lutfæn aram bashe:n	لطفا آرام باشین
Don't make noise.	ghalmæghal nækunen	غالمغال نکنین .

## SPOKEN DARI

Congratulations!	tæbrɪk	ك !
It's pretty.	qæshæŋgæs	گه اس .
	bædræŋ æs	بدرنگه اس .
It's ugly.	bæd qæwaræs	بدقواره س .
		ن .
That's all right.	khæiræs	
I'm thirsty.	tushnæstom	متم .
I want to drink some water.	me:khayom æw bukhorom	م او (آب) بخورم .
		نستم .
I am hungry.	gushnæstom	
I want to eat something.	me:khayom chize bukhorom	م چیزی بخورم .
		ا موه كهك كنن .
Please help me.	lutfæn mæ:ræ komæk kone:n	
		پان استن .
You are very kind.	mehræban æste:n	
You're very kind (lit.: It is your kindness).	mehræbani shomas	انی شماس .
		اس . . پس
(it is) enough.	bæs æs	
God willing.	enshalla	الا .
Please eat!	lotfæn noshe jan kone:n	ا نوش جان كنن !
		نوش جان ميكنن ؟
What would you like to eat?	chi noshejan me:kone:n?	
		بس داخل شوم .
May I come in.	ejazæs dakhel shæwom?	
		مائن .
please (do)	bofærmayin	
		ار بهر بار اس .
It is very crowded.	besyar birubar æs	

## SPOKEN DARI

Why?	chera	چرا؟
Why not?	chera ne:	چرانی .
because, in order to	æz k <del>h</del> aterike:	از خاطریکه
Hurry up!	zud shu	زود شو!
	æjælæ ku	عجله کو!
Welcome!	khosh amæde:n	خوش آمدین!
Thank you (lit.: may you be happy) (response to above 'welcome!')	khosh bashe:n	خوش باشین .
of course	ælbætæ	البته .
that's o.k., that's right	dorust æs	درست اس .
it doesn't matter	pærwa nædaræ	پروانداره .
I'm very sorry.	besyar motæsef æstom	بسیار متاسف استم .
I'm very sad.	besyar motæser æstom	بسیار متاثر استم .
Excuse me (I'm sorry)	bobækhshe:n	ببخشین .
I apologize.	mæzeræt me.khayom	معذرت میخایم .
it doesn't make any difference	færq næme:konæ	فرق نمیکنه .
It's interesting.	delchæsp æs	دلچسپ اس .
It is boring.	khæstæ kun æs	خسته کن اس .
I missed you.	pushtet diq shodom	پشتت دق شدم .

SPOKEN DARI

Where are you from?	Shoma æz kojaste:n?	از کجاستین؟
I'm from America.	mæ æz æmrikastom	ز امریکاستم.
What is your name?	name: shoma chis?	شما چیست؟
My name is .....	name: mæ....s	مه: . . . اس.
Thank you.	tæshækor	.
You're welcome.	qabele: tæshækor ne:s	تشکر نیس.
good-by, good night	khoda afe:z	احافظ.
good-by, good night	bamane khoda	ان خدا
Please repeat.	lotfæn tekrār kone:n	فا تکرار کنین.
Please speak slowly.	lotfæn asta gæp bezæne:n	ا آهسته گپ بزنین.
I have a headache. (lit.: My head aches)	særem dærd me:konæ	ا درد میکنه.
both are the same	ærdo yæk chiz æs	دو یک چیز اس.
the same	æyne chiz æs	ن چیز اس
how?	chito(r)	طو(ر)؟
We will see later.	pæsan me:bine:m	مان میبینیم.
Have a nice trip.	sæfære bækhæyr	فر بخیر
I'm very happy to meet you.	æz molaqate shoma besyar khushæstom	وقات شما بسیارخوش استم
It was nice meeting you.	khob shod ke shomaræ molaqat kædom	شد که شماره ملاقات کردم
I'm very happy to see you.	æz didæne shoma besyarkhosh æstom	دیدن شما بسیارخوش استم
It was nice to see you.	khob shod ke shomaræ didom	دیدن شما که شماره دیدم.



## SPOKEN DARI

For Memorizing

Hello. (Hi) <sup>1</sup>	sælamalekom	— سلامالیکم .
Hello. <sup>2</sup> How are you?	walekom (æsælam) chi al dare:n?	— والیکم (اسلام) چی حال دارین ؟
Not bad thank you. How about you?	bæd ne:s tæshækur, shoma citor?	— بدنہیں تشکر. شما چطور ؟
I'm fine thank you.	khob æstom tæshækur	— خوب استم تشکر.
Is your family fine?	fameletan khobæs?	— فامیلتان خوب اس ؟
[fine) (it is the grace of God)	fæzle khoda (s)	— فضل خداس .
What is this?	i chis?	ای چیس ؟
What is happening?	chi gæp æs?	چی گپ اس ؟
What is going on?	chi khæbær æs?	چی خبراس ؟
What is the news?	chi næw æs?	چی نو اس ؟
Nothing, none	ech	هیچ .
Nothing is happening.	ech gæp ne:s.	هیچ گپ نہیں.
Really?	rasti?	راستی ؟

Note:

<sup>1</sup>Lit. May peace be with you. Shaking hands is a very important aspect of the Afghan culture. Even close friends shake hands upon meeting for the first time during the day, as well as upon taking leave.

<sup>2</sup>this expression is used only as a reply.

n

ن

نا نو ننی ان آن اون این

w, o

و

وا وو وی او آو او ایو

h

ه

ها هو هس اه آه اوه ایه

i, y

ی

یو یی ای آی اوی ایی

now read this.

نان	چین	کابل	مزار	بامیان	نرس
امریکا	موتر	مایکل	لاری	ایران	کیوبا
پاریس	دریا	پامیر	بزرگ	کتاب	قانون
					شکر

gh ' 1

ع غ  
ء غء

ع عو عى اع آع اوع ايع

ف فاق

فا فو فى اف آف اوف ايف

now read this

ورجينيا خود خوش کجا سفید سیاه زرد  
عام فورد سات برو جارو غورات سرخ

ک گ  
ک گ

کا کو کی اک آک اوک

l

ل  
ر

لا لو لی ال آل اول

m

م  
م

ما مو می ام آم اوم ایم

ž z r  
ژ ز ر

را روری ار آر اور ایر

sh s  
ش س

سا سو سی اس آس اوس ایس  
now read

تا با بو بو اخ آخ اوخ بابا پای خات بی  
آب روز شب ای خان جان پشت پت زد

z s  
ض ص

صا صو صی اص آص اوص ایص

z t  
ظ ط

طا طو طی اط آط او ط ایط

## SPOKEN DARI

In reading Dari, the following principles should be considered.

1. Read from right to left.
2. Identify the Dari letters by means of:

- |                              |   |   |
|------------------------------|---|---|
| a. Shape of the letter.      | ح | خ |
| b. The number of dots.       | ز | ج |
| c. The position of the dots. | ژ | ج |

Here we follow some of the examples and their equivalents;

s	t	p	b
ش	ت	پ	ب
ش	ت	پ	ب

Just one example, and you do the rest of the exercise.

با بو بی اب آب اوب ایب

kh	h	c	j
خ	ح	چ	ج
خ	ح	چ	ج

z	d
ذ	د

دا دو دی اد آد اود اید

# SPOKEN DARI

---

## An Introduction to Reading

### The Vowels

There are only three symbols normally used in Dari for vowels. Their basic forms are:

ا و ا

ا used in the middle or at the end of a word represents the vowel sound 'a'. At the beginning of a word, however, the ا merely indicates that the word starts with a vowel.

ا represents the sound a

وا represents the sounds u and o:

وا represents the sounds i and e:

The three remaining vowel sounds which are represented only at the beginning of a word are æ, e and o

æ = ا

e = ا

o = ا

Most of the letters have been grouped into families and most of the letters within each family are distinguished by a number of dots written above or below the letter.

## SPOKEN DARI

### 1. Some Examples:

<u>Phoneme</u>	<u>Dari Examples</u>	<u>Approximate English Equivalent</u>
i	si <u>r</u> سیر	be <u>a</u> t
e	se <u>r</u> سر	Between the English vowels of si <u>t</u> and se <u>t</u>
e:	se: <u>r</u> سیر	ca <u>k</u> e
æ	æ <u>s</u> اس	Between the English vowels of ca <u>n</u> and cu <u>t</u>
u	tu <u>t</u> توت	ro <u>o</u> t
o	kh <u>o</u> d خود	pu <u>t</u>
o:	so: <u>r</u> سور	no <u>t</u> e
a	da <u>r</u> دار	Between the English vowels of co <u>t</u> and ca <u>u</u> ght
k	ka <u>r</u> کار	ki <u>n</u> g
q	de <u>q</u> دق	'k' said way back in the throat
'	'æy <u>n</u> عین	bo <u>tt</u> le
ch	cha <u>r</u> چار	cha <u>i</u> r
ʃh	sha <u>r</u> شار	sh <u>o</u> uld
ʒ	ʒa <u>l</u> ə ژاله	mea <u>s</u> ure, a <u>z</u> ure
kh	kh <u>u</u> b خوب	place back of tongue against back part of soft palate and exhale
gh	zogh <u>a</u> ل زغال	As 'kh' above, but voiced

SPOKEN DARI

Final	Medial	Initial	Usual Value	Isola
ط	..ط..	ط..	t	ط toey
ظ	..ظ..	ظ..	z	ظ zoey
ع	..ع..	ع..	'	ع eyn
غ	..غ..	غ..	ǧ gh	غ gheyn
ف	..ف..	ف..	f	ف fay
ق	..ق..	ق..	q	ق qough
ك	..ك..	ك..	k	ك cough
گ	..گ..	گ..	g	گ gough
ل	..ل..	ل..	l	ل lahm
م	..م..	م..	m	م mim
ن	..ن..	ن..	n	ن noon
و	-	-	w, o, u	و wow
ه	..ه..	ه..	h, ø	ه hay
ی	..ی..	ی..	y, i	ی ya

Note that the following group of letters, like the | are never connected to the following letter.

د ذ ر ز ژ و

Note that the ی does not have dots in the isolated or final positions.



SPOKEN DARI

The Alphabet

الفباء

32

Final	Medial	Initial	Usual Value	Isolated
يا	—	—	æ	alif
يب	بـ	بـ	b	bay
پ	پـ	پـ	p	pay
ت	تـ	تـ	t	tay
ث	ثـ	ثـ	s	say
ج	جـ	جـ	j	jeem
چ	چـ	چـ	ch	chay
ح	حـ	حـ	h	hay
خ	خـ	خـ	kh	khay
د	—	—	d	dahl
ذ	—	—	z	zahl
ر	—	—	r	ray
ز	—	—	z	zay
ژ	—	—	ž (measure)	jay
س	سـ	سـ	s	seen
ش	شـ	شـ	š sh	sheen
ص	صـ	صـ	s	sought
ض	ضـ	ضـ	z	zought

از صنف به شاگردان وظایف داد میشود .

۶- عبارات و جملاتی که در اول کتاب برای حفظ کردن آمده ، گاهگاهی در متن کتاب

مردیده میشوند ، لهذا برای معلم و شاگردان است که از مراجعه به آنها چشمپوشی نکنند .

با همکاری شعبه سمعی و بصری هر سی درس این کتاب ریکارده شده و در لابراتوار لسان

دسترس شاگردان گذاشته شده است .

با وجود عدم مواد و موضوعات درسی ، خصوصا دکشینری اینجانب سعی نمود هام تا این

رک سبزا تهیه نمود ه به دستداران زبان دری تقدیم کنم . البته بعقیده من این کتاب به

دریس زبان دری کافی نیست و امیدوارم به نوشتن این سلسله ادامه داده تا بتوانم به معرفی

بان و کلتور افغان بهتر کمک کنم .

حفیظ لطیفی

حروف غ، ق و خ آورد ه شد ه است. در صورت کمی تمرین و استعمال لغات معلم باید از دانش خود استفاده کرده به شاگردان هدایات و وظایف لازمه بدهد. قراریکه می بینیم این سو درس به معرفت زبان مثل دری کافی نیست، بنابراین معلم باید به مراجعه روزنامه و کتابهای که به اختیار دارد استفاده نموده به دانش شاگردان بافزاید.

برای پیش بردن این کورس نکات اتی باید در نظر گرفته شود -

۱- معلم کلمه یا جمله که یاد گرفته میشود یکدفعه یا دو دفعه به شاگردان میخواند و شاگرد ها آن کلمه را یکجا بعد از معلم تکرار میکنند. معلم دوباره کلمه یا جمله گفته شده را تکرار نموده و هر شاگرد به نوبه خود بعد از معلم تکرار میکنند تا اینکه تمام شاگردان بدون کدام مشکلاتی کلمه مذکور را گفته بتوانند. در این مرحله اگر غلطی در تلفظ دیده میشود باید اصلاح شود، مگر کوشش شود از توضیحات چون و چرا جلوگیری بعمل آید.

۲- خلاصه موضوع مکالمه درس به شاگردان گفته شود و بعد معلم مکالمه مذکور را از کتاب

به شاگردان بخواند.

۳- بعد از خود شاگردان به خواندن مکالمه شروع کنند و بعد از یکی دو مرتبه خواندن شاگردان

دان به تمرین مکالمه بدون کتاب بپردازند.

۴- بعد از اینکه این کار تمام شد، شاگردان به سوالات آخر مکالمه باید جواب بدهند یا

از یکدیگر خود بپرسند.

۵- راجع به گردان فعل، ساختمان جملات و استعمال لغات چه در صنف و چه در خان

## مقدمه

مقام و مقصد این کتاب اینست که یکنفر انگلیسی زبان را به لسان دری آشنا سازد. طبیعی است که در افغانستان و اکثر کشورهای دنیا مردم یک زبان را به لهجه های مختلف گویند. در اینجا لهجه ها و اصطلاحاتی که بیشتر در شهرها و خصوصا در کابل از آن استفاده ملامی آید، مراعات شده است.

با در نظر گرفتن موضوع فوق، بنابراین سیستم نوشتن این کتاب هم فرق میکند، مثلا برای شب (شو)، و برای کلمه میگویم، (میگم) استعمال شده است. البته ما میدانیم که مردم این طرز و لهجه گویند. عین کلمه در مواقع مختلف به اوازه های مختلف شنیده میشود. بنابراین معلم بهتر خواهد بود که این نکات را در نظر داشته باشد تا شاگردان خود لهجه و اصطلاحاتی عمومی تر است، معرفی نماید.

این کتاب سی درس داشته، شامل لغات، جملات و تمرینات، مکالمات، سوالات و موضوعات میباشد. همچنان در آخر بعضی از دروس عبارات مفید و ضرب المثل ها هم علاوه شده است.

در بعضی قسمت ها توضیحات مختصری راجع به گرامر داده شده است. هر درس تقریباً یک مکالمه دارد که این مکالمه بصورت مستقیم یا غیرمستقیم با لغات و جملات و تمرینات درس مذکور رابطه دارد. در حدود پانزده یا زیاد تر تمرینات برای تقویه تلفظ

SPOKEN DARI

---

# SPOKEN DARI

---

## INTRODUCTION

This book contains the core of the Dari instructional program developed by the author at the Foreign Service Institute.

Each lesson includes a set of Basic Sentences and Drills. These are to be introduced orally and practiced by simple repetition. The students should imitate the instructor's voice, practicing until they can say each sentence with reasonable fluency, keeping the meaning in mind. Listening and oral practice are the essential steps in learning to speak.

After the sentences have been practiced in this way, the vocabulary lists and grammatical notes may be consulted. The pronunciation drills, question-and-answer exercises, and other exercises should also be practiced by imitation.

The Dialogue at the end of the lesson should also be practiced orally; after they have gained fluency, students may take parts and repeat the Dialogue as a conversation. Then, most important, the students should begin to use the material of the lesson in genuine conversation.

This course has been designed primarily for inductive learning. Many examples of each grammatical point have been given, and explanations kept to a minimum.

In learning to speak and understand Dari, the student must rely primarily on his ears, listening to his instructor and to the recordings which accompany this text.

Phonetic transcription has been avoided, except in the vocabulary sections of each lesson. Most of the sentences and exercises are presented in the Persian script. The spelling used in this book represents the actual pronunciation of colloquial Dari; this differs somewhat from the spelling usually used in Afghan publications.

A large number of proverbs and sayings have been introduced in these lessons. Sayings like these are used constantly in Dari, and they give an insight into Afghan culture and thought.

The purpose of this course is to help the student learn to communicate in Dari -- to exchange information and ideas with Afghans. By the active participation of both student and instructor, this ability can be built up. Learners should not feel bound by the lesson, but should try to use what they learn at each step to express their real ideas and opinions.

One of our favorite proverbs says *it*, "mosht nãmunã-e-kherwar æs." which may be roughly translated as, "By a small sample we may judge the whole piece."



## Acknowledgments

I would like to express my deep appreciation to my former students who very patiently put up with the errors and loose pages of this book when it was being used in xerox form. Their thoughtful suggestions were very helpful.

I am especially grateful to Dr. James A. Snow, linguist and Chairman of the Department of Near Eastern and African Languages, without whose comments, suggestions and patient attention, this text would not have been possible.

Recorded material for this course was prepared in the studios of the Foreign Service Institute. Mr. Jose Ramirez and members of the language laboratory staff.

Finally, I would like to thank Mrs. Marianne L. Adams, Head of Testing and Publications Office for her willingness to make arrangements for the publication of this preliminary edition and to Mrs. Maryko S. Deemer for typing the English sections.

A. Hafiz Latify





*FOREIGN SERVICE INSTITUTE*

*Edited by*  
*MARIANNE LEHR ADAMS*

# بنام خداوند توانا

---

For sale by the Superintendent of Documents, U.S. Government Printing Office  
Washington, D.C. 20402

Stock Number 044-000-01768-7

Digitized by Google

Original from  
UNIVERSITY OF MICHIGAN

# ادری اصطلاحی

حفیظ لطیفی

موسسہ خدمات خارجہ  
اور آرٹ خارجہ